

گفت و گو با دکتر محمدعلی موحد تاریخ نویس، محقق و مترجم

خواب آشفته نفت نگاه دوم به یک اثر تاریخی

نفت، دوران دکتر مصدق و کودتای ۲۸ مرداد

دکتر محمدعلی موحد، یکی از تاریخ نویسان برجسته سال‌های دور و نزدیک ایران، هم اکنون در آستانه هشتاد سالگی است و خواب آشفته نفت، شاید مهمترین اثر وی، حرف‌های بی شماری از دوران ملی شدن صنعت نفت، مصدق و شخصیت او دارد. دکتر محمدعلی موحد تلاش کرده است که داوری منصفانه‌ای در مورد رویدادها داشته باشد. این را خود می گوید، اما، اثر نیز گواهی می دهد که نویسنده بندرت اسیر احساسات شخصی خود شده است. جلد اول و دوم «خواب آشفته نفت» به چاپ‌های مکرر رسیده است و مجلد دیگر در راهند. گفت و گوی ما با دکتر محمدعلی موحد را بخوانید.

۲۰



برپایی موزه مطبوعات نشانه یک همت ملی است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در روز خبرنگار از موزه مطبوعات بازدید کرد. احمد مسجد جامعی در این دیدار برپایی موزه مطبوعات را یک همت ملی خواند و سیاست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را حمایت از تشکیل مراکزی از این دست اعلام کرد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: مراکزی نظیر موزه مطبوعات در حراست از میراث فرهنگی گذشتگان نقش مهمی ایفا می کنند. در این دیدار سه عضو هیأت مؤسس موزه مطبوعات، سید فرید قاسمی، محمد رضا جواهری و حشمت الله منعم مشکلات برپایی موزه مزبور را تشریح کردند و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قول رفع مشکلات موجود را به آنان داد. در موزه مطبوعات ۵۶۰۰ عنوان نشریه از آغاز روزنامه نگاری در ایران تا امروز وجود دارد.

ISSN:1029-3345

شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۸۱
۸ جمادی الثانی ۱۴۲۳
۱۷ آگوست ۲۰۰۲
شماره ۷۶، پیاپی ۴۶۳
شمارگان ۷۰۰۰
۳۲ صفحه، ۱۰۰ تومانی

حذف ضوابط مربوط به خروج تک نسخه‌ای برخی اقلام فرهنگی از کشور

۲

فراخوان
خانه کتاب
۲



یادداشت

بهاءالدین خرمشاهی
و کارنامه استاد مصطفی رحیمی

... او مقاله نگار ماهری نیز بود و فهرست مقالات او احتمالاً از دوستان عنوان بر می گذرد و دریغ بر ما که جشن نامه‌ای سزاوار ارج و اجر خدمات فرهنگی پنجاه ساله او تدوین نکردیم...

۲۳

انتشارات وزارت امور خارجه

دایرةالمعارف‌های
دموکراسی
و ناسیونالیسم
۵

چراغی که باید روشن بماند...

گفت و گو با حسین مهدیان، مدیر دفتر نشر فرهنگ اسلامی
به بهانه گشایش «بوستان کتاب»

۱۲

دانش آموز سال‌های دور

نگرانی‌های کودکی

این هفته با داود هرمیداس باوند

۱۳



۱۷

گفت و گو با سید یاسر هشترودی نویسنده جنگ

برای چه باید نوشت؟

من با نوشتن نمی توانم رسالتی را بر عهده بگیرم.
رسالتی که اساساً در ماهیت کار نویسنده نهفته است



گفت و گو با
پرویز خرسند

۱۸

میرعلی نقی
و کتاب

گلبانگ محراب
تابانگ مضراب

۱۰



نشست خبرنگاران حوزه کتاب با معاون فرهنگی وزارت ارشاد

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با خبرنگاران حوزه کتاب دیدار و گفت و گو کرد. در این دیدار و گفت و گو که تنی چند از مدیران حوزه کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حضور داشتند، پیرامون فرهنگ کتابخوانی و مسائل مربوط به آن، بحث و تبادل نظر به عمل آمد. علی اصغر رمضانپور، هدف از تشکیل جلسه فوق رادیدار با خبرنگاران کتاب و بررسی مسائل روز مربوط به حوزه نشر و کتاب عنوان کرد. یکی از خبرنگاران، در خصوص ارائه آمار نسبی مطالعه در جامعه توسط معاونت فرهنگی سؤالی مطرح کرد که رمضانپور در پاسخ گفت: در صحت

نشست شاعران

کودک و نوجوان در باره زبان

شاعران مطرح کودکان و نوجوانان، طی نشستی درباره «زبان» در شعر کودک و نوجوان با یکدیگر دیدار و گفت و گو کردند.

این نشست که به دعوت انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و در محل همین انجمن برگزار شد، زبان در شعر کودک و نوجوان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. بحران مخاطب در ادبیات کودک و رویگردانی این مخاطبان از کتاب و فرهنگ مکتوب و رویکرد به رسانه های شفاهی و غیرمکتوب از دیگر مسائلی بود که مورد بحث حاضران قرار گرفت.

یکی از حاضران، با انتقاد از بی توجهی بچه ها به کتاب گفت: باید از اولیای مدارس و پدران و مادران سؤال کرد که چرا این اتفاق افتاده است. اگر واقعاً دیگر کتاب هایی که ما می نویسیم، نمی تواند نیاز بچه ها را بر آورده کند، فکری دیگر بکنیم.

شاعران حاضر در این نشست، معتقد بودند که عنصر زبان در شعر کودک چند ساله اخیر قدری آسیب پذیر شده و باید به ترمیم آن پرداخت. شکوه قاسم نیا شاعر کودکان نیز گفت: قریب به اتفاق آثاری که به عنوان شعر کودک مطرح می شوند، فاقد زبانی یکدست و اثرگذار برای این گروه از مخاطبان هستند. قابل ذکر است که در این نشست، مصطفی رحماندوست، حمید هنرجو، شکوه قاسم نیا و چهره های دیگر شعر کودک و نوجوان حضور یافته بودند.

سه گام مکتوب دیگر در سروش

طی چند روز اخیر به اهتمام نشر سروش، سه اثر مکتوب تازه در دسترس علاقمندان به کتاب قرار گرفته است.

«اینجا، در این پرده منم» روایت زندگی کمال الملک است که با بیانی متفاوت با قلم فروزنده خداجو به رشته تحریر در آمده است.

دیگر کتاب «حاصل اوقات» است که نوشته های دکتر احمد مهدوی دامغانی را با موضوعات ادبی و تاریخی در بر گرفته است و مطالعه آن برای مخاطبان جوان مناسب به نظر می رسد.

«پانزده سال دارم و نمی خواهم بمیرم» را کریستین آرنوتی نوشته و قاسم صنعوی آن را ترجمه کرده است. موضوع این اثر، با جنگ جهانی دوم ارتباط دارد و سعی شده از بعد تحلیلی نیز، جنگ جهانی دوم مورد بررسی قرار بگیرد.

نظارت بر مؤسسات فرهنگی

غیر ایرانی

مؤسسات فرهنگی غیر ایرانی توسط سه وزارتخانه نظارت می شوند.

علی اصغر رمضانپور در گفت و گویی با واحد مرکزی خبر، ضمن اعلام این مطلب، گفت: وزارتخانه های کشور، امور خارجه و فرهنگ و ارشاد اسلامی بر فعالیت مؤسسات فرهنگی غیر ایرانی نظارت کامل دارند. معاون فرهنگی وزارت ارشاد، ضمن اشاره به مصوبه اخیر دولت در خصوص آیین نامه فعالیت مؤسسات فرهنگی غیر ایرانی در کشور گفت: این مؤسسات در زمینه های فرهنگی، بویژه درباره بسترهای فرهنگی برای همکاری های بیشتر میان کشور متبوع خود و جمهوری اسلامی ایران مطالعه و تحقیق می کنند.

این آمار تردیدی نداریم، متأسفانه باید پذیرفت که مطالعه در سطح جامعه بشدت آسیب پذیر شده است و هر کس باید در حد توان و دغدغه فرهنگی خود برای بهبود این وضعیت، قدمی رو به جلو بردارد. خبرنگاری دیگر گفت: وجود تشکلی با عنوان «خبرنگاران حوزه کتاب» امری مهم و تأثیرگذار بر روند کتابخوانی در کشور است اما چرا در بدنه مطبوعات کشور برای تربیت خبرنگاران کتاب، اقدامی صورت نمی گیرد؟

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در پاسخ به این سؤال، گفت: ضرورت تربیت خبرنگاران کتاب و ارتقای توانمندی آنان در

دعوت برای ترجمه و نشر کتاب

سیاستنامه امام علی(ع)

از آنجایی که ترجمه کتاب «سیاستنامه امام علی(ع)» اثر حجت الاسلام و المسلمین ری شهری به زبان های انگلیسی و عربی مورد استقبال دفتر مجامع و فعالیت های فرهنگی است لذا این دفتر آمادگی دارد در صورتی که ناشری نسبت به انتشار کتاب مذکور به زبان های انگلیسی و عربی اقدام نماید، در مورد ترجمه آن مشارکت نماید.

تازه های کتاب از کتابخانه جنگ

کتابخانه جنگ دفتر هنر و ادبیات مقاومت که از مدتی قبل انتشارات بروشورهایی را آغاز کرده است، در آخرین شماره اولین بخش بروشور فهرستگان موضوعی اسیر و اسارت با معرفی ۴۵ کتاب از این حوزه راه همراه سومین شماره فهرست تازه های کتاب که در برگیرنده مشخصات ۵۰ کتاب است برای اعضای این کتابخانه ارسال کرده است.

علاقه مندان به دریافت این بروشورها می توانند با شماره ۶۴۹۹۷۰۸ تماس حاصل کرده و یا به نشانی اینترنتی www.warlib.com مراجعه نمایند.

آغاز ثبت نام در نمایشگاه بین المللی کتاب تاییه ۲۰۰۳

یازدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تاییه از ۲۲ تا ۲۷ بهمن ماه (۱۱-۱۶ فوریه ۲۰۰۳) در تاییه چین برگزار می شود.

همزمان با این نمایشگاه نشست بین المللی حقوق نشر در تاریخ ۱۱ فوریه با حضور جمعی از حقوقدانان و متخصصان نشر برگزار می شود. همچنین نخستین نمایشگاه بین المللی تصویرگری بخشی از فعالیت های این دوره از نمایشگاه تاییه است. آخرین مهلت ثبت نام ۹ شهریور ماه (۳۱ اوت) است و علاقه مندان به شرکت در این نمایشگاه، برای دریافت فرم ثبت نام می توانند به دفتر مجامع و فعالیت های فرهنگی مراجعه نمایند.

اطلاعات بیشتر از طریق نشانی www.tibe.com قابل دسترسی است.

انتشار یکی از کتاب های شیعی به زبان انگلیسی در لندن

کتاب «دکترین های اسلام شیعی» اثر آیت الله جعفر سبحانی توسط مؤسسه مطالعات اسماعیلیه لندن به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شده است. این اقدام گام مثبتی در زمینه معرفی تفکرات شیعی تلقی می شود.

حذف ضوابط مربوط به خروج تک نسخه ای برخی اقلام فرهنگی از کشور

احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی نامه ای اعلام داشت که خروج آثار صوتی و تصویری و رایانه ای شامل نوار کاست، نوار V.H.S، CD، D.V.D و نیز آثار مکتوب شامل کتاب و مطبوعات به صورت همراه مسافر بدون اظهار نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با رعایت سایر مقررات از مرزهای کشور به خارج بلا مانع است.

انتشار کتاب «دورنمایی از زرتشتیان» به زبان انگلیسی

کتاب «دورنمایی از زرتشتیان - هنر، مذهب و فرهنگ» توسط انتشارات مایین هند به زبان انگلیسی منتشر شده است. علاقمندان به دریافت اطلاعات بیشتر و جزئی تر می توانند از طریق نشانی الکترونیکی ذیل با ناشر مذکور ارتباط برقرار کنند: mapiniconet.net

انتشار نخستین

دستور خط فارسی

نخستین دستور خط فارسی توسط استادان و کارشناسان فرهنگستان زبان و ادب فارسی تدوین و منتشر می شود.

روابط عمومی این فرهنگستان، با اعلام این مطلب، در گفت و گو با خبرنگار ما، انتشار این مجموعه را یکی از کارهای تازه این مرکز فرهنگی - علمی عنوان کرد. دکتر غلامعلی حداد عادل که در تدوین و انتشار نخستین دستور خط فارسی نقش دارد و اکنون ریاست این فرهنگستان را بر عهده دارد، قرار است طی نشستی با خبرنگاران حوزه کتاب در مورد این اثر توضیحاتی ارائه کند.

فراخوان عمومی خانه کتاب

خانه کتاب از ناشرانی که در سال

۸۰ اثری منتشر کرده اند، خواست تا

به منظور تکمیل یا اصلاح اطلاعات

خود به واحد اطلاع رسانی این خانه

مراجعه کنند و یا با شماره تلفن

۶۴۱۴۸۷۱ تماس بگیرند.



ناشر هم از معافیت مالیاتی مؤلفان

سودمی برد

معافیت مالیاتی پدید آورندگان، ضمن تقویت طیف اهل قلم، برای ناشران هم بدون دستاورد نیست. مدیر نشر «مدیا» در گفت و گو با خبرنگار ما با بیان این مطلب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در حال حاضر تنها، مرکز اتکای نویسندگان و ناشر دانست.

سینا میرزایی گفت: ارتباط شاعران، نویسندگان و ناشران باید با این وزارتخانه بیشتر شود تا دستیابی به حقوق مادی و معنوی این قشر از جامعه، عملی گردد.

مدیر نشر مدیا با اشاره به اینکه در مقطع کنونی آفرینش آثار ادبی و هنری و انتشار آنها امری دشوار است، افزود: قطعاً نویسندگان و ناشر با آمادگی ذهنی برگرفته از شرایط دشوار اقتصادی امروز وارد حوزه نشر می شوند و این حضور قابل تحسین است اما با اجرای قوانینی حمایتی مانند معافیت مالیاتی پدید آورندگان، تدوین ضوابطنامه برای ارتباط فی مابین ناشر و مؤلف و تسهیلاتی که با عنایت دولت و مجلس امکان پذیر است، می توان از دشواری های آنها کاست.

ارائه روش های جدید اطلاع رسانی

در نمایشگاه کتاب فرانکفورت

بخشی از نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت در سال جاری به ارائه جدیدترین فن آوری اطلاع رسانی و رسانه ای اختصاص یافته است.

در ایام برگزاری نمایشگاه که به مدت پنج روز از ۱۴-۹ اکتبر است، شرکت ها و مؤسسات بین المللی شیوه های نوین تهیه و پردازش اطلاعات را ارائه می دهند. دانش اطلاع رسانی و فرایند یادگیری عناوین این بخش از نمایشگاه هستند.

استخدام

گرافیک هنری

باسابقه و نمونه کارهای چاپ شده

به صورت تمام وقت

۸-۶۹۵۳۶۸۶

فراخوان

قابل توجه کلیه ناشران

هفته نامه گسترش صنعت متعلق به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران با مخاطبان گسترده در جامعه صنعتی کشور در نظر دارد تازه های کتاب در زمینه های مدیریت، علوم و فنون و صنعت، فناوری اطلاعات، اقتصاد و فرهنگ صنعتی را معرفی نماید. لذا بدینوسیله از کلیه ناشران دعوت می شود تا به منظور معرفی آخرین کتاب های منتشر شده در زمینه های فوق با دفتر هفته نامه گسترش صنعت به شماره ۶۴۶۱۳۳۰ تماس و یا به نشانی، میدان ولیعصر، رویه روی وزارت بازرگانی، کوچه شهید ولدی، مجتمع تجاری اداری ولیعصر، طبقه دوم، واحد ۷ مکاتبه فرمایند.



در آن کتاب‌ها عملاً منتفی است. کافی است نگاهی به لیست کتاب‌های منتشره بیندازیم. دهها و صدها نوع دیوان حافظ، گلستان سعدی، مثنوی مولانا، مفاتیح، قرآن‌های متفاوت با چاپ‌های متنوع اما بدون کوچک‌ترین کار محتوایی، هر ساله در دستور کار ناشران قرار می‌گیرد، بدیهی است که این کتاب‌ها حتی به هدف ترویج فرهنگ منتشر نمی‌شود آنچه ناشران را به طور خودآگاه یا ناخودآگاه ترغیب می‌کند، کم کردن مخارج نشر و استفاده مالی بیشتر است. بنابراین نویسنده عملاً امتیاز مادی پیدا نمی‌کند. اگر خرید کتاب است، نصب ناشر می‌شود و اگر وام بانک رفاه است، باز نصب ناشر می‌شود. از این روناس در جامعه ایران نسبت به نویسنده وضعیت خیلی بهتری دارد. کافی است به طور تصادفی ۱۰ ناشر و ۱۰ نویسنده با هم مقایسه شوند. آنگاه تصدیق خواهید کرد که وضعیت نویسندگان روز به روز بدتر می‌شود. بدیهی است وقتی اهل فرهنگ زیردست اهل اقتصاد و صنعت نشر واقع شوند، دم زدن از استقلال فکری پوچ است. اینکه راه چاره چیست، باید به اقتراح اهل فکر و کتاب گذاشته شود، حداقل آن است که ارشاد به نفع نویسنده الزامات قانونی را به ناشر تحمیل کند که حداقل، حق الزحمه نویسنده منصفانه و به موقع پرداخت گردد. **علی تاجدینی**

شما عزیزان

این نامه را جهت تقدیر و تشکر از همه شما عزیزان نوشتیم تا بدینوسیله از همه شما به عنوان یک مسلمان و یک ایرانی قدردانی نمایم که حقوق یک روز در ماه خود را به زلزله زدگان و آسیب دیدگان اختصاص دادید.

امیدوارم خداوند سبحان در عوض آن عنایات معنوی، الطاف خود را جهت این امر خداپسندانه به شما بزرگواران عرضه دارد.

ان شاءالله این گونه حرکت‌ها همچنان تداوم داشته باشد و به انقلاب حضرت قائم آل محمد(ص) بیوندد و ختم شود. باشد که مورد الطاف حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام مهدی موعود آل محمد(ص) قرار بگیرد.

مجتبی سهرابی مقدم
خوزستان - بندر ماهشهر



به این حقیقت واقف گردند که اگر به جای تجمل‌گرایی در خوراک و پوشاک قدری از این هزینه‌ها را صرف خرید کتاب کنند یعنی در واقع به فرهنگ‌سازی فرزندان خود اختصاص دهند، کاری فوق‌العاده ارزشمند انجام داده‌اند، بی‌شک میل و رغبت ایشان به انجام این مهم افزون‌تر خواهد گردید که این مسأله بسیار مهم اطلاع‌رسانی بر عهده رسانه‌های مختلف است.

اگر بخواهیم مطالعه کردن برای همه اقشار جامعه کاری واجب انگاشته شود و بدان به صورت جدی پرداخته شود، بایستی فراتر از چند توصیه کمرنگ و کم‌اثر عمل کنیم و با برنامه‌ریزی‌های گسترده و البته با پشتوانه، کار فرهنگ‌سازی را انجام دهیم تا با برداشتن موانع موجود، راه را برای کتابخوانی و مطالعه گروه‌های مختلف هموار کنیم و تأثیرات مثبت و فوق‌العاده مهم این عمل را به اطلاع مردم برسانیم تا آنها آگاهانه و با دانستن اهمیت موضوع، فرهنگ مطالعه کردن را بپذیرند. **عماد خادیمیان - سوادکوه**

اهل فرهنگ و بودجه خرید کتاب

در شماره ۷۴ پیاپی ۴۶۱ نشریه وزین کتاب هفته، آقای رمضان پور در ضمن مصاحبه‌ای اعلام نموده‌اند: «به منظور حمایت از صنعت نشر کشور، حدود ۵ میلیارد تومان اعتبار در سال ۸۱ برای خرید کتاب از ناشران اختصاص یافته و جذب شده است»، این بودجه نسبت به سال گذشته ۲ میلیارد تومان افزایش یافته است.

طبیعی است که در شرایط کنونی که مردم کتاب نمی‌خوانند، چرخ صنعت نشر بدون کمک دولتی نمی‌چرخد. البته وزارت ارشاد خویشت تأملی هم در تأثیر این کمک‌ها به عرصه فرهنگ بنماید. اینجانب معتقدم:

- ۱- در حال حاضر خرید کتاب ارشاد از ناشران، لزوماً به ارتقای فرهنگی - هنری جامعه منجر نمی‌شود که در مواردی موجبات انحطاط فرهنگ را فراهم می‌کند. چرا که در این کمک‌ها نویسنده که نقش محوری در نشر کشور را دارد، مغفول واقع می‌شود و سهمی ندارد. ناشر در کشور ما، هیچگونه الزامی در پرداخت به موقع حق‌التألیف نویسندگان احساس نمی‌کند و در مقابل مؤلف و مترجم از کمبود مالی ناله می‌کند و چون امکانات ارشاد نصیب ناشر می‌شود، در برابر مؤلف و مترجم احساس بزرگی و قدرت کاذب می‌کند، لذا پیش شرط می‌گذارد، در کار مؤلف نظر می‌دهد، گاهی ایده‌هایی را به بهانه شم اقتصادی به نویسنده تحمیل می‌کند و حال آنکه اگر بنیاد حرمی در این بین باشد، احترام از آن قلم و فکر نوشته باید باشد نه پول و امکانات اقتصادی.

- ۲- ناشران، با سیاستی که ارشاد در حمایت تعیین کرده است، برای تقلیل مخارجشان ترجیح می‌دهند یا مؤلف و مترجم را به درصدهای پایین راضی نمایند و یا اساساً ربه کتاب‌هایی می‌آورند که پرداخت حق‌التألیف

استان‌های کشور با حضور ناشران و دست‌اندرکاران چاپ و نشر استان‌ها آغاز شده و یکی از موارد مطرح شده در این دوره‌ها مطالب مربوط به شابک است که در آن چگونگی اخذ شابک و رمزین به تفصیل بیان می‌گردد. **روابط عمومی خانه کتاب**

فراتر از چند توصیه کمرنگ

موضوع کتاب و کتابخوانی بارها مورد بحث قرار گرفته اما هنوز سخن گفتن در این باب لازم به نظر می‌رسد، چرا که قدری اندیشیدن پیرامون نقش و اهمیت کتاب در زندگی هر فرد حساسیت موضوع را برای ما روشن‌تر می‌کند.

کتابخوانی را می‌توان نوعی فرهنگ دانست زیرا در بررسی جوامع مختلف مشاهده می‌شود آن دسته از جامعه‌هایی که از لحاظ فرهنگی در پرورش نسل‌های مختلف خود کار کرده‌اند و از دوران کودکی رابطه با کتاب را به فرزندانشان آموخته‌اند، این افراد فرهنگ آموخته در دوران بعدی زندگی خود کتابخوانی را به عنوان یکی از برنامه‌های روزمره خویش قرار می‌دهند. همانند سایر ضروریات روزمره و حتی مهمتر از آنها. در جامعه‌ای که علیرغم هجوم تفریحات و سرگرمی‌های متفاوت و جالب توجه هر روزه، به کودکان مطالعه کردن را نیز می‌آموزند و در مدرسه‌ها و مراکز آموزشی کتاب خواندن را به عنوان بخش لاینفک در برنامه‌ریزی‌های می‌گنجاند، باید هم انتظار پیشرفت و ترقی هر روزه و چشمگیر را داشت. حال اگر جامعه خود را به زیر ذر بین ببریم خواهیم دید که متأسفانه این فرهنگ فوق‌العاده مهم و حیاتی در میان ما هنوز جایگاه واقعی خویش را نیافته است.

اگر امروزه از هر یک از افراد جامعه ما سؤال شود که چه نوع کتاب‌هایی را مطالعه می‌کنند یا از آثار کدام نویسنده خوششان می‌آید، دو گونه پاسخ ممکن است داده شود. گروه اول برای ابراز وجود و باسواد نمایاندن خویش نام برخی کتاب‌ها یا نویسندگان را که اسم آنها را در جایی شنیده‌اند می‌آورند که کنکاش بیشتر روشن می‌سازد که جز گراف گویی و لاف‌زنی سخنی نگفته‌اند و گروه دوم که صادقانه‌تر برخورد می‌کنند، اعتراف می‌کنند که به طور جدی و مستمر به مطالعه نمی‌پردازند. البته در این بین در صد بسیار کمی هم وجود دارند که واقعاً و به طور جدی به مطالعه می‌پردازند که تعداد آنان در مقایسه با دو گروه دیگر فوق‌العاده کم و انگشت شمار است. لذا نتیجه حاصل از پرسش مذکور یکسان است و آن عدم توجه لازم به امر بسیار مهم مطالعه کردن در بین اکثریت مردم جامعه ماست؛ واقعیتی تلخ و بسیار نگران‌کننده.

حال اگر خانواده‌ها و در سطح گسترده‌تر جامعه ما

شماره استاندارد بین‌المللی کتاب

پیرو درج مطلبی با عنوان «ناشران شهرستانی بجنبید: جا مانده‌اید!» به قلم خانم شراره نصیری‌ها در صفحه ۴ شماره ۷۴ آن هفته نامه وزین، مورخ ۸۱/۵/۱۲، موارد زیر به عنوان توضیح اعلام می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمایید تا این مطالب در همان صفحه برای آگاهی عموم، درج گردد.

در بخشی از مطلب یاد شده و در خصوص کم کاری ناشران شهرستانی نسبت به ناشران تهرانی آمده است: «و مهم‌ترین چیزی که اینجا نباید فراموش شود، مسأله اخذ مجوز و شماره استاندارد بین‌المللی کتاب (شابک) است، از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسسه خانه کتاب که در تهران مستقر هستند. در واقع ناشران شهرستانی برای چاپ کتاب خود باید به مرکز بیابند تا بتوانند مجوز انتشار دریافت کنند و همین بعد مسافت و فاصله زمانی، خود می‌تواند انتشار کتاب را در شهرستان‌ها به تعویق بیندازد.»

در خصوص این مطلب، شایان ذکر است که مؤسسه خانه کتاب از سال ۱۳۷۶ برای کمک به ناشران استان‌های مختلف و برطرف نمودن مشکلاتی که ممکن است بر اثر مراجعه ناشران شهرستانی به تهران برای آنان پیش آید، هماهنگی‌های لازم را با اداره‌های کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها برای ارائه شماره استاندارد بین‌المللی کتاب (شابک) به ناشران شهرستانی به عمل آورده است.

نحوه ارائه شماره استاندارد بین‌المللی کتاب در استان‌ها به این صورت است که نمایندگان اداره‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها پس از گذراندن آموزش‌های لازم، از طریق واحد شابک مؤسسه خانه کتاب، مدارک ناشران را اخذ و اقدام به ارسال آنها به واحد شابک خانه کتاب می‌نمایند و سپس شماره شابک و در صورت درخواست رمزین (بارکد) برای آنها فرستاده و در نهایت در اختیار ناشران شهرستانی قرار می‌گیرد. در ضمن از نظر زمان تقریباً هیچ اختلافی در زمان اختصاص شابک برای ناشران تهران و شهرستان وجود ندارد.

همچنین تمامی امور مربوط به درخواست عضویت در نظام جهانی شابک، دریافت شابک، درخواست مجدد شابک و... از طریق دورنگار و از سال ۱۳۷۹ از طریق پست الکترونیکی (isbnKetabnet.org.ir) امکان پذیر است و بسیاری از ناشران از این طریق امور مربوط به شابک را انجام می‌دهند و نیازی به حضور مستقیم آنان در واحد شابک مؤسسه خانه کتاب نیست.

شایان ذکر است از تیرماه سال جاری برگزاری دوره‌های آموزش ویژه اطلاع‌رسانی نشر توسط خانه کتاب و با همکاری ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

برگ اشتراک کتاب هفته

نام و نام خانوادگی / مؤسسه / سازمان / نشانی:

تلفن: نامبر: کد پستی: صندوق پستی:

مدت اشتراک: شش ماه یک سال

هزینه اشتراک برای یک سال تهران ۶۴۰۰۰ ریال / شهرستان ۶۸۰۰۰ ریال / (هزینه شش ماه نصف مبالغ ذکر شده است).

هزینه اشتراک برای یک سال خارج از کشور: گروه یک ۲۵۳۰۰۰ ریال، گروه دو ۲۹۰۰۰۰ ریال / گروه سه ۳۲۰۰۰۰ ریال

گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳
خاورمیانه	اروپا	قاره آمریکا
جمهوری‌های آسیای نزدیک	شمال آفریقا	آسیای جنوب شرقی
ترکیه	آسیای مرکزی و خاور دور، روسیه، هند و عربستان	آفریقای جنوبی، استرالیا و ژاپن

نحوه اشتراک: لطفاً پس از واریز وجه اشتراک به شماره حساب ۱۸۵۲۰۸۶۹ بانک تجارت شعبه فلسطین (قابل پرداخت در تمامی شعبه‌های بانک تجارت) به نام خانه کتاب ایران فیش بانکی را به همراه برگه اشتراک به نشانی خیابان قائم مقام فراهانی، خیابان فجر، شماره ۹، طبقه دوم، دفتر کتاب هفته و یا با نمابر ۸۸۴۰۱۹۹ ارسال فرمایید.

برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۸۸۴۰۱۹۹ و ۸۳۱۸۶۵۹ و ۶۴۶۵۶۲۵ تماس حاصل فرمایید.

نمایشگاه بزرگ کتاب استان همدان ۲۲-۲۹ مرداد ماه



شصت و پنجمین نمایشگاه

کتاب کشوری و چهارمین نمایشگاه کتاب همدان رأس ساعت ۱۱ صبح سه شنبه ۲۲ مرداد رسماً کار خود را آغاز کرد. در آیین گشایش این نمایشگاه آیت الله موسوی همدانی نماینده محترم ولی فقیه و امام جمعه همدان، آیت الله صابری نماینده مردم همدان در مجلس خبرگان، آقایان رمضانپور معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، نظری مدیرعامل مؤسسه نمایشگاههای فرهنگی، ثمرزاده، معاونت نمایشگاههای استانی، مهندس زبردست استاندار همدان، اسماعیلی مدیرکل ارشاد استان، سایر مدیران اجرایی و ناشران و غرفه داران حضور داشتند.

در این مراسم پس از اجرای سرود جمهوری اسلامی ایران و تلاوت قرآن، مدیرکل ارشاد استان به مسؤلان اجرایی و حاضران خوش آمد گفت. ایشان گزارش دادند که: تعداد ناشران استان همدان از ۲۰ ناشر در سال ۷۹ به ۴۹ ناشر در سال جاری افزایش یافته است و تا چهارماه گذشته ۲۰۴ عنوان کتاب در این استان منتشر شده است.

آیت الله موسوی همدانی، سخنران دیگر این مراسم ضمن تشکر از تلاش همه مسؤلان اجرایی، کتاب را بهترین عامل تعالی و تکامل انسان معرفی کردند و تاکید کردند که: محتوای کتاب ها در راهنمایی جوانان بسیار اهمیت دارد و نویسندگان و ناشران باید در این مورد دقت کنند.

آقای رمضانپور آخرین سخنران این مراسم، ضمن تشکر از مقامات استان ادامه دادند: مردم بویژه جوانان و نوجوانان باید یاد بگیرند ابراز دانایی کنند تا دیگران بدانند ایشان چه می دانند و چه نمی دانند تا به وی بیاموزند. همچنین در مورد وجوه اهمیت نمایشگاههای کتاب اظهار داشتند: نمایشگاه کتاب از این جهت اهمیت دارد که کسانی که به دنبال علم و دانش حرکت می کنند، این امکان را بیابند تا با نحوه های مختلف اندیشه و بیان آشنا شوند و این وظیفه ماست در این جست و جو مددکار آنها باشیم.

آقای رمضانپور در پایان صحبت هایشان برگزاری نمایشگاه بزرگی را برای معرفی شخصیت علمی و فکری ابوعلی سینا در آینده ای نزدیک به حاضران مژده دادند. این نمایشگاه دارای برنامه های جنبی به شرح زیر می باشد: ویژه نامه شهادت فاطمه زهرا(س)، شب شعر، نشست فرهنگی نقش ترجمه و ادبیات در گفت و گوی تمدن ها، نشست تفکر فلسفی از بوعلی تا عین القضاة، مراسم تجلیل از روحانیون مؤلف، میزگرد بررسی وضعیت چاپ و نشر استان، نشست فرهنگی کتاب و خانواده و تجلیل از بانوان مؤلف.

چهارمین نمایشگاه کتاب همدان در محل دائمی نمایشگاهها واقع در میدان عاشورا صبح ها از ۹ تا ۱۲ و عصرها از ۵ تا ۹ شب برگزار می باشد.

حیدر

نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان در اصفهان

سومین نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان در موزه خط اصفهان دایر شده است.

در این نمایشگاه، پنج هزار عنوان کتاب ایرانی و خارجی با موضوعات مختلف به همراه وسایل کمک آموزشی در معرض تماشای علاقه مندان قرار گرفته است.

استقبال شایان توجه مردم اصفهان، بویژه کودکان و نوجوانان، بر گزارکنندگان این نمایشگاه را امیدوار ساخته است.

انتصاب در تعاونی ناشران اصفهان

مسوول تعاونی ناشران اصفهان انتخاب شد.

دکتر مرتضی ثابت قدم به سمت مدیرعامل تعاونی ناشران اصفهان منصوب شد. این انتصاب پیرو تصمیمات هیأت مدیره ناشران اصفهان صورت گرفته است.

شرط اول قدم...

گفت وگو با احمد اسدالهی (ا. شعله کرمانی)

بودیم و تا به حال یازده استان اقدام به برگزاری این قبیل جشنواره ها کرده اند.

چه شعری را در تاریخ ادبیات ایران، شاعر ولایتی می دانید؟

من باصراحت می گویم که این ولایت، ولایت عشق است و دین و مذهب و نژاد نمی شناسد و هر کس سر به ولایت علی بسپارد به این حصار وارد شده و از هر گزندى در امان است.

و آثار شما هم وامدار عناصر این تفکر است؟

بله، البته بعضی از شعرهای من جنبه اجتماعی دارند.

منظور من از عناصر، همان اصطلاحات شعری قرن ۷ و ۸ است. مثلاً می و مطرب و ساقی...

ببینید این اصطلاحات ملک طلق هیچ شاعری



نیست و من هم به سهم خودم و به فراخور زمان حق تجربه دارم.

آیا سلوک شعر در زمان امروز این دایره واژگانی را پذیراست. یعنی گمان نمی کنید بستر اجتماعی زمان، این شاعران را به سوی اینگونه اصطلاحات سوق می داد؟

من با این نگاه سخت مخالفم که غزل را به عصر حافظ می رسانند و بعد از آن به کسی اجازه غزل سرایی نمی دهند. تا انسان هست، عشق هست و تا عشق هست، شعر و زندگی هست.

شماره در جواب سؤال اول: از فرآیندی حرف زدید که از ناخودآگاه سرچشمه می گیرد. چرا این کلام به قالب شعر ریخته می شود و شکل و گونه دیگر ادبی را نمی پذیرد. این قالب شعر، خودآگاه است یا ناخودآگاه؟

قطعیاً بخشی، خودآگاه است. ببینید من تجربه موسیقی را دارم، حتی دنبال نقاشی هم رفته ام، اما هیچ چیز برای من مثل شعر نیست. تولستوی می گوید: تا چیزی را باور نداری، نگو. البته من بعد

احمد اسدالهی متخلص به (ا. شعله کرمانی) به سال ۱۳۳۴ در یکی از محله های کهن کرمان دیده به جهان گشود. پس از مشق کردن های بسیار در مکتبخانه «ملا صلواتی» به دبستان ملی اسلامی پا گذاشت و تحصیلاتش را تا پایان دوره لیسانس ادبیات فارسی در دانشگاه کرمان ادامه داد. اسدالهی تاکنون بیش از پنج جلد کتاب به طبع رساند. از آثار وی می توان به مجموعه های «دو شاعر، دو شهید»، «گزیده غزلیات خواجه کرمانی» و «بلندای سحر» اشاره کرد. شعله کرمانی تا پایان سال ۸۰ رئیس «انجمن اهل قلم» کرمان بود اما حالا در بستر بیماری است. برای او آرزوی سلامتی داریم.

چرا شعر می گوید؟

اجازه دهید بگویم، شعر مرامی گوید. باور کنید نمی دانم چه حالتی دست می دهد و چه ارتباطی با چه منبعی برقرار می شود که این کلام به زبان من می آید. تنهامی دانم که فرابشری و آسمانی است. یعنی شما معتقد به شهود در شعر هستید؟

قطعیاً، بخصوص در شعر فارسی. البته کارهای من چون جنبه عرفانی دارد، این شهود حضور بیشتری می یابد.

به شعر فارسی اشاره کردید، به گمان شما چه عواملی حضور این شهود را تشدید و حتی تثبیت می کند؟

ماکرمانی ها معتقدیم که دیار ما دارالعرفاست و اکثر کرمانی هایی که پایه وادی هنر گذاشته اند به این اندیشه گرایش خاصی داشته اند. اصلاً این گرایش نهفته در جغرافیا و جبر محیطی است که باعث می شود عرفان جنبه غنی تری یابد. مثلاً چندی پیش یک شرق شناس اهل لیتوانی به نام جنف ائوتس که آثار سهروردی را هم به روسی ترجمه کرده، برای زیارت قبر شاه نعمت الله ولی به کرمان آمد. ایشان می گفتند که رندی شاه نعمت الله ولی به مراتب بیشتر و جذاب تر از رندی حافظ است. ما هم امیدواریم که از رندی شاه نعمت الله فیضی برده باشیم.

اشاره به رندی شعری مثل حافظ داشتید، بیشتر از این رندی بگویید.

رند به گمان من به کسی گفته می شود که هفت وادی سلوک یا هفت شهر عشق را طی کرده تا به آستانه ولایت برسد. البته ولایت منحصر به معصومان دین است و نه تنها من بلکه کسانی مثل حافظ و همین شاه نعمت الله قرن ها از این سرچشمه غنی سیراب شده اند.

یعنی شما خود را شاعری ولایتی می دانید؟

بله، البته ولایتی به آن مفهوم که امروزه در جوامع شعری دهه اخیر مطرح شده. البته ما با برگزاری جشنواره شعر رضوی بنیانگذار این جریان

سیر صعودی انتشارات آستان قدس رضوی

در سال ۱۳۸۰، ارتقا یافت. با توجه به این نکته که سال ۱۳۸۰، سال رفتار علوی نام گرفت، شرکت به نشر بیش از ۱۵ نوع کارت پستال را با تصاویری از بیت الله حرام، حرم حضرت رضا(ع) و دیگر عتبات عالیات به زیور چاپ آراست.

با توجه به این نکته که پخش و توزیع کتاب یکی از مشکلات عمده ناشران است، «به نشر» در نظر دارد که سالانه ۵۰ درصد از موجودی هر کتاب از انبار خارج و عرضه شود. لازم به ذکر است که به نشر نسبت به توزیع آثار دیگر ناشران آستان قدس رضوی از جمله بنیاد پژوهشهای اسلامی، دانشگاه امام رضا و باقی مانده کتاب های سایر ناشران، اقدام کرده است. از دیگر فعالیت های به نشر می توان به: ۱- عرضه کتاب در فروشگاههای کتاب به نشر، ۲- ایجاد نمایندگی های فروش در مراکز استان ها، ۳- توزیع کتاب توسط دفتر تهران، ۴- مبادله با ناشران و موزعان کتاب و ۵- ایجاد نمایندگهای کتاب در سراسر کشور، اشاره کرد.

طبق قرارداد منعقد شده میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیرخانه شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی، ۵ میلیارد ریال اعتبار برای تجهیز کتابخانه های مراکز فرهنگی در نظر گرفته شد که تا پایان سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و تحویل ۲ میلیارد ریال کتاب به بیش از ۱۴۰۰ مرکز فرهنگی (شامل مدرسه، مسجد، کانون فرهنگی و حوزه علمیه) با همکاری شرکت به نشر انجام گرفت.

انتشارات آستان قدس رضوی (شرکت به نشر) فعالیت خود را در سال ۱۳۶۴ با هدف ارائه بهتر و گسترده تر محصولات واحدهای فرهنگی آستان قدس رضوی آغاز کرد. شرکت به نشر پس از گذشت ۱۳ سال دست به گسترش چارت سازمانی، بر اساس اهداف زیر زد:

- ۱- چاپ و انتشار انواع کتاب و محصولات فرهنگی
- ۲- خرید و فروش و توزیع کتاب در داخل و خارج از کشور
- ۳- تأسیس فروشگاههای کتاب و محصولات فرهنگی.

این حوزه ها از بدو تأسیس تا سال ۱۳۷۶ روندی بسیار آرام داشته، به گونه ای که مجموع عنوان های چاپ شده در این دوره ۲۳ عنوان به شمارگان ۶۹۰۰۰ نسخه می باشد. شرکت به نشر با تغییر در چارت سازمانی و اصلاح ساختار واحدهای فرهنگی، همراه با برنامه ای مدون، فعالیت خود را در سال ۷۶ با ۴۷ عنوان و شمارگان ۱۳۸۵۰۰، در سال ۷۷ با انتشار ۵۸ عنوان به شمارگان ۱۷۶۵۰۰، سال ۷۸ با انتشار ۱۱۸ عنوان به شمارگان ۵۱۶۵۰۰، سال ۷۹ با انتشار ۱۹۰ عنوان به شمارگان ۸۷۵۸۰۰ و در سال ۱۳۸۰ با ۴۰۰ عنوان کتاب در برنامه کاری به نشر قرار گرفت که انتشار ۲۸۰ عنوان به شمارگان ۱۰۷۴۶۰۰، فعالیت خود را گسترش داده و در میان ناشران کل کشور از جایگاه چهل و پنجم (در سال ۱۳۷۶) به جایگاه ششم

دایرةالمعارف های دموکراسی و ناسیونالیسم

از آنچه که به عنوان زیربنای تحقیق برشمرده می شود مثل شناخت جامعه، نیازها و چالش های موجود در آن و پاسخگویی به این نقصان ها، اهمیت و جایگاه اشاعه اطلاعات هر چه به روزتر در این زمینه را آشکار می کند.

کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه با انتخاب کتاب های خارجی، متون و مرجع قابل استفاده برای دانشجویان و محققان علوم سیاسی، علوم اجتماعی، تاریخ و...، برای ترجمه آنها اقدام کرده است.

کتاب های ترجمه شده در موضوع های گفته شده به شرح ذیل هستند: کتاب های مرجع شامل «دایرةالمعارف دموکراسی» و «دایرةالمعارف ناسیونالیسم» است. «دایرةالمعارف دموکراسی» کتابی است در چهار جلد و ۱۶۰۰ صفحه که در سال ۱۹۹۶ به زبان انگلیسی منتشر شد. این دایرةالمعارف مجموعاً حاوی چهارصد و هفده مقاله بوده که توسط دو بیست و یازده متخصص درجه اول نوشته شده است.

این مقالات درباره معرفی افراد، کشورها و مفاهیم مهم در رابطه با علوم سیاسی و بخصوص دموکراسی هستند که رابطه فرد، مفهوم یا کشور مورد بحث را با سیاست و دموکراسی بیان می کند.

متن فارسی ترجمه شده این دایرةالمعارف هم چهار جلد خواهد شد که کار چاپ آن شروع شده است. این کتاب مرجع با داشتن مقالاتی مثل آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آموزش و پرورش مدنی، اجتماع گرایی، مسائل مختلف انتخابات، لیبرالیسم و... نقش بسیار مهمی در آموزش و بالا بردن دانش دانشجویان علوم سیاسی و علوم اجتماعی و حتی حرفه های روزنامه نگاری دارد.

«دایرةالمعارف دموکراسی» که تا آخر امسال منتشر می شود به پاره ای از مفاهیم تازه مثل قانون مکعب در انتخابات برای متخصصان علوم سیاسی پرداخته است. کتاب مرجع دیگر با نام «دایرةالمعارف ناسیونالیسم» کتابی است در دو جلد و مجموعاً ۱۶۰۰ صفحه که در سال ۲۰۰۱ میلادی در آمریکا منتشر شده است.

کتاب هایی که برای کتابخانه خریداری می شوند توسط متخصصان علوم سیاسی و علوم اجتماعی از بین کتاب های خارجی با در نظر گرفتن بازار نشر و نیاز جامعه دانشگاهی برای ترجمه انتخاب می شوند.

دبیر مجموعه محبوبه مهاجر بوده که پس از بررسی و مذاکره با مترجمان برای انتخاب مترجم و عقد قرارداد با آنها اقدام می کند و ترجمه ها، ویرایش شده و پس از آماده سازی برای چاپ ارسال می شوند. از جمله کتاب هایی که برای چاپ و صحافی آنها اقدام شده است می توان به عناوین ذیل اشاره کرد: «فاشیسم» ترجمه باقر نصیری،



«لیبرالیسم» ترجمه دکتر محمد ساوجی، «جستار درباره آزادی» ترجمه مهرداد نورایی، «ایدئولوژی» ترجمه دکتر احمد صبوری، «تروریسم» ترجمه مهتاب نوبهار، «فلسفه سیاسی معاصر» ترجمه موسی اکرمی، «جهانی شدن فرهنگی» ترجمه دکتر سعید کامران، «اسلام، مدرنیسم و غرب» ترجمه مجدالدین کیوانی، «حقوق بشر» ترجمه دکتر فریدون مجلسی، «آینده اسلام و غرب» ترجمه لیلی علمی، «توسعه در خدمت آزادی» ترجمه حسن فشارکی، «آینده تکنولوژی» ترجمه علیقلیان، «انقلاب و ضد انقلاب» ترجمه حسن فشارکی، «مکتب بزرگ سیاسی» ترجمه دکتر حسین شهیدزاده، «نظریه های جامعه اطلاعاتی» ترجمه مهدی داوودی، «توسعه پایدار» ترجمه دکتر احمدرضا یآوری، «دموکراسی و هنر» ترجمه غلامرضا جورکش، «رده بندی علوم در اسلام» ترجمه مسعود کشاورز، «تغییرات زیست محیطی زمین» ترجمه نازنین مرادی و ویدا پروین، «ایدئولوژی» ترجمه احمد صبوری، «درآمدی بر فلسفه سیاسی مدرن» ترجمه مرتضی جیریایی و «فرهنگ سیاسی جیبی» ترجمه پریش صفا حاوی پنج لغت با توضیح ۴۰ یا ۵۰ صفحه درباره تاریخ هریک، از قدیمی ترین ایام همراه با تغییراتی که کرده اند که آن لغات عبارت اند از خشونت، تساهل، ترور و...

همین طور این کتابخانه کتاب های «روانشناسی سیاسی» ترجمه دکتر



صبوری و «ادبیات و سیاست» ترجمه مهشید نونهالی و «دولت» ترجمه لیلی علمی را در حال حاضر ترجمه می کند. گروه کتاب های دیگری که در کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه ترجمه و چاپ شده اند شامل کتاب های ذیل هستند: کتاب «آینده آزادی» که نویسنده آن «ژان ماری گنو» متفکر و استاد علوم سیاسی در فرانسه است که توسط یکی از شناخته شده ترین و معروف ترین مترجمان علوم اجتماعی دکتر «عبدالحسین نیک گهر» ترجمه شده است. کتاب دیگر «ایران در عهد شاه عباس دوم» نوشته «پاول لوفت» استاد تاریخ در انگلستان و آلمانی الاصل با ترجمه «کیکاووس جهاننداری» مسلط به زبان آلمانی و ایران شناختی، اولین کتاب مستقل درباره شاه عباس دوم است.

از دیگر کتاب هایی که توسط کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه ترجمه شده «مفهوم ایدئولوژی» نوشته «خورخه لارین» استاد جامعه شناسی در انگلستان با ترجمه «فریبرز مجیدی» درباره ایدئولوژی جهانی از نظر تاریخی و سیاسی در زمان روشنگری فرانسه یعنی همزمان با انقلاب کبیر فرانسه صحبت می کند.

در کتابی به نام «خشونت دست آموز» نوشته «ایو میشو» استاد فرانسوی علوم سیاسی با ترجمه دکتر بابک سید حسینی به خشونت در دوران معاصر پرداخته شده که در آخر این کتاب نظرات «ایو میشو» درباره موضوع مورد بحث گفته شده است.

کتاب «کثرت گرایی» نوشته «گرگور مک لنن» از مجموعه کتاب های علوم اجتماعی منتشره توسط دانشگاه مینه سوتا است که در آن مسأله پلورالیسم یا کثرت گرایی را مورد بحث قرار گرفته و به صورت آکادمیک موضوع های مورد نظر را بررسی کرده است. کتاب های معرفی شده بالا چاپ شده و برای مطالعه در کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه قابل دسترسی است. از فعالیت های دیگری که کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه برای معرفی منابع و فعالیت های کتابخانه به متقاضیان اطلاعات علوم اجتماعی و علوم سیاسی انجام می دهد، انتشار نشریه اطلاع رسانی است که تازه ترین اخبار کتابخانه را به طور مرتب و ماهیانه شرح می دهد.

در این نشریه صورت اسامی بازدید کنندگان از کتابخانه در ماه، اخبار دنیای کتاب در ایران و جهان، سایت های مهم حوزه علوم اجتماعی و همچنین گزیده ای از کتاب های فارسی، لاتین، عربی، منابع دیداری- شنیداری که در هر ماه خریداری شده معرفی می شوند. همچنین تعدادی از نسخه های خطی و کتاب های مرجع و بالاخره فهرستی از مقالات و مجلات موجود در کتابخانه برای استفاده مراجعه کنندگان درج می شود.

کتاب (۴)

نویسنده/خودسانسوری و سانسور



در تاریخ کشور ما نویسندگان خود را به شکل های مختلف تحت نظارت دیده اند که این امر یا به خودسانسوری انجامیده است و یا به سانسور از سوی مراجع دیگر خصوصاً دولت ها. موضوع این شماره ستون «کتاب» را به این پدیده اختصاص می دهیم که «حرفه ای نبودن نویسندگی»، «فقدان تشکل صنفی» و «مشکلات رابطه نویسنده و ناشر» موضوعات سه شماره پیش این ستون بود. مراجع مختلفی بر کار نویسنده نظارت دارند که هر یک تأثیری متناسب با ماهیت خود بر نویسنده باقی گذاشته اند:

جامعه

جامعه از جمله مؤلفه های نظارتی است که بدون سازماندهی و به طور طبیعی عمل کرده و نویسنده، خود را همیشه زیر چشم های آن می بیند. نویسنده، معمولاً نمی تواند خارج از اعتقادات و باورهای عمومی جامعه دست به قلم ببرد. این وضع، زمانی سنگین است که ایستادگی در برابر نوآوری ها و نیز باور به خرافات، تعیین کننده حرکت عمومی جامعه می شود. در چنین وضعیتی یا نویسنده تبعات سنگین حرکت برخلاف وضع موجود را می پذیرد و یا تن به خودسانسوری می دهد که این مورد اخیر بارها در نوشته های نویسندگان مشاهده شده است. به همین دلیل است که در مواردی شاهدیم نویسنده نه تنها پیشرو جامعه نمی شود، بلکه به دلیل خودسانسوری و تن دادن به آنچه جامعه از او می خواهد پیرو و دنباله رو می شود.

گروه مرجع نویسنده

هر نویسنده با توجه به فلسفه ای که برای زندگی اجتماعی و فردی خود قائل است، وابسته به «خرده جامعه ای» می شود که در اصول با او اشتراک دارد. این خرده جامعه یا حزب و سازمانی متشکل است و یا گروهی غیر سازمان یافته که باورها و اعتقادات، اعضای آنها را گرد هم آورده است. گرچه نویسندگان با پیوستن به چنین گروه های مرجع، هویت خاصی به خود گرفته و از حمایت برخوردار می شوند اما بسیار اتفاق افتاده است که نویسنده در برخی اصول با گروه مرجع خود اختلاف داشته که نمی تواند آنها را در نوشته های خود بیان کند. این نوع خودسانسوری را در میان نویسندگان وابسته به احزاب و سازمان های سیاسی فراوان دیده ایم که گاه نویسنده برای فرار از چنین وضعی، از گروه مرجع خود جدا می شود. به هر حال این نوع نظارت از سوی گروه مرجع نیز، نویسنده را با سانسوری مواجه می کند که از سوی خود او اعمال می شود.

دولت ها

گسترده ترین و آشکارترین نوع نظارت بر کار نویسنده، از سوی دولت ها اعمال شده است که این نوع سانسور نه از سوی نویسنده (خودسانسوری) که از سوی مراکز دیگر اعمال می شود. نویسندگان همیشه با این نوع سانسور، دست و پنجه نرم کرده اند و بسته به میزان سانسور، شرایط کاری نویسنده نیز متفاوت شده است. آنچه در این زمینه، بیش از هر چیز نویسنده را دچار سرگردانی کرده است، تفسیر شخصی مجری قانون از قوانین مربوط به «حدود نوشتن» است. موضع نویسنده در برابر سانسور نکته ای است که نیازی به توضیح ندارد اما تفسیر سلیقه ای از قانون است که او را با مخاطرات جدی مواجه ساخته است. زمانی، از یک قانون، چنان تفسیری ارائه می شود که نویسنده را بشدت محدود می کند و زمان دیگر و با تغییر مجری، همان قانون چنان مورد تفسیر قرار می گیرد که نویسنده بر احنی قادر به عرضه نگاه خود می شود.

درباره عوامل مؤثر بر سانسور و خودسانسوری به عوامل دیگری چون «گروه های فشار»، «هرم های مالی» و... می توان اشاره کرد که در مقطعی از تاریخ ایران (خصوصاً تاریخ معاصر) نقش تعیین کننده ای داشته اند.

نکته پایانی آنکه با توجه به ماهیت رشته های علوم تجربی، علوم محض و... سانسور در این باره چندان محلی از اعراب ندارد. نویسندگان حوزه هایی چون ریاضی، شیمی، پزشکی، مهندسی و... با خودسانسوری و سانسور مواجه نبوده و نیستند و در واقع مشکل سانسور بیشتر گریبانگیر رشته های علوم انسانی و بویژه ادبیات (شعر و رمان) بوده است.

نمایشگاه در پارک!



در پارک لاله قدم می‌زنم. در قسمتی از پارک چادر بزرگی برپا شده است که نظرم را جلب می‌کند. کنار چادر می‌روم، روی پارچه بزرگی نوشته است: نمایشگاه کتاب، ۱۰ الی ۱۵ درصد تخفیف. مقدار قابل توجهی کتاب روی میزهایی که داخل چادر است چیده شده. همه نوع کتابی دیده می‌شود: رمان، شعر، تاریخی، مذهبی، روانشناسی و...

مرد جوانی صاحب چادر است. وقتی با او صحبت می‌کنم می‌فهمم که طلبه است و خودش را رحیم زاده معرفی می‌کند. از او می‌پرسم: با چه انگیزه‌ای این کار را کردید؟

می‌گوید: «تابستان است و وقت بیکاری! دیدم نمی‌توانم بیکار در مدرسه بنشینم. تصمیم گرفتم نمایشگاه کتابی در پارک لاله برگزار کنم، که هم کاری فرهنگی است و هم اینکه به نوعی بیکاری‌ام را برطرف می‌کند. با شهرداری منطقه ۶ هماهنگ کردم و موفق شدم این کار را انجام دهم. مجوز برپایی این نمایشگاه را دو ماه داده‌اند و فعلاً برگزار است.»

وقتی بیشتر با او صحبت می‌کنم از استقبال بد و فروش کم شکایت می‌کند. برایم جالب است که طلبه جوانی با علم به مشکلات این کار و بازدهی کم آن، ایام فراغت را صرف این کار می‌کند.

بندرت اتفاق می‌افتد که در پارک‌ها نمایشگاههایی از این دست برگزار شود. وجود این نمایشگاهها می‌تواند تحولی (هر چند کوچک!) در زمینه کتاب و کتابخوانی به وجود آورد و فضای راکد و سست بازار کتاب را به تحرک وادارد. هر جا که نمایشگاهی باشد، علاقه‌مندان کتاب هم آنجا پیدایشان می‌شود و از این فرصت استفاده می‌کنند، همچنین عده‌ای که مخاطب جدی کتاب نیستند و از حوالی نمایشگاه عبور می‌کنند، شاید تصادفی رخ دهد و کتاب وارد زندگی‌شان شود.

اما نکته‌ای را هم باید یادآور شد؛ شهرداری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا چه حد از این نوع حرکت‌ها استقبال می‌کنند و چه کمک‌هایی می‌کنند به افرادی که اقدام به برگزاری این نمایشگاهها می‌کنند؟

یک نمونه از کمک‌هایی را که می‌شود به این نمایشگاههای کوچک و مقطعی کتاب کرد؛ آموزش و پرورش می‌تواند انجام دهد.

با توجه به آنکه فصل تابستان است و در بیشتر مدارس کشور پایگاههایی تابستانی برقرار است، مسوولان این پایگاهها می‌توانند دانش‌آموزان را به دیدار از این نمایشگاهها بیاورند تا از آنها بازدید و خرید کنند.

تابستان؛ دانش‌آموز، کتاب، اوقات فراغت...

ضرورت سیاست‌های کلان برای توسعه فرهنگ کتابخوانی در کشور

محمدرضا اسدزاده امین
مدیر روابط عمومی انتشارات سروش



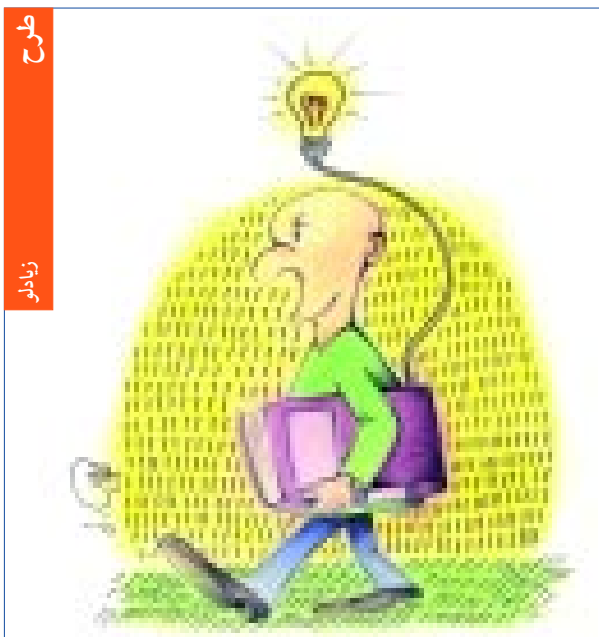
دیدنی امکان دارد که به ارزیابی درستی از توسعه فرهنگ کتابخوانی دست یافت و به ریشه‌های فرهنگ عمومی در ژرفای آن پرداخت و تمام توانایی‌های آن را برای واریسی و نوگرینی در اختیار سیاستگذاران فرهنگی کشور قرار داد. با چنین نگرش همه جانبه‌ای است که می‌توان از مفهوم و دریافت نگرش‌های کمی، جزئی و مقطعی فراتر رفت و به دریافتی گسترده‌تر دست یافت که ارزشهای عام و فراگیری را برای توسعه کتابخوانی در تمام کشور در بر می‌گیرد.

در توسعه فرهنگ کتابخوانی در کشور باید از پتانسیل‌ها و توانایی‌های همه نهادها و سازمان‌ها در این جهت بهره گرفت. چرا که در غیر این صورت نباید توقع داشت که اهداف توسعه محقق شود. دیگر اینکه سیاست‌های کلان فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باید با اهداف توسعه فرهنگ کتابخوانی همسو و در یک راستا باشد و مدیران مختلف کشور ضرورت جست‌وجو برای شناسایی روش‌های درونزا و خاص هر جامعه را بیابند تا در یک نگاه کلی در جامعه اهداف و سیاست‌های کلان بودجه با سیاست‌های فرهنگی به صورت دو جنبه مکمل موضوعی واحد نمایانگر شود. مسأله دیگر در گسترش فرهنگ کتابخوانی، سود جستن از مشارکت ملی مردمی است که می‌توان شرط ضروری محقق شدن اهداف توسعه را نیز یک عزم ملی خواند. امروز این تلقی باید در بین سیاستگذاران فرهنگ نیز جدی دیده شود. چرا که هر برنامه فرهنگی برای مردم خواهد بود و در این تصمیم‌گیری برای مردم، اگر نقش آنها به عنوان تصمیم‌ساز برای خودشان تعریف نشود اهداف فرهنگی سیاستگذاران محقق نخواهد شد.

از سوی دیگر نباید فراموش کرد که توسعه فرهنگ کتابخوانی در تمام مردم یک جامعه معین کرد. چنین چیزی محال و ناممکن است. کسانی که توسعه را مشروط به آمادگی همه جامعه می‌کنند در واقع خواستار به تعویق انداختن توسعه‌اند.

در هر صورت هنگامی که ما به سوی گسترش فرهنگ کتابخوانی می‌رویم یعنی می‌خواهیم وضعیت موجودی که به زعم کارشناسان یک «فاجعه ملی» است را دگرگون سازیم. پس این دگرگونی در آغاز تمامی موجودیت دگرگون شونده را دستخوش تغییر می‌کند و طبیعی است که بعضی هماهنگی‌های پیشین را بر هم بزند که در ابتدا شاید ناموزون به نظر آید.

پس کسانی که خواستار گسترش فرهنگ کتابخوانی و توسعه همه جانبه ملی آن هستند اگر نتوانند مقصود خود را درست بیان کنند و معنای اهداف خود را در مرحله‌های گوناگون توسعه روشن سازند. جز کارهای مقطعی و معطل کردن خود در سطح اهداف کمی که بیشتر به کار بیلان دادن مدیران برای سطوح بالاتر یا خبرسازی و مانورهای مطبوعاتی می‌آید کار دیگری نمی‌کنند و بیشتر به آشفتنی موجود دامن می‌زنند و انتظارات واقعیت‌ستیز را در سطح مردم افزایش خواهند داد. یکی دیگر از ضرورت‌های فرایند توسعه فرهنگ کتابخوانی در کشور، وجود گروه یا افرادی است که نقش پیشگام را بازی می‌کنند که می‌توانند فرهنگ توسعه مطالعه را مطرح کنند و مردم را به پذیرش تغییر در وضع موجود فرا بخوانند. در مرحله و مرحله‌های بعد لازم می‌آید که بین این دو یا چند قطب دیگر هماهنگی‌هایی پدیدار شود و مشروعیت تازه‌ای در جهت پیگیری اهداف توسعه استقرار یابد. این موضوعات به هر حال به بسط بیشتر نیاز دارند ولی ما فقط آنها را در ارتباط با عوامل دیگر سیاستگذاری فرهنگی در این جهت مطرح کردیم تا شاید راهجویی‌های این مهم فرهنگی برای اهل فکر و دغدغه روشن گردد.



روزنامه نگار

گی با روفیا تیرگری؛ روزنامه نگار

سعی می‌کنم از هر کتابی بیاموزم

محققان، نویسندگان، استادان، دانشجویان، دانش‌آموزان و فرهیختگان جامعه باشند.

خودتان از کتاب‌هایی که معرفی می‌کنید، استفاده می‌کنید؟ از برخی کتاب‌های معرفی شده که با تخصص و رشته تحصیلی من ارتباط دارند بهره می‌برم. اما در نهایت سعی می‌کنم از هر کتابی نکته‌ای بیاموزم.

در روز چقدر مطالعه می‌کنید و به چه نوع کتاب‌هایی علاقه‌مند هستید؟

نمی‌توان به این سؤال شما جواب دقیق داد اما به مطالعه علاقه بسیار دارم و از هر فرصتی برای مطالعه استفاده می‌کنم. در ایستگاه مترو، در اتوبوس، مسافرت‌های بین شهری و طولانی و... خلاصه هر جا فرصتی باشد کتابی برای مطالعه کردن همراه خود دارم.

به مطالعه کتاب‌های منتشر شده در زمینه هنر سینما و تئاتر علاقه بسیار دارم. در ضمن به کتاب‌های روان‌شناسی هم علاقه دارم. به مطالعه رمان‌های تاریخی با شخصیت محوری زن و کتاب‌های نگاه‌شده شده در زمینه مسائل زنان هم علاقه‌مند هستم.

علاقه‌مندان به کتاب خیلی زود در جریان معرفی کتاب‌های تازه قرار می‌گیرند.

چطور یک کتاب معرفی می‌کنید؟

در ابتدا، با یک بررسی کلی موضوع کتاب‌ها مشخص می‌شود؛ سیاسی، علوم و معارف اسلامی، پزشکی، آموزشی، ادبیات کودکان و نوجوانان، علمی، روان‌شناسی، ادبیات، شعر و... سپس ناشر، مؤلف و مترجم آن مشخص و بررسی می‌شود و در نهایت با مطالعه کتاب یک تعریف کلی از مطالب کتاب ارائه می‌شود تا خواننده به طور خلاصه با آنچه که در کتاب آمده است آشنا شود و اگر موضوع کتاب، داستان یا شعر بود بخش کوچکی از داستان یا ابیاتی از شعر در معرفی کتاب آورده می‌شود.

معرفی کتاب چقدر در گسترش کتابخوانی تأثیر دارد؟ معرفی کتاب برای کسانی که اهل مطالعه نیستند و هیچ علاقه‌ای به کتابخوانی ندارند هیچ تأثیری ندارد و آنها را کتابخوان نمی‌کند. چرا که توجه آنها به این ستون جلب نمی‌شود. اما می‌تواند کمک شایانی برای

روفیا تیرگری متولد ۱۳۴۵، لیسانس هنرهای زیبا دارد و حدود ده سال است که در مجله زن روز و حقوق زنان و روزنامه کیهان مشغول به کار بوده است و در حال حاضر در صفحات نیازمندیهای روزنامه کیهان به کار معرفی کتاب مشغول است، با او گفت‌وگویی انجام دادیم که می‌خوانید:

چه مدتی است که معرفی کتاب می‌کنید؟ از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ که مسوولیت قسمت هنر مجله زن روز را بر عهده داشتم، بخش کوچکی از دفتر هنر به معرفی کتاب اختصاص داشت که از میان کتاب‌های رسیده تعداد اندکی گزینش و معرفی می‌شد، تا اینکه از سال ۱۳۷۹ به پیشنهاد مدیریت آگهی‌های روزنامه کیهان، جناب آقای نیک‌کار بخش معرفی کتاب در صفحه نیازمندی‌های روزنامه کیهان با مسوولیت من افتتاح شد. در این صفحه کتاب‌های رسیده بعد از بررسی در ستون‌های ویژه خودشان معرفی می‌شوند. ویژگی صفحه‌ها این است که کتاب‌های رسیده خیلی زود معرفی می‌شوند و

نمایشگاه کتاب مشارکتی

حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی اوایل دهه ۶۰ آغاز به فعالیت کرد. تقریباً همزمان با آغاز فعالیت های دستگاهی که بعدها به یکی از بزرگترین مؤسسات فرهنگی - هنری کشور تبدیل شده و احدنشر آن نیز افتتاح می شود. انتشارات «سوره مهر» واحد نشر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی است که یکی از فعالترین ناشران کشور است. شاید سابقه نداشته باشد که ناشری در عرض حدود ۲۰ سال، ۱۷۰۰ عنوان کتاب منتشر کرده باشد، آن هم در تمامی حوزه های کودک، نوجوان، بزرگسالان، تاریخ، سیاست، ادبیات، مذهب و...

۴ واحد تحقیقی و نگارشی:

انتشارات سوره مهر از پشتیبانی ۴ واحد تحقیقی و نگارشی بهره می برد که عبارتند از: مرکز آفرینش های ادبی، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

هر کدام از این دفاتر در زمینه تخصصی خود فعالیت نموده و کارپرسی از آماده شدن به لحاظ تألیف و ترجمه و... در اختیار انتشارات سوره مهر برای چاپ و توزیع قرار می دهند. البته انتشارات سوره مهر، علاوه بر اینها، خود نیز اقدام به آماده سازی و چاپ کتاب می نماید:

مرکز آفرینش های هنری در زمینه های داستان، رمان، شعر و به طور کلی ادبیات فعالیت می کند؛ دفتر ادبیات و هنر مقاومت به ثبت خاطرات رزمندگان و اسرای هشت سال دفاع مقدس می پردازد، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی در زمینه خاطرات انقلاب و تاریخ آن به پژوهش و نگارش می پردازد و پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی مسائل دینی و اسلامی را از زاویه زیباشناسی و هنری بررسی می کند.

این ۴ دفتر هر کدام کارشناسانی دارند و در حال حاضر نیز آماده اند ۲۰ تا ۳۰ کتاب را به انتشارات برای چاپ و توزیع تحویل دهند.

نمایشگاه کتاب مشارکتی:

«فکر اولیه ایجاد این نمایشگاه از طرف ریاست محترم حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی مطرح شد». این مطلب را آقای منتظری می گوید. وی مدیر بازرگانی انتشارات «سوره مهر» و مدیر طرح کتاب مشارکتی است: «به منظور پر کردن اوقات فراغت مردم در ایام تابستان و ترویج فرهنگ کتابخوانی بین مردم و سهل الوصول کردن دریافت کتاب از سوی مخاطبان قرار بر این شد که هر کدام از مراکز، سازمان ها، ادارات، مساجد و... کتاب های مارا با ۴۰ درصد تخفیف بگیرند و با حداقل ۲۰ درصد تخفیف در نمایشگاهی که خود برپا می کنند به مشتریان عرضه کنند». مدیر این طرح می افزاید: «این راحت ترین نمایشگاهی است که یک ناشر برگزار کرده است، استقبال هم نسبتاً خوب بوده است».

این طرح تا آخر تابستان ادامه دارد و حوزه های نیروهای مقاومت بسیج، مجتمع های آموزشی، مساجد و... از آن استقبال کرده اند.

آقای منتظری می گوید که شهرستان هاهم از این طرح استقبال زیادی کرده اند.

وی درباره کتاب هایی که انتشارات سوره در این طرح عرضه می کند می گوید: «این طرح تمام ۱۷۰۰ عنوان کتاب چاپ شده انتشارات «سوره مهر» را در بر می گیرد و هیچ محدودیتی در این مورد وجود ندارد حتی کتاب هایی که هنوز توزیع نشده است».

در طرح کتاب مشارکتی، عرضه کنندگان و برگزارکنندگان نمایشگاهها می توانند در پایان کتاب هایی را که فروش نرفته اند، به انتشارات سوره برگردانند: «چیزی که ما را ترغیب کرد تا این طرح را به اجرا در آوریم علاوه

بر اینکه این کار ابتدایی ترین راه برای تشویق مردم به کتابخوانی بود، رساندن سریع و کم واسطه کتاب به دست مردم بود. چون یکی از فکرهای هر ناشری رسیدن کتاب به دست مخاطب است، حوزه هنری هم ۲۰ سال است که کار فرهنگی می کند و شاید هیچ ناشری به اندازه انتشارات سوره، به نو قلمان میدان نداده باشد. اساساً چاپ کردن اثر اول یک نویسنده توسط ناشران باریسک همراه است، اما ما تنها ناشری هستیم که حجم زیادی از کارهایش، کار اول مؤلفان بوده است».

آینده ای بهتر:

انتشارات «سوره مهر» جزء معدود ناشرانی است که سالی حداقل ۱۵۰ تا ۲۰۰ عنوان کتاب منتشر می کند حتی شده در یک سال به اندازه روزهای سال، ۳۶۵ کتاب منتشر کرده است. مدیر بازرگانی انتشارات سوره درباره آینده این انتشارات می گوید: «قصد داریم در آینده، حضور فعالتری در حوزه نشر داشته باشیم». وی می افزاید: «می خواهیم در کنار رشد کمی، به لحاظ کیفی هم سطح بالاتری را به خود اختصاص دهیم،



یعنی کتاب هایمان، هم به لحاظ فنی (استانداردسازی کتاب) رشد داشته باشند و هم محتوای بهتری را شامل شوند».

این انتشارات قصد دارد در آینده به منظور ارتقای کیفیت محتوایی کتاب هایش از افراد جدید، نویسندگان، شعرا، مترجمان و به طور کلی مؤلفان و اندیشمندان بیشتر بهره بگیرد.

ادامه طرح کتاب مشارکتی بعد از تابستان:

مدیر اجرایی طرح کتاب مشارکتی از ادامه اجرای این طرح بعد از تابستان و در مناسبت های مختلف دیگر خبر می دهد: «قصد داریم که این طرح را در مناسبت هایی نظیر هفته دفاع مقدس، هفته کتاب، دهه فجر و... ادامه دهیم».

وی می افزاید: «در نمایشگاههای استانی نیز شرکت خواهیم کرد و به هر دو شکل - هم مشارکتی و هم خودمان - برگزارکننده نمایشگاههایی در این مناسبت ها خواهیم بود. البته این حضور مستلزم همکاری سازمان های دولتی، شهرداری ها و... است».

باشگاه کتاب آوران جوان:

باشگاه کتاب آوران جوان طرح جدید در حوزه توزیع کتاب است. آقای منتظری در این باره می گوید: «این طرح، ایده مدیرعامل انتشارات سوره است و قرار است در آن از خود نیروهای جوان و فرهیخته (مثل دانشجویان و دانش آموزان) برای توزیع کتاب استفاده شود. در واقع از خود مخاطب برای توزیع کتاب استفاده می شود». وی می افزاید: «در این کار که هم یک فعالیت فرهنگی است هم اقتصادی، کتاب های جدیدمان را به دست جوانان می دهیم و آنها بین همکلاسی ها، خانواده، دوستان و اطرافیان خود تبلیغ می کنند. در صورتی که آنها مشتری باشند ما کتاب ها را با یک تخفیفی عرضه

می کنیم تا خودشان بین خواستاران توزیع کنند. این کار هم یک فعالیت فرهنگی است که جوان ها با کتاب بیشتر آشنا می شوند هم سود اقتصادی کمی هم برای خودشان دارد».

ظاهراً در این مورد با چند دانشگاه و دبیرستان هم رایزنی هایی صورت گرفته است تا مراحل ابتدایی طرح به انجام برسد.

نکته جالب توجه در طرح باشگاه کتاب آوران جوان، شیوه جدیدی در توزیع کتاب است که به شیوه فرهنگی توزیع کتاب تعبیر شده است: «کار تألیف کتاب توسط مؤلفان، کار عشق و علاقه است اما به مرحله توزیع که می رسد، به فعالیتی بازاری تبدیل می شود، شیوه ای غلط که با کار فرهنگی همخوانی ندارد. اکثر مؤلفان نیز به شیوه توزیع که در آن به کتاب به عنوان یک کالا مانند کالاهای دیگر نگریسته می شود معترض هستند. در طرح باشگاه کتاب آوران جوان، شیوه توزیع، فرهنگی می شود و از حالت یک کار اقتصادی صرف بیرون می آید».

در فروشگاه مرکزی انتشارات سوره، کتاب های زیادی نیز به نمایش گذاشته شده اند که به نظر نمی رسد همه ۱۷۰۰ عنوان کتاب منتشر شده توسط این ناشر را شامل شود. علاوه بر قفسه هایی که به دیوار تکیه داده اند، در سه ردیف نیز روی میزها کتاب های متنوعی قرار دارد:

در بخش کودک و نوجوان کتاب هایی مثل «قرآن کتاب من است؛ تفسیر قرآن برای کودکان و نوجوانان»، «سرود درس نماز؛ آموزش نماز»، «راز چشمه نور - کاظم جیرودی»، «چشم به راه خورشید - علیرضا آقای بالایی»، «محبوب ترین پسر - جیانگ زنی»، رفیع غفازادگان»، «مارمولک کوچولوی دم بریده - لین سونگ بینگ، رضا رهگذر».

و... به چشم می خورد. و در بخش های دیگر انواع کتاب های مذهبی، اقتصادی، مجموعه شعر، نمایشنامه، داستان و... است.

اما مجموعه ای از جدیدترین کتاب های دفاتر چهارگانه حوزه هنری نیز به نمایش درآمده اند.

دفتر ادبیات و هنر مقاومت:

در این بخش زندگی نامه های فرماندهان شهید دوران دفاع مقدس مثل شهید عباس بابایی، شهید مصطفی چمران، خاطرات رزمندگان و... وجود دارد. «نامه های فهیمه»، «پای پیاده روی آب» و «زندگی خوب بود» از کتاب های مطرح این بخش است.

دفتر ادبیات انقلاب اسلامی:

مجموعه ۸ جلد از روز شمار انقلاب که از سال ۵۶ به وقایع نگاری انقلاب پرداخته است، خاطرات ۱۵ خرداد، خاطرات اشخاص سیاسی و یاران انقلاب مانند علی اکبر محشمی پور، ابوالقاسم حالت و... بخشی از کتاب های این حوزه است.

مرکز آفرینش های ادبی:

نگارش زندگی مفاخر ملی به صورت داستان، نقد زندگی آیت الله طالقانی، کلهر و... و کتاب های «زنها شبیه هم می خندند» و «کیمیایان نقش» نیز برخی از آثار مربوط به مرکز آفرینش های ادبی انتشارات «سوره مهر» است.

پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی:

این بخش نیز کتاب های جالب توجهی را به نگارش در آورده است: «سینما، دین، ایران»، «بیزن نامه؛ پژوهشی در شاهنامه»، «سینما در آینه فقه»، «منطق در زبان شناختی»، «فتوا و مکانیزم آن»، «ابر ساختگرایی»، «ساختارشناسی نمایش ایرانی» و...

گپ و گفتی با میرحسن چهل تن نگاه فله ای به ادبیات



به نظر تان دهه هشتاد برای ادبیات چگونه دهه ای خواهد بود؟

ادبیات ما به طور کلی مشکلاتی دارد که تا این مشکلات رفع نشوند، در حوزه محدودی اسیر خواهد ماند.

یکی از مشکلات اساسی حذف ادبیات است در حوزه های مختلف. ادبیات راز کتاب های درسی و رسانه عظیمی مثل صدا و سیما حذف کرده اند و دیگر سانسور با اینکه در مجموع مقوله اطلاع رسانی مثبت ارزیابی می شود، اما من حس می کنم روزنامه ها و نشریات کمتر به دنبال نویسنده هایی می روند که جریاناتی آنها را خطرناک اعلام کرده است. ما به سوی همتراز شدن سطوح مختلف حرکت می کنیم. یعنی دیگر کوتوله، میان قامت و قد و بالای رشید خیلی قابل تشخیص از همدیگر نیست. تا وقتی که هرج و مرج وجود دارد و نقد بر ادبیات حاکم نیست، هیچ نویسنده ای در جایگاه خود نخواهد بود. امروزه فله ای به ادبیات نگاه می شود. البته نمی گویم توطئه یا شیطنتی در کار است، بلکه مسأله، ساختاری و مشکلات، ریشه ای است. چون در ادبیات ما نقد وجود ندارد، برخی اسامی تکرار می شوند و خواننده بی اطلاع در این میان فکر می کند که جریان حاکم همان جریان اصیل و اصلی است و این یک جور سردرگم کردن مخاطب است. خلاصه اینکه با وجود چنین مسائل و مشکلاتی، ادبیات در دهه هشتاد حرکت رو به رشدی نخواهد داشت.

آیا حرکت به وجود آمده در عرصه ادبیات داستانی دهه هفتاد، در دهه هشتاد تداوم خواهد داشت؟

بله، ادامه خواهد داشت. امیدوارم که برخی سوء تفاهم ها برطرف شود و ضمناً امیدوارم جوان های مدعی، دانش زبان خارجی داشته باشند تا بتوانند آثار ادبی را به زبان اصلی بخوانند. چرا که در غیر این صورت و بدون احاطه به زبان خارجی، نویسنده جذب برخی تکنیک ها و جریانات زودگذر می شود که در این صورت اصل ادبیات داستانی که همان عنصر افسانه ای و قصه گویی و نیز ایجاد حالت بهت زدگی و شگفتی در خواننده است، فراموش شده و تحت الشعاع قرار می گیرد. در جامعه ما که از طریق ترجمه، فضاهای خارج از ایران وارد ایران می شود، پدیده ها دفرمه شده و ذهنیت های ساده و جوینده را اسیر می کنند و همیشه این یک راه خطاست. جریان غالب نقد در جهان معاصر اصل را بر داستان گویی گذاشته است، نه بر شعبده و تردستی. حقیقت این است که ما شهروندان جهان هستیم و باید از حالت حاشیه نشینی در بیاییم. ما و ادبیات داستانی ما باید وارد متن جهان شویم و گرنه در مرحله تقلید از مدها خواهیم ماند. ادبیات داستانی در دهه هشتاد باید در توجه خود به تکنیک به تعادل لازم خودش برسد و از افراط و تفریط ها بپرهیزد.

چه آثاری در دهه هفتاد منتشر کرده اید؟

رمان «تالار آینه» که در سال ۷۷ توسط انتشارات روشنگران تجدید چاپ شده است. رمان «مهر گیاه» انتشارات روشنگران، «چیزی به فردا نمانده است» انتشارات نگاه، «دیگر صدایم نزن» انتشارات امیربهدار، رمان های «عشق و بانوی ناتمام» و «تهران شهر بی آسمان» هر دو توسط انتشارات نگاه و رمان «روضه قاسم» نشر نو. کدام یک از آثار تان را بیشتر می پسندید؟

رمان «تهران شهری بی آسمان» که اشاره به تاریخ پرفراز و نشیب تهران در فاصله جنگ جهانی دوم و جنگ هشت ساله دارد. در این اواخر چه کتاب هایی را مطالعه کرده اید؟

کتاب های «مصاحبه با فردین»، «خاطرات تاج الملوک» و «تعلق و تماشا» که مجموعه مقاله ها و مصاحبه های محمدعلی سپانلو است. این سه کتاب را البته در بیست و چهار ساعت گذشته خواندم. در ضمن رمانی به نام «عکس قهوه ای» را که آخرین رمان ایزابل آندره بود و هنوز ترجمه نشده است، در این اواخر مطالعه کرده ام. آیا به غیر از نوشتن به کار فرهنگی - هنری خاصی مشغول هستید؟

نه. من فقط می نویسم. البته برای همکاری در نشر به ها از من دعوت می شود که تا به حال نپذیرفته ام. اخیراً نیز جهت سردبیری سایت اینترنتی «سخن» دعوت به همکاری شده ام.

همایش سراسری «شب های شهریور» برگزار می شود

اولین همایش سراسری شاعران و قصه نویسان جوان ایران با عنوان «شب های شهریور» توسط کانون ادبی مرکزی سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران و «خانه داستان ایران» برگزار می شود.

این رویداد فرهنگی - هنری که در یکی از شب های شهریور ماه امسال برگزار خواهد شد، در حمایت از آفرینش های ادبی نسل جوان و تقدیر از خالقان آثار برتر، در همایشی، شاعران و قصه نویسان سراسر کشور را گرد هم می آورد.

همایشی «شب های شهریور» در دو موضوع آزاد و ویژه برگزار خواهد شد که عنوان موضوع ویژه «حسین (ع) سلطان عشق» است و شاعران و قصه نویسان جوانی که از ۱۵ تا ۲۹ سال سن دارند می توانند در آن شرکت کنند.

بنا به همین گزارش مهلت ارسال آثار شعر و قصه تا پایان وقت اداری روز ۳۰ مرداد ماه امسال بوده و کلیه آثار باید به دبیرخانه جشنواره واقع در خیابان شریعتی، روبه روی خیابان بهار شیراز، خیابان کاج، خانه داستان ایران و یا به فرهنگسراهای سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران ارسال شود. ضمناً شماره تلفن ۷۶۹۸۵۴ پاسخگوی علاقمندان شرکت در همایش است.

تعامل فرهنگ و رمان

در کانون ادبیات امروز

جلسه سخنرانی در حوزه «تعامل فرهنگ و رمان» با حضور دکتر حسین پاینده برگزار شد. در این جلسه که از سوی کانون ادبیات امروز برگزار شد، دکتر پاینده به بیان تازه ترین دیدگاه های خود درباره تعامل فرهنگ و رمان پرداخت و در ادامه داستان کوتاه «تصویر یک زن» و «ماهی» اثر پریا نفیسی و کاوه بهمن قرائت شد. محل برگزاری این نشست فرهنگسرای بانو بود.

نمایشگاهی از عکس ها و پوستره های صادق هدایت

نمایشگاه پوسترها و کتاب های صادق هدایت برگزار می شود. فروشگاه شهر کتاب شعبه میرداماد از ۱۳ مهر سال جاری به مدت سه روز اقدام به برگزاری نمایشگاهی از پوستره های صادق هدایت به مناسبت صدمین سالگرد تولد او خواهد کرد. در این نمایشگاه ۱۶ پوستر از بابک گر مچی، مجید عباسی، شافعی و حمیدرضا و صاف به نمایش گذاشته می شود و همچنین در کنار نمایش این آثار کتاب کوچکی که حاوی تمام این پوسترها است به علاقمندان عرضه می شود. همچنین کتاب هایی که درباره هدایت نوشته شده است نیز در این نمایشگاه شرکت خواهند کرد.

سومین نشست یک کتاب، یک نویسنده برگزار شد

سارا طهرانیان مترجم داستان های مینی مال و نویسنده کتاب های کودکان و نوجوانان در سومین نشست یک کتاب، یک نویسنده با اشاره به نشر الکترونیک برای استفاده از داستان های اینترنتی اذعان داشت داستان های کوتاه عموماً موجب ارتباط مؤثر و سریعتر بین خوانندگان و کتاب می شود.

طهرانیان با اشاره به وضعیت ترجمه در ایران، بهادادن به ترجمه داستان های فارسی به انگلیسی و سایر زبان های زنده دنیا را یک ضرورت بر شمرد و اهتمام مترجمان و ناشران را در این امر خواستار شد. در این جلسه همچنین حاضران به نقد هفته داستان کوتاه پرداختند.

این نشست هر هفته، دوشنبه با هدف معرفی آثار نویسندگان و مترجمان جوان و بررسی و نقد کتاب های روز و گسترش فرهنگ مطالعه در فرهنگسرای انقلاب برگزار می شود.

یار علی پورمقدم، داستان نویسی:

نوشتن یک نوع ناهنجاری است



یار علی پورمقدم از معدود نویسندگانی است که به واسطه کارش با مردم و هنرمندان ارتباط زیادی دارد و بیشتر داستان هایش هم، دور و بر یا بهتر است بگویم حوالی کافه شوکا می گردد. به اندازه خوردن یک شیر قهوه در کافه کوچکش وقتش را می گیریم.

آقای پورمقدم! برخی معتقدند که ادبیات ما در دهه هفتاد مثل دهه چهل، در عرصه داستان نویسی با جهش مواجه بوده. شما چقدر با این امر موافقت می کنید؟

من بیشتر این جهش را در دهه شصت می بینم یا بهتر است بگویم خیز گاهش را دهه شصت می دانم. در واقع دهه هفتاد ادامه منطقی همان روندی است که در دهه شصت آغاز شد.

این دهه چه خصوصیتی دارد که آن را از دهه های گذشته متمایز می کند؟

علی رغم اینکه در دهه چهل و پنجاه داستان های مطرحی نوشته شد و بیشتر شبیه یک جهش یا به قول فرنگی ها مواتسیون بود وجه غالب ادبیات پیش از پنجاه و هفت، یک ادبیات سیاه و سفید بود. اما بعد از تنش های بعد از انقلاب و جنگ به نظر می رسد نگاهها الوان شد. جدا از تأثیرات اجتماعی که در آثار جلوه گر شده است، آثار دهه شصت و هفتاد دارای چه ویژگی ها و خصوصیات تکنیکی هستند؟

نویسندگان این دوره توانستند تجربیات اساسی داستان نویسی را پشت سر بگذارند که یکی از آنها تجربه های زبانی و خصوصاً ایجاز بود. از این رو داستان های این دودمه از نظر زبانی موجزتر شده است. طبق آن خصیصه ای که مبتلا به جهان امروز است (و فقط جغرافیایی نیست بلکه کل بشر را در بر می گیرد) تراژدی های انسانی در این دوره عموماً تراژدی های موقعیتند. به این جهت انسان معاصر بحران هایش را در سکوت می گذراند و وقتی در این مورد حرف می زند خیلی نامفهوم سخن می گوید. به همین دلیل وظیفه نویسنده در آوردن این سکوت و مفهوم کردن این نامفهومی است.

من فکر می کنم جنگ و صلح زمان مادیرگ بیش از ۱۰۰ صفحه نشود. البته صد یک عدد سمبولیک است. یعنی رویکرد به داستان های مینی مالیتی و فلاش استوری را از این منظر می بینید؟

بله و این هم یک روند منطقی و اجتناب ناپذیر است. اجازه بدهید این طور بگویم: به نظر من سرنوشت نمایش، پانتومیم است و سرنوشت نثر هم شعر. یعنی در نمایش به سمت پانتومیم که حس و حرکت است پیش می رویم و در نثر هم به سمت شعر که امساک در کلمه است.

نویسندگان این دوره توانستند تجربیات اساسی داستان نویسی را پشت سر بگذارند که یکی از آنها تجربه های زبانی و خصوصاً ایجاز بود

اجازه بدهید دوباره کمی از فضای خود داستان فاصله بگیریم. در گذشته مکان هایی مثل کافه نادری و... وجود داشت که هنرمندان و نویسندگان با همدیگر و با مردم تماس نزدیکتری داشتند. تأثیر این ارتباطات را چقدر می دانید؟ من واقعاً نمی دانم رابطه مستقیم در ادبیات و هنر چه معنایی دارد. به هر حال نویسندگان برای مردم می نویسند و هنرمندان برای مردم اثر هنری خلق می کنند. مردم برای نویسندگان حکم دیوار چهارم در نمایش را دارند که در عمل آن را برمی داریم. ولی اینکه میزان این نزدیکی و مجالست چقدر باید باشد، قابل بحث است.

به نظر من یک نویسنده که می خواهد شروع به نوشتن کند، خیلی طبیعی است که در همان ابتدا مقابل این سؤال قرار گیرد که آیا می خواهد در سطح ملی بنویسد یا سطح جهانی؟ منظور از سطح جهانی چیست؟

سطح جهانی به این معنی است که اگر معتقد باشیم که فرهنگ یک امر بشری است و فرامرزی، آن وقت درمی یابیم که بتهوون همان قدر که آلمانی است، ایرانی هم هست، فاکتر همان قدر که آمریکایی است، ایرانی است و حافظ همان قدر که ایرانی است، آمریکایی و آلمانی است؛ چراکه اینها مربوط می شود به بشر و ذخایر بشری که در طول روزگاری که زمین گذرانده برای خود کسب کرده است.

چگونه می شود میان بر زد و از سطح داستان نویسی ملی یکباره به سطح داستان نویسی جهانی رسید؟ آیا نمونه موفق سرخ دارید؟

من فکر می کنم مثلاً داستان «از میان شیشه از میان

مه» علی خدایی از آن نوع داستان هایی است که بعد از سطح داستان نویسی جهان نوشته شده و یا برخی داستان های ابوتراب خسروی، که اتفاقاً در سطح ملی هم توفیق به دست آورده اند.

عده ای بر این اعتقادند که یکی از علت های که ما در آثار نویسندگان معاصر از وقایعی مثل جنگ کمتر نشانی می بینیم، این است که بسیاری از نویسندگان این دوره برج عاج نشین شده اند و به مردم و وقایع اجتماعی توجه کمتری دارند. نظر شما چیست؟

این مسأله را از چند جنبه می شود بررسی کرد. اول اینکه به اعتقاد من، با ادبیات جنگ قدری درست برخورد نشد. وقتی مانویسندگان رابه خودی و غیر خودی تقسیم کردیم، عملاً بخشی را حذف کرده و در واقع خود را از بخشی از نویسندگان که آنها هم می توانند دارای یک سری تجربیات باشند و بنویسند، محروم کرده ایم. دیگر اینکه وقتی ما برای جنگ، صفت هایی قائل بشویم که این صفت ها مقدسند، دیگر نزدیک شدن به آن سخت می شود.

از اینها گذشته، فراموش نکنیم که نوشتن از نظر روانشناسی (یادست کم از نظر روانشناسی فرویدی) یک نوع ناهنجاری است یعنی نویسندگان بیمارانی هستند که در مقابل واقعیت به تخیل پناه می برند.

شاید این ناهنجاری و شیذوفرنی که احتمالاً با گوشه نشینی همراه است را برج عاج نشینی نام گذاشته اند ولی به اعتقاد من این با برج عاج نشینی خیلی تفاوت دارد.

به نظر شما بازتاب این تقسیم بندی، بایکوت و سکوت از طرف مقابل در مورد مسائلی نظیر جنگ و... نبود؟

نه، به هیچ وجه این طور نیست. همه ما کارهایی داریم، همه ما لاقل یکی دو تا کار داریم که جنگ و یا تأثیر جنگ را در شهرها بازگو می کند. مثلاً رمان شهریار مندنی پور - دل دلدادگی - اصلاً درباره جنگ است. همین طور کارهای خوبی در این زمینه از کاتب، غفارزادگان، مؤذنی و... خوانده ام که به جنگ پرداخته اند و یا این توفیق را داشته اند که جنگ را از نزدیک ببینند و در موردش بنویسند.

آقای پورمقدم، از کتاب جدید چه خبر؟

بعد از یادداشت های یک قهوه چپی که سال گذشته منتشر کردم امسال هم کتابی آماده چاپ دارم که هم اکنون در ارشاد منتظر اجازه نشر است به نام «یادداشت های یک اسب» که نگاهی است تازه به داستان رستم و سهراب از نگاه و روایت رخس، طی یک سری یادداشت های روزانه که امیدوارم بزودی منتشر شود.

کتاب کتاب کتاب

تنیده در زمان

تنیده در زمان، باربارا مایکلز، هرمز حبیبی اصفهانی، تهران، نشر پیوسته، ۱۳۸۱، ۳۲۵۰ تومان.

باربارا مایکلز نویسنده بیش از بیست داستان بلند است که اکثر آنها در فهرست پرفروش ترین کتاب های مجموعه نیویورک تایمز قرار دارد. او تحت نام مستعار الیزابت پیترز چند داستان رمزآمیز نوشته است. کتاب تنیده در زمان یکی از آثار بنام این نویسنده است که اخیراً توسط هرمز حبیبی اصفهانی ترجمه شده است.

سیاره برهنه

سیاره برهنه، سروده های از الف. با (اسماعیل بابازاده)، تهران، انتشارات پنداشت، ۱۳۸۰، توزیع ۱۳۸۱، ۶۰۰ تومان.

مجموعه شعر «سیاره برهنه» اثر اسماعیل بابازاده است که بتازگی از سوی نشر پنداشت منتشر شده است.

شاعر در این مجموعه اشعاری را آورده است که در سال های ۵۰ تا ۵۴ سروده است. در این مجموعه می خوانیم: کودکی که به آسمان می نگرند/ خود هم نمی داند/ که آسمان را/ در چشمانش دوست می دارد/ و منم/ که جاده ای از دوست داشتم...



نغمه هزارداستان

نغمه هزارداستان، رایینز دنیس، مجید راد، تهران، نشر پیوسته، ۱۳۸۱، ۲۲۰۰ تومان.

رمان نغمه هزارداستان درباره زن جوانی به نام سللیا است که در حالتی متحیر به سر می برد. این کتاب را مجید راد ترجمه کرده است و نشر پیوسته آن را منتشر کرده است. منتقدان درباره این کتاب می گویند که بندرت نویسنده معاصر چنین کوششی ژرف در تو در توهای پنهان قلب زن انجام داده است.

افسانه وین

افسانه وین (مجموعه هفت داستان)، بلافون شورلر، کلمنس فون برتانو، آلفونس دوده و... مترجم: فریا صدیقانی فر، تهران، نشر زلال.

کتاب حاضر ترجمه بخش دوم مجموعه داستان های کودکانه «مرد شنی» است که بخش اول آن با هشت داستان به نام «کودک فداکار» به چاپ رسیده بود. در این کتاب، داستان هایی با مضامین اخلاقی، اجتماعی و مذهبی و در عین حال آموزنده از مشاهیر ادبیات جهان آورده شده است مانند نویسنده نامداری چون «ولادیسلاو ریمونت» (برنده جایزه نوبل ادبی) که در داستان بورک گوشه ای از زندگانی پرنج عیسی مسیح (ع) را از زبان پیرمردی لهستانی بازگو می کند.



تأثیر محیطی خراسان بر ادبیات داستانی

برخلاف مناطق دیگر کشور که شعر حرف اول را می زند به نظر می رسد که دوستان خراسانی بخصوص مشهدهای بیشتر به سوی ادبیات داستانی متمایل هستند. دلیل این امر چیست؟

خاستگاه شعر و داستان جدا از هم نیست. روح مؤلف یک جایی از زندگی روزمره به یک بیداری درونی می رسد و همچو «نی» گفتنی های می گوید. آنچه واضح است جست و جو و تکاپوی نویسنده در کشف نسبت هایی در عالم است که با روح خود سازگار باشد. اما اینکه چرا دوستان خراسانی بیشتر به ادبیات داستانی متمایل اند، فکر می کنم تأثیر موقعیت و شرایط محیطی بی تأثیر نباشد. از یک طرف فرهنگ غنی نقلی در شهرهای مذهبی چون مشهد از دیرباز ریشه داشته و همین باعث شده میل به روایت های منثور بیشتر باشد. از طرف دیگر مهجور ماندن شعر خراسان به رغم سرمایه های گرانی که در این شهر وجود دارد و در سایه شعر سربازان پایتخت ماندن از عواملی است که موجب شده میل به ادبیات داستانی بیشتر باشد.

بسیاری از دوستان داستان نویس مشهد که زمانی از

نگره

رسول آبادیان

چرت عصرانه در خانه برنارد آلبا

ما «لورکا» را دوست داریم، درست به اندازه اخوان بزرگ، نیما می رداستان و خیلی های دیگر. شاید بارها در ساعت پنج عصر برای همدردی با او در سوگ «ایگناسیو» گریسته باشیم و شاید بارها

آرزو کرده باشیم که آن خدایبازمه به خاطر اجراهای الکن نمایشنامه هایش در گور نلرزد. شاید هم بارها در دلمان آموزش اموات محمود کیانوش و احمد شاملو را از خداوند خواسته ایم که لورکا بارانمان کرده اند و رفته اند و مانی دانیم با این تحفه نازنین چه کنیم و به هر چیزی چنگ می اندازیم تا مبادا خدای نکرده از دست بدهیمش. شاید هم تلاش می کنیم خلأ ضعف ادبیات نمایشی کشورمان را با نام او پر کنیم. شاید دلمان نخواست که بیذیریم در حوزه نمایش روایتگران خوبی نبوده و نیستیم و باید مرحمت کنیم و بزرگان را تبدیل به «مس» نماییم زیرا قطعاً از طلا شدن در صحنه های تئاتر ما پشیمان شده اند، همان گونه که صاحبان قلم و اندیشه در این حوزه یکی پس از دیگری سر از کارمندی بانک و رانندگی تاکسی و... در می آورند.

باید از خود پرسید شاعری که در دیوار نامرئی جهان روزنه ای ایجاد کرده و در قلب بسیاری از مردم از جمله مردم ما حلول کرده و در هر جارد پایی از تقلید، از خود به جا گذاشته چرا نمایشنامه هایش در کشور ما باید همواره کسالت تماشاگر را به همراه داشته باشند؟ راستی عیب از کجاست؟ مشکل از قلم لورکاست یا از ناتوانی ما؟ آیا لورکا اورای حد و اندازه ماست؟ آیا صحنه های محقر و کورسوی تئاتر رنجور ما توان نمایش تمامی ابعاد ذهنی او را ندارند؟ اگر جواب مثبت است، باید پرسید دلیل این روکرد ضعیف آلوده چیست و اگر منفی است، باز جای این سؤال باقی می ماند که پس کو؟ کجاست رد پای آن روح سرکش با آن قدرت قلم عالمگیر؟... من نمی دانم که جناب روبرتو چولی این سفره خیره اش را در کشورهای دیگر هم گسترده یا خیر اما می شود فهمید که روح نواز شگرانه اش در مورد تئاتر ما بسیار کم رمق است. ای کاش او می دانست که صدها نمایشنامه خوب در انتظار کتاب شدن و یا اجرا در کشورهای بسیاری از دانشجویان هنرشناس خاک می خورد. ای کاش کسی می بود تا به او بگوید قبل از انتخاب متن فراخوانی بدهد تا باند که هنوز هم نمی توان به چشم تحقیر به ادبیات نمایشی ما نگریست. ای کاش می دانست که خانه برنارد آلبا جای چرت عصرانه نیست. به هر حال قدم جناب چولی در تئاتر کشور ما غنیمت است، حتی اگر نتیجه صفر باشد!

مطرح ترین چهره ها بودند این روزها بسیار کم کار شده اند. چرا؟

از برای تو ترانه ها خواهم سرود / غم نان اگر بگذارد «شواری های معاش و تلاش برای رسیدن به یک امنیت اولیه برای زندگی روزمره». اگر چه مصایب و دشواری ها الهام بخش نویسنده است اما من معتقدم تازمانی که نویسنده در شرایط مساعدی زیست نکند نمی تواند براحتی بنویسد. ضمن آنکه در دنیای بیرحم امروز و اوضاع غریب نشر در شهرستان، ماندن و کار کردن، تورادر حدیک نویسنده بومی نگاه خواهد داشت مگر اینکه مرتب به پایتخت نقب بزنی و رابطه هایت قوی باشد یا خیلی زود و ناگهانی ترک جهان کنی تا پس از مرگ، آثارش مورد توجه قرار گیرد. به همین چند سال پیش باز گردیم و بیژن نجدی را به خاطر آوریم که چطور به قول خودش کتاب لاغر «یوزیلنگانی که با من دویده اند» مهجور بود و شعر او مهجورتر. و حالا پس از مرگش کتاب هایش که به همت همسرش گردآوری شده، چاپ دوم و سوم می شود. به نظر می رسد که جوانان داستان نویس مشهد آنگونه که باید و شاید با پیشکسوتان این حرفه حشر و نشر ندارند. چرا؟

موقعیت اجتماعی ایران در این سال ها به گونه ای بوده که حقوق معنوی هنرمندان به هیچ وجه رعایت نشده و همیشه فضایی از بی اعتمادی میان افراد وجود داشته است و خیلی از پیشکسوتان جایگاه شایسته خود را در چنین نظام اجتماعی به دست نیاورده اند.

این واقعیتی است که ادبیات ما به رغم آن پیشینه درخشان و این سیر صعودی در این ۶۵ سال اخیر هنوز نتوانسته است به ساز و کار شایسته خود نزدیک شود. من از این دوران به نام «دوران پوست اندازی» یاد می کنم. ما در حال پوست اندازی هستیم و داریم به دنیایی جدید وارد می شویم، خیلی از چالش ها از همین مسأله نشات گرفته که هر یک فکر می کند دیگری دارد جای او را می گیرد در



حالی که فکر می کنم همه ما به سوی یک نقطه واحد در حال حرکتیم اگر چه از صراط مستقیم های بی شمار و متعدد. معمولاً این سؤال را از دوستان دیگر می پرسیم که نحوه قرار دادنشان با ناشر چگونه بوده و آیا سرمایه گذاری شخصی مؤلف در کار دخیل بوده یا خیر. شما هم ضمن طرح نظر خودتان در رابطه با سرمایه گذاری مؤلف چگونه بر خورد ناشر را با چاپ کتابتان بگویید؟

«باد در یک خیابان مستقیم» تا این لحظه که در بازار نشر قرار گرفته اوضاع غریبی را سپری کرده است. این مجموعه داستان از تابستان سال پیش آماده انتشار بود. من در آغاز با ناشران نامی وارد گفت و گو شدم، شاید تعجب کنید که این مجموعه در شورای تصویب یکی از معتبرترین مراکز نشر تهران را تصویب رسید اما تصمیم نهایی را مدیر آن نشر می گرفت و ایشان بدون ارائه هیچ دلیل قانع کننده ای مرا و کتاب را محترمانه رد کرد، شاید چون گمنام هستم و روی فروش کتاب حساب نمی کرد. بعضی از ناشران هم کتاب را فقط نقد کردند و برخی به گفته خود تا سال ۱۳۸۶ چارت و برنامه انتشارشان مشخص بود!

به هر حال در این تجربه ارتباط نزدیک یک ساله با بازار نشر چیزهای عجیبی دیدم و برخوردها بسیار حرفه ای و از درون تهی است، «باد در یک خیابان مستقیم» را با کمک

از نسل خودمان

نگاهی به منظومه «چه کسی پنهان تورادوست دارد» سروده ری راعباسی

بگذار همه شاعر باشند

بسیاری دیگر نیز بختگی کارها را دلیل همین امر می دانند چون دلواپسی های زنانه که در تک تک کارهای او موج می زند نشان از تجربه ای موفق دارد که قبل از هر چیز مادر بودن را به ذهن متبادر می کند و بعد شاعر و نویسنده بودن را.

نگفته پیداست که درگیر و دار حیطی عاطفه، رایحه های عذوق مادرا نه، قبل از هر چیز باید در کلام شاعر و نویسنده خود را بنمایاند و عباسی قافله سالار این حرکت انسانی است. «می خواهم بمانم / ترسیدن / آه می ترسم / نگاهش نمی کنم و صدایش را دوست دارم / چند سالت / (می خندم) بیست سال / او بیست، من هم بیست / او شاعر، من هم شاعر / او خودش را خیلی دوست دارد / من، من، من / بدم نمی آید / شاید زشت، شاید / اما / صدایش پر از پروانه های زرد باران.» آن تجربه که در بالا به آن اشاره شد در همین بند خود را به رخ می کشد، یعنی گذر نگاه شاعر از پوسته های ظاهر. شاعر برای بیرون راندن این حس خود را به آب و آتش می زند و از نگاههای منفی مردستیزانه پرهیز می کند. او هیچ یک از مصائب و گرفتاری های زن امروز را بر گردن کسی نمی اندازد بلکه بزرگوارانه می گوید: «چه کسی پنهان ترا هر کس مرادوست دارد؟ / چه کسی ممنوع می کند / می دانم تو نیستی / همسرم نیست / نوزاد در راهم نیست...» و در جایی دیگری می گوید: «او / با تو / که رویه رویم هستی / از شعر نمی گفتم / بگذار همه شاعر باشند / بگذار همه برای قرن ما باقی بمانند / اما / من / برای همین لحظه شاعرم / و بعد می میرم...» امید است که این کتاب به دست اهلس برسد و دوستان منتقد چون گذشته درباره اش سکوت نکنند. زیرا این کار را می توان به عنوان یک جهش خیره کننده به حساب آورد و تولد یک شاعر را به جشن نشست.

گرفتار آید که خوشبختانه این اتفاق نمی افتد. زیرا در سومین بند از مجموعه در زیبایی کار دو چندان می شود: «می خواهیم دور شویم / با چشمانمان پرواز... / اما / تو دلت می خواهی / نگاهت ثابت / نمی دانم کجا / شاید زیر پوست / مهربانمان / گنجشکی پریده است / تا



به گونه ی تو / تکت بزندی / تو پرت و مور، مور... / شاید این پروانه گنگ از مرگ / برای شکار تو، روی موهای من / که بگویی: / چقدر قشنگ / و خون نقره ایش را / چیزی می خواهی بگویی: / پریشان گویی بی نظم در نظمی پریشان که در لابه لای سروده های بالا به دل یکدیگر راه یافته اند، گرچه در وهله اول نوعی دلزدگی را در خواننده ایجاد می کنند لیکن با خوانش چند باره اصول و قواعد خود را برون افکنی می کنند. تا اینجا خواننده راه خود را شناخته است و برای همین امر با لذت بیشتری کار را دنبال می کند. به نظر می رسد که عباسی در این کار طوری که دیگر نمی شود از کمندشان گریخت. به نظر می رسد که این شاعر تمام توش و توان خود را صرف همین امر کرده باشد که البته خالی از هر عیب و ایرادی است. آثار زیادی هستند که در همان آغاز خواننده را به دنبال خود می کشانند اما در میانه کم آورده و در نتیجه اثر خواننده عطای یکدیگر را به نقایشان می بخشند. از همان آغاز منظومه این دلهره برای خواننده آثار عباسی وجود دارد که نکند این کار هم به بلای کارهای یاد شده

مجموعه داستان «سی پری چهارشنبه ها» و مجموعه شعر «برای این دختر لر دیگر تفنگ نیاورید» دو کتاب از ری راعباسی هستند که تا کنون توفیق به چاپ دوم رسیدن را نصیب خود کرده اند. عباسی که در دو مجموعه گذشته بخت خود را در وادی داستان و شعر آزموده و سر بلند بیرون آمده به تازگی منظومه «چه کسی پنهان تر تو را دوست دارد» را روانه بازار کتاب کرده است. این کتاب به عنوان سومین اثر عباسی دارای حال و هوای دیگری است. منظومه این گونه آغاز می شود: «بر بالای بلندترین حرف های دنیا / یک تکه نور / به تماشا می ایستاده است / می خواهم پریده شوم پر در آورم / با حرف های تو / برایم حرف بزنی / تا مثل جادوگران / اگر پرده اگر زن / رقص آتش ها را / با هر ترانه نثارت کنم» اگر دو کار قبلی این نویسنده و شاعر را با دقت خوانده باشیم در می یابیم که روحی مادرانه و غمگین تنیده در تکنیکی منحصر به فرد در کارهای او نمایان است. عباسی سعی دارد که نگاهی دیگرگون بیافریند. شاید برای همین امر است که در اولین کتابش به سراغ باورهای خرافی مردمان دیارش رفته و داستان هایش را با زبانی امروزی ساخته و پرداخته است.

لحن آهنگین اولین کلمات مجموعه در همان ثانیه های اول نگاه خواننده را معطوف به خود می کند، به طوری که دیگر نمی شود از کمندشان گریخت. به نظر می رسد که این شاعر تمام توش و توان خود را صرف همین امر کرده باشد که البته خالی از هر عیب و ایرادی است. آثار زیادی هستند که در همان آغاز خواننده را به دنبال خود می کشانند اما در میانه کم آورده و در نتیجه اثر خواننده عطای یکدیگر را به نقایشان می بخشند. از همان آغاز منظومه این دلهره برای خواننده آثار عباسی وجود دارد که نکند این کار هم به بلای کارهای یاد شده

گفت و گو با سید علیرضا میرعلی نقی درباره کتاب «گلبنگ محراب تا بانگ مضراب»

تکه‌ای از سایه زندگی، نه همه زندگی

سید علی رضا میرعلی نقی را باید جدی‌ترین و پیگیرترین مورخ تاریخ موسیقی (تاریخ معاصر) نام نهاد. وی از همان دوران نوجوانی به جمع آوری سند و کتاب و عکس و نوار و صفحات سنگی گرامافون همت گماشت، به نحوی که در این روزها کمتر فرد مرتبط با موسیقی معاصر را می‌توان پیدا کرد که به نوعی میرعلی نقی با وی در تماس نباشد. همین تماس‌های مکرر و پیگیر، سبب شده است تا بخشی از «گفته‌ها» و ناگفته‌های پنهان در خانواده‌های موسیقی و بخصوص درگذشتگان، در اختیار این موسیقی‌پژوه با بصیرت قرار بگیرد. این امر هم نتیجه حسن اعتمادی است که آن هم معلول عشق و دلسوزی و پشتکار میرعلی نقی در حفظ و انعکاس برخی از اسناد مهم، اما ناپیدای موسیقی معاصر است. میرعلی نقی پس از انتشار کتاب «موسیقی نامه وزیری»، کتاب «خاطرات بدیع زاده» را با کمک فرزند آن مرحوم از سوی نشر نی به بازار عرضه کرده است. با وی درباره این کتاب و مجموعه تاریخ شفاهی موسیقی ایران، که از قرار نشر نی متکفل انتشار آن شده که گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

می‌گیرد و می‌نویسد. نکته‌ای بگویم: طی این مدتی که به کند و کاو در زندگی هنری و زندگی خصوصی موسیقیدانان مشغول بوده‌ام متوجه شده‌ام: موسیقیدانی که از فضای عادات قدمایی و به اصطلاح «سنتی»، فاصله بیشتری دارد، این نوع خودآگاهی و بالطبع شوق قلمزنی و از خود نوشتن، در او بیشتر است. از همین روی است که عارف و بدیع زاده و خالقی و مهرتاش آثار قلمی دارند ولی از درویش خان و هرمزی و تاج اصفهانی و مرتضی محجوبی، دو سطر نوشته هم - محض رویت نوع دستخط شان - باقی نمانده است. گمان کنم این تقسیم‌بندی هنوز هم مصداق داشته باشد. همایون خرم دست به قلم دارد ولی حسن کسایی با همه خط خوش و ادبیات فراوانی که در حافظه دارد، مایل نیست از خود و زمان خود بنویسد.

اما چرا بدیع زاده؟ اولاً او اولین موسیقیدان مشهور عصر پهلوی اول است که خاطرات مدونی نوشته است. از خیلی‌ها شنیده‌ام که مرحوم اسماعیل مهرتاش، نوازنده تار و نوا ساز و نمایشگر نامی همان نسل نیز خاطرات مفصل و مدونی نوشته است که معلوم نیست



● **علیرضا میرعلی نقی:**
بدیع زاده، فردی است نوگرا و خلاق و تأثیرگذار که از بطن سنت هنر مذهبی دوره خود برآمده و بعدها موسیقی پاپ ایرانی را پایه ریزی کرده است

چه سرنوشتی پیدا کرده و بنده هم هرچه بیشتر جست‌وجو کردم، اثری پیدا نکردم. در حالی که یافتن آن هم از آرزوهای من است و امیدوارم روزی روزگاری توفیق چاپ آن را پیدا کنم. دیگر اینکه بدیع زاده، فردی است نوگرا و خلاق و تأثیرگذار که از بطن سنت هنر مذهبی دوره خود برآمده و بعدها موسیقی پاپ ایرانی را پایه ریزی کرده است. با توجه به آثار ایشان، اگر او را پدر موسیقی پاپ ایران بخوانیم به خطا نرفته‌ایم و فراموش نکنیم که او آوازها و تصنیف‌های دلپذیری هم خوانده که در چارچوب سنت موسیقی زمانه او جا افتاده و مقبول تلقی می‌شده است. اگر به صفحه آواز بیات ترک او توجه کنیم، می‌شنویم که او میراث دار سنت آوازی منبریان خوش صدایی است که در کودکی او حیات داشتند، اگر به

بگذارید اولین سؤالمان این باشد: چرا «خاطرات»؟ و چرا اول از همه «بدیع زاده»؟

سؤال دو قسمتی شما خیلی موزن است ولی جواب مفصل لازم دارد! البته می‌توانم جواب موزن هم بدهم: چرا خاطرات، نه؟ و: برای اینکه بدیع زاده در دسترس تر بود. ولی از این شوخی کوچک که بگذریم، حرف‌هایی دارم که موزن نیست ولی به قول قدیمی‌ها «اطناب ممل» هم نیست. اولاً خاطره نگاری و ثبت خاطرات از شیرین‌ترین و زنده‌ترین بخش‌های کار برای یک تاریخنگار است که البته بنده ادعای این عنوان را ندارم و هنوز برایم زود است. چون هنوز در کار جمع‌آوری اطلاعات هستم و متن تاریخی درست و استوار به صورت قابل قبول و حرفه‌ای نوشته. در اروپا و بویژه در انگلستان سالهاست که تاریخ شفاهی جدی گرفته شده و در این حوزه کارها می‌شود کارستان. آرشیوهای پرو پیمان و مفصل دارند که درهاشان برای اهل تحقیق باز است و زمینه کار بسیار گسترده. تکنولوژی فوق‌العاده سهل و آسان ثبت و ضبط و نگهداری صدا و تصویر هم این جریان را سریع‌تر و پربرآورد کرده است. بگذریم از اینکه پایه‌ریزی و بقای این کارها ربطی به تکنولوژی ندارد. بلکه ربط پیدا می‌کند به حافظه تاریخی یک ملت و تعهد درونی اهل فرهنگ به ثبت دقیق و نگهداری امانت‌دارانه گذشته خود که بهتر است مادرباره آن حرف نزنیم چون پیشاپیش به نتایج اسف انگیزی می‌رسیم و اگر خیلی هم بخواهیم پافشاری کنیم، از همان اول راه ناامید می‌شویم و به حکم عقل کارندیش، در این راه پانمی گذاریم. در حالی که موتور محرکه این قبیل کارها، در اول و آخر راه، همان علاقه و عشق است؛ و عقل تنها نقش راهنما و چراغ راه را دارد. دلمشغولی و کار مورد علاقه بنده، تاریخ موسیقی معاصر ایران است. یعنی تاریخ موسیقی ما از همان زمانی که ما کم‌وارد عصر جدید می‌شویم، مفهوم زمان تقویمی، تقسیم‌بندی زمان بر اساس کمیت و نگاه عینی - کاربردی نسبت به آن را در می‌یابیم. یعنی از همان زمانی که وارد «تاریخ» می‌شویم. تاریخ زنده انسان‌ها و زندگی واقعی ما نه زمان اساطیری و افراد «مثالی». از همان زمانی که موسیقی ما هم رفته رفته ساختارهای تازه و حس‌های جدید و فضاهای متفاوت را تجربه می‌کند و مثل همیشه که در طول تاریخ از فرهنگ‌های مختلف وام گرفته و مصالح آنها را «ایرانی» کرده است، این بار از غرب - یعنی بیشتر فرهنگ اروپا - وام می‌گیرد و نوسازی خود را اعلام می‌کند. بخش اعظم داشته‌های ما از گذشته موسیقی‌مان مربوط به همین دوره است که حوزه انتخابی و تخصصی دلمشغولی من هم هست. نوشتن شرح حال و وقایع نگاری و نیز خاطره‌نویسی از همین زمان شروع می‌شود و موسیقیدان ایرانی - یعنی موسیقیدانی که در فضاهای تمدن شهری زندگی می‌کند و از خلقیات بومی و روستایی دور می‌شود - بتدریج می‌فهمد که غیر از حیات درونی و باطنی خودش، نقش اجتماعی و «جا پای» تاریخی هم دارد و دیگر یک وجود مثالی در زمان اساطیری نیست. در اثر همین «نگاه به خود از بیرون» است که انگیزه «نوشتن» در او بیدار می‌شود و اگر شرایط حاکم در فضاهای همیشه منتقن قدمایی، اجازه بدهد، قلم به دست



شفاهی (ضبط شده) دارم ولی هیچ کدام از بسط و گسترش و ساختار منسجم برخوردار نیستند تا به صورت یک کتاب مستقل چاپ شوند و شاید روزی روزگاری همه در یک جنگ یا مجموعه خاص، کنار هم به چاپ برسند. خاطرات بدیع زاده این چنین نبود. هم مفصل بود و هم مدون و پاکیزه و راستش اگر بعد از هشت سال دوری از این کار، دوباره به صرافت گردآوری خاطرات افتادم، یکی از قوی‌ترین انگیزه‌های آن همین کتاب خاطرات بدیع زاده بود.

در سال ۱۳۷۸ پیشنهادی کتبی دادم به آقای جعفر همایی مدیر توانا و شایسته نشر «نی» که گردآوری خاطرات موسیقیدانان (با همان خصوصیتی که گفتم) آغاز شود و طی مجموعه‌ای چند جلدی با ترتیب یکسان و حتی یونیفرم مخصوص روی جلد چاپ شود و به انجام رساندن کار از مذاکره با خانواده صاحب خاطرات تارسیدگی به متن نهایی آن - یعنی در آستانه لیتوگرافی - به عهده بنده باشد. می‌دانستم که کتابچه خاطرات مرحوم بدیع زاده خوشبختانه موجود است و از بین نرفته و نسخه‌ای از آن در آلمان نزد یکی از پسران آن زنده‌یاد نگهداری می‌شود. با آقای دکتر کامران بدیع زاده (فرزند استاد و متخصص ارتوپدی که بعدها

پزشک معالجم شد) مکاتبه و ملاقات کردم و بعد از دوندگی‌های بسیار موفق شدم در ارتباط مستقیم با خانواده آن زنده‌یاد، متن تایپ شده آن را دریافت کنم. تنها دختر استاد یعنی سرکار خانم الهه بدیع زاده با نشر نی قرارداد بستند و بعد از ویراستاری اولیه‌ای که یکی از همکاران سابق نشر نی روی این متن زحمت کشیده بود، کار بر عهده بنده افتاد و نوشتن مقدمه تحلیلی، یادداشت متحدالواحد این مجموعه، ویراستاری و نمونه خوانی و تهیه فهرست‌ها حاصل کار بنده است. ناگفته نگذارم که اصل کوشش‌های این کتاب بر عهده خانم بدیع زاده بوده است که با زحمت فراوان عکس‌های نفیس و قدیمی را از گوشه و کنار جمع کردند، با بازماندگان خانواده‌های قدیمی تماس گرفتند و از هیچ همکاری و تلاش و صرف نیرو (حتی هنگام رنج ناشی از سانحه شکستگی دست) دریغ نکردند و در این کتاب به کوشش ایشان برای اولین بار اسناد رسمی - تاریخی ضبط صفحات گرامافون در یکی از استودیوهای آلمان سال‌های ۱۹۳۰ دیده می‌شود که برای محققان تاریخ تحول ضبط اصوات در ایران فوق‌العاده جالب و خواندنی است.

این مجموعه خاطرات چند جلد می‌شود و جلد‌های بعدی در مورد چه کسانی است؟

درست نمی‌دانم در آخر کار چند جلد خواهد شد؛ تا هر جا که شرایط اجازه بدهد. ولی می‌دانم که از ۵ جلد کمتر نخواهد شد. شماره دوم این کتاب، خاطرات به‌جامانده از مرحوم مهدی کمالیان هنرشناس نامی ایران است که با تلاش آقای بهروز مبصری جمع‌آوری شده و کتابی است بسیار خواندنی و مهم؛ و نقش بنده هم در این کتاب مثل همان جلد قبلی است، باین تفاوت که در توضیح نقش هنری و شرح حال هنرمندان پانویس‌ها و عکس‌های زیادی را به این کتاب علاوه کرده‌ام که برای مطالعه کنندگان ناآشنا، قابل فهم و زمینه‌آشنایی با موسیقیدانهایمان باشد.

جلد سوم، خاطرات مرحوم محمدحسن خان

ترانه «خزان عشق» گوش کنیم متوجه می‌شویم که او چقدر ظریف، تحول روح زمانه و چرخش تدریجی سلیقه موسیقی عصر خود را درک کرده و اگر «گل پرپر» و «هدیه به خاک» و نیز ترانه‌های فکاهی او را بشنویم، در می‌یابیم که خواندن این آثار در هفتاد سال پیش چه جسارت و اعتماد نفس زیادی را می‌طلبیده است. چنین آدمی هیچ وقت امکان نداشته که ناآگاهانه عمل کند و نداند که چه می‌کند. چنین کسی می‌تواند روایت‌کننده زندگی خود و وقایع زمانه‌اش باشد.

از طرف دیگر، بدیع زاده با سایر خوانندگان عصر خود، فرق‌های کلی دارد. اهل «ادبیت و عریبت» است. از کودکی با کتاب و قلم انس داشته، زبان‌دان و پر مطالعه بوده و ذوق سخنوری و نویسندگی و طنزپردازی هم در او به حد کمال بوده است. در حالی که خیلی از بزرگ‌ترین خوانندگان هم عصر او حتی سواد خواندن و نوشتن هم نداشتند. خاطراتی که نوشته، دارای سبک نویسندگی نیست و خودایشان هم احتمالاً چنین ادعایی نداشته است ولی از لحاظ فارسی‌نویسی، درست و روان و بی‌عیب است. از این رو، هم حق پیشکسوتی و هم مزایای او باعث شد که خواه ناخواه نفر اول «مجموعه خاطرات اهل موسیقی» باشد.

از این مجموعه خاطرات، برایمان بیشتر بگویید.

سال ۱۳۷۰ که در سازمان اسناد ملی ایران به همراه دوستان محقق و دانشمندم، آقایان کاوه بیات و مجید تفرشی، رفت و آمدی داشتم و در مجله «گنجینه اسناد» مقاله‌ای نوشتم، طرحی نوشتم برای راه‌اندازی بخش تاریخ شفاهی که هدف آن ضبط صدا و تصویر (متحرک) افرادی بود که حاوی دانسته‌های تاریخی بودند. البته قصد من از این طرح تمرکز بر موسیقیدانانی بود که علاقه بر آنان داشتم ولی مسئولان وقت، ظاهر اهمیت برای تاریخ هنر قائل نبودند و تاریخ را صرفاً از منظر سیاسی و حداکثر اجتماعی می‌دیدند. بر سر آن طرح نمی‌دانم چه آمد و هیچ وقت هم با بنده صحبتی نشد ولی شنیدم که بعدها به صورت دیگری این کار پیگیری شده است و افرادی از سازمان (شاید بعضی دانشجویان رشته تاریخ و یا کارمندان آن سازمان) فرستاده شده‌اند تا با اهل هنر مصاحبه کنند و اسناد ضبط شده را نگهداری کنند. اما همه کاستی‌هایی که حتماً در این جریان بوده (و مهمترین آن، نبودن افراد صاحب نظر و وارد به موضوع در کار خطیر گفت‌وگو با هنرمندان است)، باز هم جای خوشحالی است که این کار در سطحی محدود انجام گرفته است. بنده این کار را در چارچوب و فعالیت‌های شخصی و بدون دل‌بستگی به جایی انجام دادم و توانستم آثاری پراکنده جمع کنم. شاید اگر یک مرکز دولتی با پشتوانه و اعتبار رسمی و بودجه اندک ولی مرتب این کار را تقبل می‌کرد بهتر بود ولی تجربه همیشه نشان داده است که در این امور نمی‌شود معطل هیچ‌جا و هیچ‌کس شد و باید به تنهایی اقدام به کار کرد. متأسفانه بیشتر اهل موسیقی بخصوص سالخوردگان رغبت و تمایلی به ضبط خاطراتشان نداشتند و خوب، این خودداری علت‌های زیادی دارد که در مقاله‌ای به آنها پرداخته‌ام. هر چه بود، بدترین اسباب دلسردی در این کار، همین دوری و خودداری بود. به طوری که در حال حاضر، خاطرات پراکنده بسیاری از بعضی موسیقیدان‌ها به صورت کتبی و

عَدّاری یکی از بهترین شاگردان محضر استاد علی اکبر شهنازی است.

مرحوم عَدّاری نوازنده تار و مکتبدار استاد شهنازی در تبریز بوده و تا به حال، اولین و تنها موسیقیدان شهرستانی است که شرح احوالی از خود و روزگار خود نوشته و چاپ کرده است. این کتاب، حدود سی سال پیش یک بار در تبریز و در نسخه‌های محدودی چاپ شد و باینکه مطالب جالب توجهی دارد، از حیث نوع نگارش و نثرنویسی و کیفیت کتاب‌پردازی (حروفچینی، عکس‌ها، اسناد و ترتیب بندی) در کیفیت بسیار نازل و تأسف‌آوری بوده است. به طوری که دیگر تجدید چاپ نشد و حتی به ناحق مورد طعن و کنایه بعضی از اهل موسیقی هم بود. این کتاب را با زحمت بسیار، فصل بندی و مرتب کردم و همه را از سر نو نوشته، عکس‌های قدیمی را اصلاح کردم و با مکتبه‌ها و ارتباط گرفتن‌های گسترده، عکس‌های بیشتر نوشته و اسناد رسمی معتبر به همراه مصاحبه با دو تن از شاگردان او (آقایان عطا جنگوک و داریوش پیرنیاکان) را به آن اضافه کردم. امیدوارم این سخن را حمل بر خودستایی نکنید، صادقانه می‌گویم که وقت و انرژی فراوانی که بازسازی این کتاب از من برد، خیلی پیش از وقت و انرژی‌ای بود که برای نوشتن دو یا سه جلد از کتاب‌های خود می‌بایست صرف می‌شد. با همه این احوال و با اینکه از قبل پذیرفته بودم که به هر صورت، مالک قانونی حقوق مادی آن نیستم، با عشق و علاقه این بار را به منزل رساندم و از این کار خوشحال هستم. متأسفانه هرچه گشتم بازماندگان بلافصل و وراث قانونی مرحوم عَدّاری را پیدا نکردم و ناشر محترم هم به خاطر جلوگیری از هر برخورد احتمالی، انتشار کتاب را متوقف کرده است. با اینکه در مقدمه نوشته‌ام که با چند سال پیگیری هم نتوانستم افراد مذکور را پیدا

کنم و امیدوارم بعد از نشر این کتاب، برای دریافت حقوق خود به اینجانب مراجعه کنند، در اینجا باز هم می‌گویم که امیدوارم به این طریق بازماندگان بلافصل و وراث قانونی آن مرحوم را پیدا کنم و شرایط نشر این کتاب دلپذیر زودتر فراهم بشود. مشخصات جلد چهارم رانمی‌توانم بگویم زیرا شاید گردآورنده آن راضی نباشد که پیش از انتشار اثرش درباره آن مطلبی نوشته شود ولی همین قدر می‌توانم بگویم که خاطرات یک پیانیست توانای ایرانی است.

خاطرات چهار نفر از موسیقیدانان مهم قدیمی (یعنی مربوط به سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۲۰) هم در حال ضبط است که اگر به حد نصاب (یعنی کتاب بالاتر از صد و بیست صفحه) برسد، بلافاصله آماده چاپ خواهند بود.

آیا نام «از گلبنانگ محراب تا بانگ مضراب» از خود استاد بدیع زاده بود؟

خیر این نام را بنده روی کتاب گذاشته‌ام. آقای همایی معتقد بود که عنوان کلی «خاطرات...» جذاب نیست و برای مخاطب کشش ندارد. بهتر است برای هر کتاب نام بخصوصی انتخاب کنیم و «خاطرات اُفرد مورد نظر» را ذیل آن بگذاریم. من برای هر کتاب به مقتضای مطالب و در ارتباط مستقیم با آن عنوانی را انتخاب می‌کنم و اتفاقاً مورد لطف و عنایت دوستان هم واقع شده است.

نام کتاب‌های بعدی چیست؟

خاطرات استاد مهدی کمالیان «گفته‌ها و ناگفته‌ها»، خاطرات محمدحسن خان عَدّاری «راه دور و رنج بسیار»، نام خاطرات آن پیانیست توانا هنوز انتخاب نشده است. نکته‌ای بگویم و آن تشابه بعضی از این نام‌ها با نام کتاب‌های دیگر است که دوستان مطلع، تذکر دادند و برایم خیلی شگفت‌انگیز بود. مثلاً نام کتاب

آقای خسرو احتشامی هونه‌گانی درباره علامه جهانگیر میرزا قشقای، «از مضراب تا محراب» است و نام یکی از کتاب‌های خاطرات سیاسی درباره دکتر محمد مصدق، «ناگفته‌ها و گفته‌ها» یا عنوانی در همین حدود است. البته تا جایی که بتوانم از شبیه‌سازی دوری می‌کنم زیرا عرفاً و اخلاقاً درست نیست و در فهرست مداخل و برگه‌ها کتابخانه‌ها هم اشکالات کوچکی



● میرعلی نقی:

خاطرات، فقط سایه‌ای

از زندگی است

همه زندگی نیست

ایجاد می‌کند. بهترین عنوان‌ها همیشه از اشعار معروف انتخاب می‌شوند. مثل همان عنوان کتاب خاطرات مرحوم عَدّاری که برگرفته از شعر معروف ملک‌الشعرا ی‌بهار است: «چه ذلت‌ها کشید این ملت زار، در یغ از راه دور و رنج بسیار»، که به زعم بنده واقعاً گویای شرح حال و زندگی پر مشقت مرحوم عَدّاری است.

به نظر شما این خاطرات چه اهمیتی دارند؟

اول هر کتاب در متن متحدالواحدی که با عنوان

گفت‌وگو

ف. پیکانی خراسانی

گفت‌وگو با کامران سپهر مؤلف کتاب «رد پای تزلزل»

رمان‌های تاریخی ایرانی و نگاه جامعه‌شناسانه

هم که شده به مطالعه نزدیک این رمان‌ها بپردازم و به تشریح این وضعیت بپردازم. خوشبختانه اتفاقات دیگری افتاد.

چه اتفاقی؟

محقق هنگامی که در حال جمع‌آوری داده‌هاست، در شرایط کسالت‌آوری قرار دارد؛ این کسالت وقتی شدیدتر می‌شود که شما از پیش بدانید به کجا رهنمون خواهید شد. مثل «رمان‌های جنایی که نویسنده آن می‌داند که قاتل کیست. این وضعیت شاید برای خواننده جذاب باشد اما برای خود نویسنده که صرفاً باید به

اسباب و علل بپردازد، نه. حالا اتفاقی که افتاد این بود که در همان مراحل ابتدایی رفته رفته متوجه شدم که پایان کار به هیچ وجه مشخص نیست و باید بر این گفتار قالبی که این آثار را مبلغانه محض می‌خواند، خط قرمز کشید.

به کجا رسیدید و برای این به قول شما گفتار قالبی چه بدیلی پیشنهاد کردید؟

من به این نتیجه رسیدم که گونه‌ای بی‌تصمیمی و تزلزل به این رمان‌ها وحدت زیبایی شناختی می‌بخشد، این، چه در شکل رمان‌ها که بسیاری از آنها نیمه‌کاره رها می‌شوند و یا از روایت‌ها و ماجراهای پراکنده و بی‌سرنجام شکل می‌گیرند، حضور دارد و چه در محتوا. بیش از آنکه ما با ایران مفتخر سر و کار داشته باشیم، با ایران محض ریاوروییم. قهرمان‌های رمان‌ها به جای ثبات قدم، دودل هستند و در تردید به سر می‌برند. از این رو به نظرم این رمان‌ها به نحوی بی‌بدیل، چیسیتان همیشگی دوره بیست ساله را در خود دارند؛ همراهی و همدلی نخبگان با دولت سرکوبگر مدرن و سپس طرد آن، که به سبب پیوستگی و تداخل این دو امر بسیار غیر عقلانی می‌نماید، به طریقی که تنها از پس ادبیات برمی‌آید در خود جذب کرده‌اند.

کتاب شما، گونه‌ای مطالعه جامعه‌شناسانه در این حوزه است.



«رد پای تزلزل» نخستین پژوهش کامران سپهر است که از زاویه‌ای نو و تازه به رمان‌های تاریخی ایران در دهه‌های اول قرن معاصر پرداخته است؛ زاویه‌ای که به قول ناشر انتشارات شیرازه تا کنون پژوهشی از این منظر صورت نگرفته است.

چه انگیزه‌ای سبب شد تا به سراغ این موضوع بروید و چرا این دوره تاریخی را برای کارتان انتخاب کردید؟

فکر می‌کنم علیرغم اینکه مدام از اهمیت پژوهش صحبت می‌شود، حداقل در حوزه ادبیات با چنان برهوتی مواجهیم و چنان عرصه برای پژوهشگر

گشوده است که مسأله انگیزه به خودی خود منتفی است.

می‌ماند انتخاب که دوره بیست ساله مورد نظر، شروع رسمی ادبیات مدرن در ایران محسوب می‌شود و چنان‌که در بخش نخست این کتاب گفته‌ام پا گرفتن نهاد رمان نیز در این دوران رقم می‌خورد. بدین ترتیب برای ما که ملت‌هاست در جست‌وجوی اسباب وضع کنونی به سراغ رنج‌های می‌کنیم، انتخاب این دوره طبیعی به نظر می‌رسد. اما اینکه چرا رمان تاریخی؟ حقیقت این است که توجه من به مغفول ماندن ادبیات عامه‌پسند این دوره را کاوه بیات سبب شد. طبیعاً برای آنکه پژوهش پیش برود، حوزه پژوهش باید محدود می‌شد، لذا به ناچار گونه رمان تاریخی را که یکی از موفق‌ترین گونه‌های ادبی این دوره است، انتخاب کردم.

پیش فرض‌های شما در این پژوهش چه بود؟

پیش‌فرض من نکته‌ای بود که تاریخ‌نگاری‌های ادبی - که به مقتضای بحث به این دوره نیز پرداخته‌اند - بارها به آن اشاره کرده‌اند. رمان‌های تاریخی این دوره ابزاری برای اشاعه افکار ناسیونالیستی بودند که توسط حکومت ترویج می‌شد. به عبارت دیگر ما با گونه ادبی مبلغانه سر و کار داریم. هدف من هم این بود که بر این اساس برای یک‌بار

«یادداشت دبیر مجموعه» نوشته شده، اهمیت این خاطرات را شرح داده‌ام. نکته مهمتر از آن، این است که موسیقیدان‌های ما اهل این نیستند که از خود بنویسند و کسی هم نیست که آنها را به این کار ترغیب کند. اسناد و مدارک تاریخی موسیقی ما عملاً یا از بین می‌رود و یا از کنج آرشیوهای شخصی بیرون نمی‌آید. بنابراین خاطرات می‌توانند خیلی هم مهم باشند و برای تاریخ‌نویسان بعدی به کار بیایند. امیدوارم در شهرستان‌ها هم علاقمندان دست به کار شوند و مجموعه خاطرات استادان سالخورده شهر خود را ضبط و نگهداری کنند تا فرصت نشرشان پیدا شود.

در خاطرات استاد بدیع زاده، وقایع‌نگاری بیشتر محدود به شرح احوال خانواده اوست و یا دوستان معدودی که داشته است و از مسائل و وقایع موجود در فضای موسیقی عصر او اثری نیست. نظر شما چیست؟

نمی‌دانم، نظر مشخصی ندارم. نمی‌شود چون و چرا کرد که چرا فی‌المثل نویسنده کتابی، مطالبش را این طور نوشته و آن طور نوشته است. هر چه هست، همین است که هست و باید بپذیریم و از آن استفاده کنیم. واقعاً نمی‌دانم چرا در خاطرات این مرد فعال و حساس و هوشیار از وقایع تاریخی موسیقی در پنجاه سال فعالیت او اثر چندانی خوانده نمی‌شود شاید همان حس محافظه‌کاری ملی ما باعث شده باشد، شاید ضعف و کم‌حوصلگی دوره پیری (یادمان نرود که این خاطرات دو بار گم شده‌اند و مانوسه سوم رادر اختیار داشته‌ایم) و شاید هم کراهت باطنی او از فضای موسیقی دوره خودش دست‌اندرکار باشد. از بازماندگان ایشان شنیده‌ام که دلش نمی‌خواست فرزندانش در فضاهای موسیقی وارد شوند و خودش هم بیشتر با ادبا و نویسندگان معاشر بود. نمی‌دانم، خاطرات، فقط سایه‌ای از زندگی است. همه زندگی نیست.

سراست‌ترین پاسخی که می‌شود داد، خیلی ساده این است که طبیعتاً آثاری که بیشتر از سوی خوانندگان زمانه‌ای خاص باقبال مواجه می‌شوند، در مقایسه با آثار نخبه‌پسند، سویه‌های متنوع اجتماع زمانه خود را بهتر می‌توانند آشکار سازند و دیگر آنکه، آثاری که شاهکارشان می‌خوانیم صرفاً با تحلیل در انزوای آنها نیست که می‌توانیم به درکشان نائل شویم، بلکه باید بدانیم از میان چه حجم انبوهی آثار، این شاهکارها برخاسته‌اند و چگونه مضامینی مشترک را به ارتقا رسانده‌اند و در حقیقت در بسیاری از موارد این آثار عامه‌پسند به نحوی شگفت همچون کلیدی برای دریافت پیچیدگی‌های آثار متعلق به ادبیات والا عمل می‌کنند.

چرا ایرانیان به خواندن آثار تاریخی که آمیخته با گرافه‌گویی و آرمان‌گرایی (درباره شخصیت‌های تاریخی) است، این همه علاقمندند؟ آیا می‌توان برای آن دلیل جامعه‌شناسانه آورد و یا اینکه دلیلی روانشناسانه هم برای این رفتارشان سراغ دارید؟

این مختص به ایرانیان نیست و فکر می‌کنم پاسخ را باید در ابتدا در خود حوزه ادبیات جست. در این روزها شاهد جنجالی بودیم که در فرانسه و در زادگاه الکساندر دوما بر سر به خاک سپردن او در پاریس رخ داد.

محبوبیت بی‌حد و حصر یک رمان‌نویس تاریخی که هیچ‌گاه در دره نخبگان ادبی قرار نگرفت. اما همین شخص آنچنان روایت تاریخی خود را با مهارت ارائه می‌دهد که همچنان خوانندگان را مجذوب و راه را برای اقتباس‌های سینمایی باز گذاشته است.

از یاد نبریم که از میان تمامی گونه‌های رمان در قرن نوزدهم که قرن رمان خوانده می‌شود، رمان تاریخی در جایگاه نخست قرار می‌گیرد. برای ایرانیان سابقه و داشتن سنت غنی قصه‌ها و افسانه‌های تاریخی مزید بر علت می‌شود. شاید در زمانه ما این محبوبیت کم‌رنگ شده باشد، اما همچنان حضور دارد. هر چه باشد رمان از سویی دستی در واقعیت دارد و از سوی دیگر پای در امور خیالی و رمان تاریخی. یخبویی به این ترکیب وجودی رمان پاسخ می‌دهد و برای خوانندگان، با یک تیر دو نشان زدن هر چقدر هم که سطحی باشد، بالاخره واقعیتی است. خواننده هم از تاریخ آگاهی می‌یابد و هم سرگرم می‌شود. ولی چرا برای آگاهی سراغ تاریخی به قول شما آمیخته با گرافه‌گویی برود؟ به نظر بهترین پاسخ را از طریق تحلیل ساختارهای روایتی رمان‌های تاریخی و تأثیر روانشناختی آنها می‌توان گرفت که خود بحثی دیگر است.

گفت و گو با جعفر جلالی
کتابفروش شهر کتاب منطقه ۵

یک کتابفروشی تازه در منطقه ۵ شهرداری تهران

هفته گذشته کتابفروشی ۴۰۰ متری و دوطبقه شهر کتاب میدان نور (منطقه ۵ شهرداری) آغاز به کار کرد. تجربه کتابفروشی های بزرگ (از جمله کتابفروشی نیاوران) تجربه ای موفق بوده است، بخصوص که شهر کتاب میدان نور در منطقه ای بدون کتابفروشی ایجاد شده و می تواند به عنوان یک مکان فرهنگی مناسب سهمی در گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی داشته باشد. با کتابفروش این مجموعه گفت و گویی انجام داده ایم که می خوانید.

آقای جلالی! چند سال سابقه کار دارید؟
۷ سال.

چند ساله هستید؟
۲۹ ساله.

قبل از اینکه وارد این حرفه شوید به کار دیگری اشتغال داشتید؟
بله، قبلاً در زمینه عکس و فیلمبرداری فعالیت می کردم. چطور شد حرفه قبلی اتان را رها و کتابفروشی را انتخاب کردید؟
(کمی مکث می کند) سانحه تصادف تصادف باعث شد که نتوانم به کار تخصصی ام که عکاسی و فیلمبرداری بود، ادامه دهم و از آنجایی که به کار فرهنگی و کتاب علاقمند بودم توسط یکی از دوستانم به آقای قدیانی معرفی شدم و نزد ایشان شروع به کار کردم.

از همان ابتدا مسئول فروش کتاب بودید؟
نه، من بیشتر در زمینه نمایشگاههای کتاب فعالیت داشتم و قبل از این کار مدتی در بخش تولید و پس از آن در بخش چاپ و فنی مشغول بودم، تا اینکه آقای قدیانی من را به عنوان مسئول فروش انتخاب کردند. یعنی امسال اولین سالی است که در کار فروشنده به عنوان مسئول فروش مشغول به کار هستید؟
بله.

فعالیت در بخش نمایشگاه بهتر بود یا در بخش فروشگاه؟
فکر می کنم در بخش نمایشگاه.

چرا؟

چون تنوع کار در بخش نمایشگاه بیشتر بود. یعنی از بخش فروش راضی نیستید؟
چرا! با توجه به اینکه در فروشگاه کامپیوترهایی جهت اطلاع رسانی برای مراجعه کنندگان و آمارهایی جهت فروش و... هست، این کار هم برایم جالب است و راضی هستم. در فروشگاه دو کامپیوتر است که اولی تمامی کتاب های ۱۰ سال گذشته را در خود دارد و دومی کتاب های فروشگاه را با بارکد در خود جای داده است. در هر حال مشتری اگر کتابی را بخواهد که ما نداشته باشیم، دو روزه آن را تهیه و به فروشگاه می آوریم. کتابفروشی شهر کتاب چند روز است که تأسیس شده است؟
از پنجشنبه هفته گذشته تأسیس شده، ولی ما کارمان را به طور رسمی از ۱۰ روز قبل شروع کردیم.

مساحت کتابفروشی چند متر است؟

۴۰۰ متر.

در این متراژ چند عنوان و جلد کتاب موجود است؟
۵۰۰۰ عنوان کتاب در این فضا موجود است. شهر کتاب شامل ۲ طبقه است که طبقه بالای آن برای کتاب های کودکان و نوجوانان است که حدود ۴۰ هزار جلد کتاب به همراه اسباب بازی و کتب خارجی موجود است و در طبقه پایین ۱۲ هزار جلد کتاب برای سنین بالای نوجوانی قرار دارد.

در کنار کتاب، نوار و CD هم می فروشید؟

بله. نزدیک به ۹۰۰ کاست و نوار موسیقی در کنار کتاب ارائه می شود. با توجه به اینکه این کتابفروشی تازه تأسیس شده، فرصت استقبال چگونه است؟

واقعاً ما استقبال مردم راضی بودیم، حتی دور از انتظار بود، وقتی مردم جهت خرید و تهیه کتاب به ما مراجعه می کردند، احساس خرسندی می کردند. کتابفروشی های دیگری هم در جوار شهر کتاب هستند؟
نه، در این منطقه تعداد کتابفروشی بسیار اندک است. بیشتر از چه نوع کتاب هایی استقبال می شود؟
از کتاب های موسیقی، نقاشی و طراحی.

از انتشارات دیگر هم کتاب می آورید؟

بله. انتشارات خانه ادبیات، انتشارات عسل، انتشارات نیلی و نشر افق. آقای جلالی! اگر کار دیگری با شرایط بهتر به شما پیشنهاد شود، این حرفه را رها می کنید؟

شاید باور نکنید که از طرف همکارانم که عکاس و فیلمبردار هستند از من تقاضای همکاری شده و همین طور از طرف انتشاراتی های دیگر. ولی من ترجیح می دهم در کنار آقای قدیانی به فعالیت بپردازم و واقعاً از حرفه ام راضی هستم.

گفت و گو با حسین مهدیان، مدیر دفتر نشر فرهنگ اسلامی به بهانه گشایش «بوستان کتاب»

چراغی که باید روشن بماند...

اگر بخواهیم از احیا یا ترمیم فرهنگ کتابخوانی سخنی بگویم، ناشران در این میان چه اندازه می توانند نقش آفرینی کنند؟

وظیفه و مسؤلیت ما در شرایط فعلی بسیار سنگین است، پاسخگویی به شبهات فرهنگی و مذهبی جوانان و مخاطبان امروز کتاب، کار آسانی نیست و حساسیت های خاص خود را به همراه دارد. کتاب یکی از ابزارهایی است که به واسطه آن، هویت فرهنگی انقلاب اسلامی را تقویت می کنیم و شکوفایی فکری نسل های بعدی را ارتقا می بخشیم. جذب نویسندگان خوش فکر و مبتکر که خیلی هم شناخته شده نیستند، از دیگر وظایفی است که در انجام آن باید سختکوش و حساس بود، همین نکته می تواند به ترمیم فرهنگ کتابخوانی و کتاب پژوهی (که شما گفتید) بینجامد. تا قبل از برپایی این بوستان کتاب، شاید ما هم فکر می کردیم که فرهنگ کتابخوانی باید احیا شود اما اکنون دریافته ایم که فقط به کمی ترمیم نیاز دارد زیرا این فرهنگ با توجه به مخاطبان تازه نفس و فهیم کتاب در کشور ما، نامیراست.

ناشران در شرایط فعلی باید حقایق مربوط به حوزه نشر را درک کنند و بر اساس ضرورت های روز به فعالیت های مکتوب بپردازند، بدون تردید، تلاش در آفرینش اثر مطلوب و تازه، سیل مخاطبان را به دنبال خود خواهد داشت، ناشر نباید صرفاً به تقویت مالی خود بیندیشد، باید ارتقای محتوا را هم همواره مد نظر داشته باشد.

به نظر شما بوستان کتاب تا چه زمانی، سبزی باقی خواهد ماند؟

یک بوستان، سرسبزی و طراوت خود را نباید هیچ گاه از دست بدهد، احساس می کنیم که حتی بعد از ماه این سرزندگی و نشاط فرهنگی مستدام خواهد بود، معاون فرهنگی وزیر ارشاد، آقای رمضانپور که در آغاز راه با ما همراهی خوبی داشته، قول داده است که بخشی هم به عنوان «تازه های کتاب» در مجموعه راه اندازی شود و به همت ایشان و همکارانشان، به رونق کار افزوده گردد. نشر را اگر چراغی فرض کنیم، خاموشی این چراغ تبعات بسیار بدی به دنبال دارد، باید این چراغ را همواره روشن نگاه داریم، بعد از ما هم کسانی باید پیدا شوند و بر فروغ این چراغ بیفزایند... زیرا این چراغ، چراغی است که باید روشن بماند.

به عنوان آخرین سؤال، لطفاً درباره برپایی نمایشگاه دائمی قرآن و عترت توضیحاتی ارائه کنید.

نمایشگاه دائمی قرآن و عترت با ارائه کلیه کتاب های حوزه علوم قرآنی شامل تفسیر و نام قرآن های چاپ کشورمان برای بهره برداری پژوهندگان و علاقمندان به فرهنگ اسلامی و قرآنی بزودی برپا خواهد شد، ضمناً ارائه کتاب هایی متناسب با دغدغه ها و نیازهای روز جامعه از بخش های تازه دیگری است که به مجتمع فرهنگی مطبوعاتی شمال تهران (بوستان کتاب) افزوده خواهد شد.

مهمترین انگیزه از برپایی نمایشگاه دائمی قرآن و عترت، ضعفی است که در بخش اطلاع رسانی این قبیل از کتاب ها در جامعه احساس می شود. کتاب های ناب و جالبی در حوزه علوم قرآنی و اسلامی منتشر می شود اما مخاطب از آنها بی خبر است. ادعیه ها و مطالب دیگری که حال و هوای عرفانی و آسمانی دارند و به نوعی ارتباط دهنده روح مخاطبان با ملکوت است، به صورت مناسب در جامعه تبلیغ و معرفی نمی شود. این نمایشگاه فرصتی را فراهم می کند که در این خصوص کاری انجام شود و حداقل سود این نمایشگاه، یک اطلاع رسانی خوب و مناسب است، از سوی دیگر پل ارتباطی که بین مؤلفان، ناشران و مخاطبان آثار مذهبی و دینی به وجود می آید اثراتی مثبت و درخور دارد که از نظر هیچ داندانه ای پوشیده نیست...

امیدواریم در این زمینه هم موفقیت هایی حاصل شود، مردم هم جماعت ناشر را خادم خود بدانند.

می خواهیم به بهترین تألیف ها در عرصه های داستان، شعر و آثار تحقیقی با موضوع امام حسین (ع) جوایز نفیسی بدهیم و خودمان هم به چاپ و انتشار آثاری با همین موضوع که مورد تصویب قرار می گیرد، اقدام کنیم. پنجاه سکه بهار آزادی برای بهترین اثر منتخب و تشویق قلم هایی که در این حال و هوای نورانی، خلاقیتی از خودشان نشان بدهند، در حقیقت می تواند یک اتفاق در حوزه نشر کتاب های مذهبی و ارزشی تلقی گردد، امیدواریم که استقبال خوبی از طرح شود و با توجه به خلأ قابل ملاحظه ای که در این زمینه وجود دارد، قدمی رو به جلو برداشته شود.

برگردیم به موضوع اصلی، یعنی بوستان کتاب و انگیزه ای که دفتر نشر فرهنگ اسلامی برای راه اندازی آن داشته است.

مدت هاست که احساس می شود در شمال شهر تهران، مضاف بر اینکه کتابفروشی اندک است، کتاب های مورد نیاز جامعه کمتر در آنجا یافت می شود و مخاطبان برای دستیابی به آثار مورد استفاده خود مجبورند به مرکز شهر بیایند. فکر اولیه راه اندازی این بوستان معطر، برمی گردد به همین خلأ که عرض کردم. استقبال چشمگیر مردمی و مخاطبان قابل احترام کتاب که همیشه مشوق اهالی نشر بوده و هستند از بوستان، تقریباً تأییدی بر این بود.



● حسین مهدیان: شعار ما «کتاب بهترین دوست و زیباترین هدیه» است که در این ارتباط سعی داریم فعالیت های تازه ای شروع کنیم

نکته است که دستیابی برخی از عزیزان به کتاب های مورد نیاز و علاقه خود آنها را پیش از این با مشکلاتی مواجه می کرد.

اکنون در این بوستان که در خیابان شریعتی، پشت حسینیه ارشاد، خیابان شهید ناطق نوری قرار گرفته، دوازده ناشر شاخص و نمونه، آثار خود را با درصدی تخفیف به بازدیدکنندگان عرضه می کنند که می توان به انتشارات آستان قدس رضوی، انتشارات سروش، امیرکبیر، کانون پرورش، نشر اسوه و نشر صدرا اشاره کرد.

حوزه هایی که در گزینش کتاب ها برای فروش در بوستان کتاب مورد توجه قرار گرفته اند، کودک و نوجوان، کتب دانشگاهی و دینی است.

فکر می کنید پای ناشران دیگر چه زمانی به بوستان باز خواهد شد؟ ناشرانی که جنبه خصوصی تری دارند و نیازمند حمایت هایی از این قبیل هستند. این هنوز اول راه است. ما کار را با دوازده ناشر قوی و شناخته شده شروع کرده ایم، ناشرانی که در سال های اخیر، عناوین و رتبه های ممتاز را در نمایشگاه ها و جشنواره ها تصاحب کرده اند و مسائل اصلی و امروزی نشر را می شناسند. قطعاً این راه ادامه خواهد یافت و ناشران دیگر هم به این قافله خواهند پیوست، ما معتقدیم که همیشه کار باید از یک جایی شروع شود و هنگامی که این اتفاق افتاد، می توان برای ادامه، به تصمیمات بهتری هم رسید.

وظیفه اهل نشر در شرایط امروز جامعه چیست؟

برای نخستین بار، بزرگترین مجتمع فرهنگی، مطبوعاتی با عنوان «بوستان کتاب» با حضور دوازده ناشر نمونه ایران در شمال تهران گشایش یافته است.

اجرای طرح بوستان کتاب که تولید آن را دفتر نشر فرهنگ اسلامی برعهده دارد، اگر چه عمر زیادی ندارد اما در همین مدت اندک، توانسته است توجه افکار عمومی و قشر کتاب پژوه تهرانی را به خود جلب کند.

باقی حرف ها درباره این «بوستان» را به نقل از باغبان آن، حسین مهدیان، مدیر عامل دفتر نشر فرهنگ اسلامی می خوانید:

به عنوان اولین سؤال، اگر ممکن است کمی درباره دفتر نشر فرهنگ اسلامی توضیح بدهید.

این دفتر از سال ۵۳ به بعد، خودش را پشت جلد کتاب های مذهبی، اخلاقی و علمی به مخاطبان خود معرفی کرد و تا مدت ها، همین مرکز انتشاراتی به صورت انحصاری پاسخگویی نیازهای معنوی و اخلاقی جامعه بود، البته بعد از پیدایش انقلاب اسلامی، ناشران دیگری هم ظهور یافتند و کار نشر را در مقوله های معنوی و آسمانی پیگیری کردند و توفیق هم یافتند، اما می توان گفت که اقدامات اولیه دفتر نشر فرهنگ اسلامی یک فتح الباب در این زمینه بود.

شهید محمدجواد باهنر، شهید بهشتی و تنی چند از دوستان ایشان، از اقدامات فرهنگی دفتر نشر حمایت می کردند و تا مدت ها نظرات هدایتگرانه این عزیزان، نقشی غیر قابل انکار در روند کار دفتر نشر فرهنگ اسلامی داشت. خیلی جالب بود که نامبرندگان با وجود مسؤلیت های سنگین حکومتی، مسائل و شرایط غیر عادی جامعه (با توجه به فعالیت های گروهک های ضد انقلاب در داخل و جنگ) با عشق، علاقه و بردباری امور مربوط به چاپ کتاب در این دفتر عنایت داشتند... و به صراحت می توان گفت که اگر امروز این دفتر توانسته است در حوزه انتشار کتاب های تأثیرگذار و مورد نیاز جامعه قدم مثبتی بردارد، مدیون آغاز مطلوبی است که داشته است...

با توجه به گذشت نزدیک به سه دهه از عمر این دفتر، آیا به کاری تازه و فکری متمایز از روند پیشین دست یافته اید؟

همان طور که می دانید کار فرهنگی همیشه، توأم با تحول و همراهی با فکرهای تازه بوده است اما بنای ما همواره تداوم امر نشر و فعالیت در مقوله توزیع فکر و اندیشه در جامعه است. دین، کودک و نوجوان، اخلاق و علم چهار حوزه اصلی است که در طول سال های فعالیت خود به آنها توجه کرده ایم و آثار متعددی فرصت چاپ و انتشار یافته اند که در هر یک از این چهار موضوع قابل تعریف هستند.

شعار ما «کتاب، بهترین دوست و زیباترین هدیه» است که در این ارتباط سعی داریم فعالیت های تازه ای شروع کنیم. جالب است بدانید که یک تیزر تلویزیونی هم در چارچوب همین شعار فرهنگی تهیه شده و در حال حاضر از شبکه های مختلف سیما پخش می شود. در این تیزر سعی شده به مخاطب قیولانده شود که کتاب راه می توان به عنوان «کادو» و «هدیه» به دوستان، نزدیکان و عزیزان داد. یک کار نمادین هم قرار است بزودی انجام بدهیم که جزئیات آن را در قالب یک فراخوان در اختیار مطبوعات قرار می دهیم، اصل مطلب، تشویق و ترغیب نویسندگان، شاعران و جوانان و نوقلمان نگارش آثاری با موضوع امام حسین (ع) است.

اگر ممکن است در این خصوص اطلاعات بیشتری بدهید.

امسال، به پیشنهاد رهبر انقلاب سال عزت و افتخار حسینی نام گرفته، عرصه نشر هم به فراخور حال خود باید در این زمینه حرکت هایی خودجوش از خود نشان دهد. ما بر حسب همین وظیفه

گفت وگو با داود هرمیداس باوند

نگرانی های کودکی

دانش آموز سال های دور این هفته ما دکتر داود هرمیداس باوند است. دکتر باوند، علیرغم آنکه در حوزه سیاست غوطه می خورند و مسائل سیاسی هم موضوعاتی خشک، جدی و خشن اند، اما از روحیه ای لطیف و طبیعی ظریف برخوردارند. وی عاشق ایران است و گویی نگرانی هایی که بابت سرنوشت ایران در دوران کودکی (سال های دهه ۳۰) ذهنش را از آزار می داد، هنوز هم در صدر نگرانی هایش قرار دارند. با هم این گفت وگو را می خوانیم.

آقای باوند! از علاقمندی اتان به کتاب در دوران دانش آموزی بگویید.

من از زمان کودکی وقتی که کلاس اول دبستان را تمام کردم به تاریخ بسیار علاقمند شدم، به همین دلیل روزنامه ها و خبرهایی که به نوعی با تاریخ ایران در ارتباط بودند را می خواندم.

دلیل این همه علاقمندی به تاریخ آن هم از آغاز دوران تحصیلی اتان چه بود؟

دلیل اصلی، بافت خانوادگی ام بود که در آن رشد و پرورش می یافتم. لطفاً بیشتر توضیح دهید.

پدر و پدر بزرگم در آن زمان با تاریخ و جریانات آن در ارتباط مستقیم بودند. آنها با قرار داد ۱۹۱۹ مخالفت کرده بودند و به دلیل همین مخالفت، بعد از کودتای رضاخان با پدرم برخورد های سیاسی صورت گرفت و ایشان تحت نظر بودند، چنان که تا پایان حکومت رضاخان مفتش ها در منزل ما زندگی می کردند و پدرم هیچ گونه آزادی نداشت و حتی اموالش را مصادره کرده بودند. تا اینکه از شهریور ۱۳۲۰ که رضاخان از ایران رفت و آزادی برقرار شد، این مشکلات هم برطرف شد. این اتفاقات مستقیم و جریاناتی که من در دوران کودکی ام در فضای خانواده ام می شنیدم و یا در موردش صحبت می شد، به نوعی در ذهن من تأثیر گذاشت به گونه ای که من هم نگران مسائل تاریخی می شدم که چه پیش می آید.

یعنی فضا و فرهنگ خانوادگی شما باعث علاقمندی شما به تاریخ شد؟

بله. من برخلاف بسیاری از هم سن و سالانم به تاریخ علاقمند بودم و حتی در جریان خبر های آن زمان قرار داشتم. با وجود اینکه در کودکی بازی می کردم، در حاشیه حرف ها و صحبت هایی که رد و بدل می شد را می شنیدم و همین مسائل تأثیر عمیق و شدیدی در روح و ذهن من ایجاد کرد، به گونه ای که من را به تاریخ بسیار علاقمند کرد.

با توجه به سن کمی که داشتید آیا مطالب روزنامه ها و اخبار را درک می کردید؟

یک قسمت هایش برایم قابل درک بود، چون در موردش بیشتر صحبت شده بود (در بین اعضای خانواده ام). برخی از بخش های آن، مثل شعری می ماند که آنها را حفظ می کردم و سپس به مرور زمان آنها را می فهمیدم. اما در حال ترجیح می دادم، بیشتر در مورد تاریخ ایران بخوانم و بدانم.

از چه زمانی مطالعاتتان در حوزه تاریخ به صورت جدی تری شکل گرفت؟

از دوران دبیرستان.

علاقه شما به تاریخ مانع خواندن کتاب های دیگر نمی شد؟

منظورتان چیست؟

مثلاً رمان.

انفقااً من ایام تعطیل علاوه بر کتاب های تاریخی همیشه رمان می خواندم.

در دوران دبیرستان چه رمان هایی می خواندید؟ «مرد نقابدار» و «بندربریج کتاب های پارادایان ها و... اولین کتابی که خواندید چه بود؟

یولی و رژی.

کتاب ها را چگونه تهیه می کردید؟

از کتابفروشی کرایه می کردم. یعنی بابت یک هفته نگهداری کتاب دو قران می پرداختم.

در دوره دبیرستان چه کتاب هایی می خواندید؟

در دوره دبیرستان، بخصوص کلاس نهم و دهم، به دلیل جریانات سیاسی ایران و ملی شدن صنعت نفت و... مطالعاتم با دوره های قبل تفاوت می کرد. همان طوری که قبلاً اشاره کردم تاریخ را به طور گسترده تری خواندم، مثلاً تاریخ ایران، تاریخ جهان و مسائل جامعه شناسی و برخی از کتاب هایی که در آن زمان رایج بود و بعد سیاسی داشت.

چه کتاب هایی؟

«خوشه های خشم» «موش ها و آدم ها» و... البته این کتاب ها در آن زمان زیاد ترجمه و منتشر می شد و قابل دسترس همه بود.

شما در بین صحبت هایتان اشاره کردید که روزنامه ها را به طور پیگیری می خواندید. ممکن است نام آن روزنامه ها را بگویید؟

بله. روزنامه های اطلاعات و ایران. البته روزنامه های دیگری هم منتشر می شد.



● هرمیداس باوند:

در دوران کودکی یا سنین پایین، به شخصیت ها دید رمانتیک داشتیم

به ادبیات علاقه داشتید؟ شعر هم می گفتید؟

بله. گاهی اوقات در دوران دبیرستان به دلیل دگرگونی های قلبی و روحی و... برای خودم شعر می گفتم.

علاقه شما به ادبیات از چه زمانی شروع شد؟

از دوران دبستان تا آنجایی که یادم می آید همیشه اشعار را بخوبی حفظ می کردم، حتی در فاصله زمانی زنگ تفریح ۲۰ خط شعر را حفظ می کردم. البته بعدها مطالعاتم در حوزه ادبیات عمیق تر شد.

از چه زمانی؟

از زمان دبیرستان دید عمیق تری به ادبیات پیدا کردم و با مکتب های متفاوتی مثل خراسانی، ترکستانی، عراقی، هندی و... آشنا شدم.

به کدام سبک بیشتر علاقمند بودید؟

بیشتر سبک خراسانی را دوست داشتم.

چه چیزی سبب می شد تا شما و خانواده اتان تا این حد به تاریخ ایران علاقمند و حساس شوید؟

شاید یکی از دلایل اصلی اش این بود که ما از ریشه ساسانیان بودیم و خود را تحت تأثیر آنها می دانستیم. این مسأله در منش و روش ما تأثیر بسزایی داشت، حتی در من که در آن زمان سنی نداشتم. در واقع این منش نسل در اندر نسل به ما منتقل شد. یعنی مجموعه فرهنگ خانوادگی، ایران گرایی را در ما به وجود آورد، چنان که همیشه بچه های ماسعی می کردند بزرگان و اجدادشان را به عنوان الگو قرار دهند؛ البته تاسنی خاص، چون ممکن است بعدها تجدید نظر کنند.

در خانه تان کتابخانه داشتید؟

بله. در کتابخانه کتاب های مهم تاریخ و نسخه های خطی فراوانی بود. متأسفانه بعدها، افراد نزدیک ما چون خواهرزاده ها و... کتاب ها را به کتابفروشی ها می بردند و در ازای یک جلد کتاب چند جلد کتاب از کتابفروشی می گرفتند. چون آنها اهمیت و ارزش نسخه های خطی را نمی دانستند و فکر می کردند اینها کهنه کتاب های بی ارزشی هستند.

نام چند کتاب تاریخی که در کتابخانه اتان موجود بود را به یاد دارید؟

بله. انواع انجیل در کتابخانه موجود بود. تمام کتاب های تاریخی و کتب تاریخی ایرانی مثل تاریخ طبری و روضه الصفا و تاریخ مورخان ایران و ترجمه تاریخ پطر کبیر یا فردریک کبیر که یادم می آید پدر بزرگم علاقه زیادی به آن داشت.

وقتی در دوران دبستان (کودکی) تاریخ می خواندید، کدام یک از شخصیت های تاریخی ایران برایتان جالب بود و جذابیت داشت؟

کوروش؟
کوروش همیشه برای من الگو بود حتی تا امروز. شخصیت کوروش برای من عجیب و شگفت انگیز بود، چون وی هم جهانگیر بود و هم تحولی در نظام آن زمان جهان به وجود آورد و مسأله همزیستی فرهنگی و آزادی مذهبی، تساهل و سازگاری نژادی و زبانی را مطرح می کرد.
خواندن کتاب های تاریخی در روحیه شما تأثیر داشت؟

بله. همیشه دوست داشتم قهرمان باشم؛ حتی در بازی هایم با دوستانم. یادم می آید وقتی که کشتی می گرفتم دوست داشتم همیشه من برنده باشم.
وقتی که به دوران دبیرستان رفتید دیدتان نسبت به شخصیت های تاریخی چگونه بود؟ آیا تغییری کرده بود؟

بله! در دوران کودکی یا سنین پایین، به شخصیت ها دید رمانتیک داشتم. بعدها که بزرگتر شدم و از شخصیت ها و زندگی آنها اطلاعات بیشتری کسب کردم، آن نگاه رمانتیک و آرمانگرایانه، بتدریج واقعی و واقعی تر شد.

مطالب تاریخی که می خواندید برای دوستانتان تعریف می کردید؟

نه.

چرا؟

بچه ها زیاد درگیر این مسائل نبودند و فکر می کنم علاقمندی من به تاریخ در آن سن به خاطر خانواده ام بود و بچه ها بیشتر درگیر بازی های کودکانه بودند، البته من مطالب تاریخی که می خواندم را برای نزدیکانم تعریف می کردم.

چند ساعت در روز مطالعه می کردید؟

ساعات خاصی برای مطالعه نداشتم، در آن زمان افراد خانواده (مثل الان) اتاق های جداگانه ای نداشتند و من مجبور بودم هر وقت که اتاق پذیرایی یا حیاط، خلوت می شد، مطالعه کنم.

مطالعه آزاد داشتید؟

بله. البته مطالعه آزاد بستگی به شرایط اجتماعی و سیاسی روز ایران داشت و بیشتر مطالعات حول و حوش آن مقوله ها بود.

چه چیزی آرامش شما در دوران دانش آموزی اتان را بر هم می زد و مختل می کرد؟

من در آن زمان به مسائل ایران و آذربایجان شدیداً حساس بودم چون در آن زمان نیروهای شوروی از آذربایجان خارج نمی شدند و من همیشه نگران بودم و اخبارش را پیگیری می شدم. هر چیزی که به تاریخ ایران و کشورمان آسیب وارد می کرد من را نگران می کرد. در واقع این نگرانی جزء نگرانی های کودکانه ام بود. برخلاف بچه های هم سن و سالم که درگیر بازی و... بودند.

در دوران دبستان تنبیه رایج بود؟

بله. حتی یادم می آید که من همیشه به خاطر تأخیر (۲ دقیقه ای) در رفتن به مدرسه از طرف مدیر مدرسه تنبیه می شدم.

با توجه به اینکه شما به تاریخ علاقه داشتید آیا پدرتان توصیه می کردند کتاب خاصی را بخوانید؟

بله. همیشه می گفتند کتاب «پطر کبیر» را بخوان و در مورد پطر کبیر برایم صحبت می کردند که چگونه برای ارتقای کشور روسیه به عنوان کارگر به هلند رفت و در کارخانه های کشتی سازی کار کرد و فنونی را فرا گرفت و وقتی به روسیه برگشت وضعیت کشور روسیه را ارتقا بخشید و...



شعبان و مرداد

نصرالله حدادی

تقریباً پنج ماه پیش بود که در آمریکا، خاطرات شعبان جعفری به چاپ رسید و حدس زده می شد که بازتابی در داخل کشور داشته باشد.

واکنش جالب توجه چاپ این کتاب از سوی پنج، شش ناشر داخلی و استقبال نسبتاً خوب از آن، بیانگر نکات بسیاری است، چنانچه از آن بیاموزیم. چاپ «خاطرات» در سال های گذشته همواره جذابیت های خاص خود را داشته و همچنان می تواند بسیاری از «اهالی کتاب» را متوجه خود سازد. نکته حائز اهمیت در چاپ این گونه خاطرات، مقدمه و حاشیه نویسی هایی است که با برای دریافت مجوز صورت می گیرد و یا آنکه برای روشن تر شدن موضوع، نوشته می شود، امری که در هر صورت نمی تواند چندان مؤثر افتد. چاپ خاطرات شعبان جعفری، چهره عجیب تاریخ معاصر ایران، آن هم در شمارگانی جالب توجه، نشانگر آن است که هنوز تکه هایی از «پازل» تاریخ ایران توسط عناصر «شریک قدرت پهلوی» تکمیل نشده و همچنان این نیاز وجود دارد که باز هم نوشته شده، تا تکه های افتاده و نآفخته «پازل قدرت» تکمیل شود.

کمتر کتابی در سال های پس از وقوع انقلاب اسلامی را می توان شاهد بود که در خارج از کشور به چاپ رسیده و در داخل کشور مجال چاپ نیافته باشد. از آثاری که به زبان اصلی نوشته شده تا کتاب هایی را که رجال و قدرتمندان دربار پهلوی اول و دوم به زبان فارسی نوشته اند. استقبال از خاطرات عناصر مؤثری همچون عباس قره باغی آخرین فرمانده ریاست ستاد ارتش شاه تا پرویز راجی و کتاب سازی هایی همچون خاطرات فریده دبیا، از موارد قابل ذکری است که ذهن مردم ما را همچنان مشغول داشته، تا تکه های گمشده و تاریک «پازل» رفته رفته پیدا شوند.

شعبان جعفری چهره شناخته شده تکه ای از «پازل قدرت» پهلوی، برای دو دسته از مردم ما بسیار آشناست. اول: آن گروه که سن و سالی به قدر درک «نهضت ملی شدن نفت» دارند و آن را به چشم دیده اند، دوم: آنانی که تاریخ معاصر ایران را به خوبی کاویده اند. شعبان جعفری از معدود افرادی است که به رغم داشتن نقش مؤثر در ایجاد بلوا و آشوب خیابانی و شراکت مستقیم در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، هرگز «تاریخ مصرف» اش سر نیامد.

تمامی عناصر مؤثر کودتا یکی پس از دیگری از صحنه قدرت رانده شدند و تنها معدودی که «شم» خوبی داشتند، توانستند موقعیت خود را حفظ کنند. فضل الله زاهدی، تیمور بختیار و دهها افسر خائن و مزدور دیگر، به سرعت از گردونه قدرت خارج شدند. یاران دیروز مصدق که دوشادوش در نهضت ملی شدن صنعت نفت، پایمردی نشان داده بودند، پس از روی گردانی از او، در تأیید کودتا سر از پامی شناختند، آنها نیز به سرعت تاریخ انقضایشان سر آمد. مکی، قباچی و حائری زاده، از این جمله اند و چنین بود سرنوشت بسیاری دیگر از اصحاب طالب قدرت. اما حکایت شعبان جعفری، چنین نبود، او صاحب هوشمندی بسیاری بود و به رغم «بی معنی» بودن، بسیاری هم با مع بود، چنان که خود ادعا دارد. چراکه چه بسیار هم قطاران او که مظرود و رانده شدند و او همچنان در «سهمیه قدرت» باقی ماند.

سابقه نداشتن است که خاطرات حتی رجال درجه اول پهلوی از سوی پنج، شش ناشر، به صورت تقریباً همزمان «افست» شده و به بازار عرضه شود، اما خاطرات شعبان جعفری، چیز دیگری است. به یاد داشته باشیم، تابستان فصل «رکود بازار کتاب» است، اما چرا چنین رغبتی برای ناشر و خواننده به وجود آمد؟ پاسخ روشن است. مردم «تشنه حرف تازه و نو» هستند و از آنجا که «حرف» شعبان جعفری به رغم شراکت در خیانت، از جنس و نوع دیگری است، مردم طالب گفته های اویند.

در خاطرات شعبان جعفری، کمتر از «من» خبری است، تقصیرها را به گردن دیگری نمی اندازد، اصلاً آنچه را که ملت ایران «خیانت» می پندارد، او خیانت نمی داند و در ظاهر امر، او مردی است «خودساخته» و «با دین و ایمان»؛ اما آنانی که به «ساختار قدرت» در گذشته آشنایند، می دانند که این «عروسک های خیمه شب بازی» چگونه به کار گرفته می شدند و پس از مصرف، به چه صورت «دور انداخته» شدند.

مجدداً در ماه مرداد هستیم و اواخر این ماه، یادآور «کودتای آمریکایی» ۲۸ مرداد است. آثار شوم سرنگونی حکومت ملی مصدق، نزدیک به ربع قرن گریبانگیر ملت ایران بود. سرنگونی آن مرد بزرگ، ریشه دموکراسی را در ایران خشکاند و امروز بار دیگر آمریکا به عنوان یک تاز عرصه قدرت جهانی، برای ما «شاخ و شانه، می کشد» و تهدید نظامی می کند. اگر تادیروز «عمله و اکره» های آمریکا همچون زاهدی و جعفری و دهها خائن دیگر، «شریک دزد» بودند، امروز ما با «خود دزد» طرفیم.

متأسفانه طی سالیان گذشته، غوغا و جنجال نگذاشته که ما هرگز به روشکافی درست از «کودتای ۲۸ مرداد» برآییم؛ چه اینکه برخی در صدمت با نهضت ملی شدن صنعت نفت و دکتر مصدق، تلویحاً سرنگونی او را نه در کارشکنی عناصر پلید دست نشانده، بلکه در تفکر و عملکرد این مرد بزرگ دیده اند. امروز نیم قرن از زمان کودتا گذشته است، چشم حقیقت بین باز کنیم، از گذشته ها پند بگیریم، قدر سرمایه های ملی خود را بدانیم، نام نیک رفتگان را ضایع نکنیم، ایران عزیز را دوست بدانیم، دشمن پشت دروازه های مرزهای آبی و خاکی ما به کمین نشسته است، این بار نگذاریم تاریخ بار دیگر رقم بخورد، یک بار از دشمن پلید، ضربه خوریم، دیگر کافی است، هوشیار باشیم. شعبان جعفری و مرداد ماه آینه خوبی است تا بدانیم چگونه باید قدر ایران عزیز را دانست.

آخرین گودال

آخرین گودال، سرکر لویس، حسین ابراهیمی (الوند)، تهران، قدیانی، کتاب های بنفشه، ۱۳۷۹، ۲۸۰ صفحه. استثنای نوجوانی است که به اتهام دزدی به کانون بازپروری اردوگاه گرینلیک فرستاده می شود، او در این اردوگاه که در کنار دریاچه نمک خشک شده قرار دارد، باید گودال هایی حفر کند؛ گردانندگان اردوگاه در جست و جوی گنج های گمشده در دریاچه اند، استثنای با نوجوانان دیگر کانون آشنا می شود و به دنبال حادثه های گوناگون تاریخیچه ۳ نسل از خانواده خود را به یاد می آورد...

کتاب، جایزه نیوبری و ادگار آلن پو ۱۹۹۹ و چند جایزه دیگر بهترین کتاب سال را به خود اختصاص داده است. این اثر دانش آموزان را با بخشی از تاریخ یک منطقه از آمریکا آشنا می کند.

جایی که جنگل به دریا می رسد

جایی که جنگل به دریا می رسد، بیکر جینی، مهشید میهنزاده، تهران، لعبت، کتاب سارا و سپهر، ۱۳۷۹، ۲۸۰ صفحه.

پسری با پدرش به جنگل های بارانی منطقه کوئینلند در استرالیا می رود. در جنگل با درختان تومند و ریشه های در هم آنها آشنا می شود و آنجا را به عنوان مکانی برای زندگی گیاهان و جانوران و مردم بومی در ذهن زنده می کند و زمانی که به گیاهی که تازه سر از خاک برآورده می رسد، از خود می پرسد که چند سال طول خواهد کشید تا این نهال به درختی چنان عظیم تبدیل شود؟

این کتاب لوح افتخار آکادمی علوم طبیعی استرالیا را به عنوان بهترین کتاب تصویری سال نصیب خود کرده است.

هدیه یازده رنگ

مؤلف و تصویرگر: بهرام خانف، چاپ اول: ۱۳۷۹، ۲۸ صفحه، انتشارات: کوناس.

کتاب روایت خاطره ای از کودکی نویسنده است که زمانی که از پدرش جعبه ای مدارنگی با یازده رنگ هدیه می گیرد، او هر روز با آنها یک نقاشی می کشد و سال های بعد در می یابد که پدرش رنگ سیاه را از جعبه برداشته بود...

سایه بهار

مهذخت کشکولی، تصویرگر: نسیم آزادی، تهران: شباویز، چاپ اول: ۱۳۷۹، ۲۲ صفحه.

کوچه بهار سرسبزی اش را مدیون مشدی اکبر میوه فروش است که سال ها پیش با دستانش نهال هایی را در کوچه کاشته است، اما بچه ها قدر درخت ها را نمی دانند تا زمانی که یک تریلی روزها زیر درخت پارک می شود. بچه ها که از بازی زیر سایه های درخت محروم شده اند، بارانمایی مشدی اکبر به شهرداری و کلانتری و فضای سبز شکایت می برند و...

شیرین گل

یان هوتسن، حسین ابراهیمی (الوند)، نشر روزگار، چاپ اول: ۱۳۷۹، ۱۳۳ صفحه.

شیرین گل، دختری نوجوان است که در قبیله سرخپوستان زندگی می کند و آرزوی ازدواج با خورشید عقاب، جنگ جوی جوان رادر سر می پروراند. اما والدین او به دلیل سن کم و نبود تجربه کافی، از دواجش را به تأخیر می اندازند تا اینکه قبیله دچار بیماری همه گیر آبله می شود و شیرین گل در این حادثه با همت و پشتکار می تواند از پس پرستاری و تغذیه خانواده بر آید. در پایان، خانواده پس از مشاهده حس مسؤولیت و توانایی شیرین گل رضایت می دهند که دخترشان از دواج کند.

پرندگان شب

تورمد هاوگن، منوچهر صادق خانجانی، تهران، سروش، ۱۳۷۹، ۱۳۴ صفحه.

یواچین با پدر و مادرش زندگی می کند. مادر فروشنده و پدر معلم است. او دچار افسردگی شده و به مدرسه نمی رود، لذا سعی می کند با اطاعت از پدر و مادر، افسردگی خود را پنهان کند. تمام این بحران ها به همراه کابوس هایی که شب ها به سراغ یواچین می آید دستمایه داستان این داستان خواندنی است.

روان و ساده از متون کهن

دبیرستان آمده است. این کتاب به دلیل آوردن چهار مقاله درباره شاعری، دبیری، نجوم و طب به چهار مقاله شهرت یافته است. کتاب در عین فشردگی، یکی از منابع ادبی مهم زبان فارسی و حاوی نام و شرح احوال گروهی از نویسندگان، شاعران، منجمان و طبیبان، پیش از حمله مغول است. عروسی در هر مقاله ضمن آوردن ویژگی های شخصیتی و رفتاری چهار پیشه (شغل)، حکایاتی خواندنی و ظریف از احوال و عادات هر پیشه روایت کرده است.

گلزار حقیقت

(حديقة الحقیقة حکیم سنایی غزنوی)
اثر حکیم سنایی غزنوی، بازنویسی: حسین مطیعی امین، چاپ اول تابستان ۱۳۸۱، ۱۱۰ صفحه، ۷۰۰ تومان.

کتاب حکیم سنایی غزنوی را پیچیده مثنوی معنوی نام نهاده اند که در آن عرفان و رموز آن به زبانی بسیار دشوار و دیرپاب آمده است، اما «بازنویس» کتاب سعی کرده این پیچیدگی ها را به زبان روان و ساده بیان کند. «حدیقه» یا گلزار حقیقت، در واقع یک دوره حکمت (دانش) علمی است که از طریق حکایات و مثال ها، اخلاق فردی، همانند خدایرستی، نیکوکاری، دانش اندوزی، شجاعت، عفت، عشق، محبت، رضا و تسلیم به شکلی زیبا و به دور از هرگونه بایده آموزش داده می شود.

اندرز حاکمانه (تحفة الملوك)

علی بن حفص محمود الاصفهانی، بازنویسی: علی اکبر احمدی دارانی، چاپ اول: تابستان ۱۳۸۱، ۸۰ صفحه، ۵۰۰ تومان.

برای معرفی این کتاب آوردن یک حکایت از آن جذابیت بیشتری دارد. «ملک روم به انوشیروان عادل نامه ای نوشت که چه کردی که هیچ کس در آن سرزمین با تو مخالفت نکرد؟ انوشیروان جواب نوشت: اول: آنکه زبانم را از دشنام دادن باز داشتم. دوم: در امر و نهی به دیگران سخن زشت و بیپوده نگفتم. سوم: به وعده های خود عمل کردم. چهارم: به هر کسی بنا بر شایستگی وی مقام دادم، نه بر اساس آرزوی خودم. پنجم: به خاطر ادب مجرمان را مجازات کردم، نه از روی خشم خود. ششم: با داد و انصاف برای مردم ایمنی ایجاد کردم. هفتم: خود را دوستی یکدل برای مردم قرار دادم.»



شهر کرد: آغاز بیستمین دوره مسابقات ادبی دانش آموزان سراسر کشور

علی پور موقعیت جغرافیایی، آب و هوایی و شناساندن توانایی های استان چهارمحال بختیاری را علت اصلی برگزاری مسابقه در شهر کرد اعلام کرد. وی هدف اصلی برگزاری مسابقات ادبی را شناخت استعداد های دانش آموزان کشور ذکر کرد و گفت: اکثر این دانش آموزان امکان فعالیت های ادبی ندارند و از مناطق محروم کشور هستند و حتی به کتاب های شعر دسترسی ندارند و آشنا کردن دانش آموزان با استعداد یکدیگر و تبادل تجربه بین آنها و آموزش به دانش آموزان با استعداد با همکاری اساتید بزرگ نظیر هوشنگ مرادی کرمانی از دیگر هدف های این جشنواره است.

در برنامه صبح روز سه شنبه این مراسم که سه ساعت به طول انجامید، دکتر اصغر دادبه، هوشنگ مرادی کرمانی و دکتر خانی سخنرانی کردند.

شاید از ویژگی های مهم این جشنواره حضور هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده نام آشنای داستان های کودکان باشد که پس از ۲۰ دوره برگزاری برای نخستین بار به عنوان داور در این مسابقات شرکت می کند. همچنین دکتر اصغر دادبه نیز از جمله دعوت شدگان به این مسابقات است.



دانشگاهی به مرحله کشوری راه می یابند. وی به تعداد آثار ارسالی در جشنواره امسال اشاره کرد و گفت: در بخش نهایی ۱۳۰ اثر مطالعه و تحقیق، ۱۳۶ اثر شعر و ۱۱۹ اثر داستانی به قضاوت داوران نهاده می شود.

علی پور به داوران بخش های مختلف اشاره کرد و گفت: در بخش مطالعه و تحقیق از دکتر خلیلی و خانم هاعمد خراسانی، رثوفی، هجرتی و قاسمی دعوت به عمل آمده است و در بخش شعرخوانی نیز آقایان محدثی خراسانی، شکار سوری و علی دوستی به نقد و بررسی آثار ارائه شده می پردازند. همچنین آقایان مرادی کرمانی، وزیری و حسن زاده، داوری بخش داستان نویسی را بر عهده دارند.

ترجیح می‌دهم سکوت کنم

مهدی کاموس یکی از نویسندگان و منتقدان عرصه ادبیات کودک و نوجوان و در حال حاضر دبیر کانون شقایق فرهنگسرای نوجوان و مسؤل جلسات نقد ادبی کتاب ماه کودک و نوجوان است. از وی تاکنون کتاب‌های ماهی‌های گل سرخ، داستان‌های کوتاه کوتاه، حکایت‌های شنیدنی از حضرت علی (ع)، بیست حکایت از مثنوی و... به چاپ رسیده و کتاب‌های «ما و شریعتی» و «به همراه استاد محمود حکیمی» زیر چاپ است. به بهانه انتخاب کاموس به عنوان دبیر کمیته روابط عمومی انجمن، با وی به گفت‌وگو نشستیم:

وضعیت کلی ادبیات کودک و نوجوان ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

درباره وضعیت کلی ادبیات کودک و نوجوان در کشورمان ترجیح می‌دهم سکوت کنم! اما به چند نکته گذرا اشاره می‌کنم. یکی وضع ترجمه و انتخاب کتاب برای ترجمه است. در واقع تنها چیزی که در انتخاب کتاب مورد توجه مترجمان و ناشران قرار نمی‌گیرد، نیاز جامعه و مخاطب کودک و نوجوان است. مثلاً ترجمه کتابی که شخصیت‌های بزرگ برای کم شدن فشارهای روانی مشروبات الکلی می‌نوشد و یا داستان‌هایی که بیشتر شخصیت‌هایشان در منزل از حیوانات نگهداری می‌کنند و یا... چه ارتباطی می‌تواند با مخاطب کودک امروزی جامعه ایرانی برقرار کند و یا خوشبینانه‌تر اینکه چه فرهنگی می‌تواند برای کودکان ما بسازد.

نکته دیگر عدم توجه نویسندگان به مقوله ایرانی - اسلامی بودن جامعه ماست که مجال بحث دیگری را می‌طلبد.

راه حل‌های پیشنهادی شما برای حل مشکلات امروز چیست؟

برخی از راهکارهای اجرایی برای تغییر وضعیت ادبیات کودک و نوجوان در کشورمان به طور فهرست وار چنین است:

الف) انتقاد جدی و متعهدانه ناشران کودک و نوجوان که برخی از آنها از راه حمایت‌های دولتی و گاه غیردولتی به ثروت‌های عظیمی رسیده و اولین چیزی را که فراموش کرده‌اند، کودک و نوجوان و

نقد ادبی

نشست نقد ادبی کتاب ماه

یکشنبه سوم شهریورماه نشست نقد ادبی کتاب ماه کودک و نوجوان با موضوع زندگینامه نویسی و طرح چلچراغ برگزار خواهد شد. در این جلسه داود غفارزادگان نویسنده کودک و نوجوان سخنرانی خواهد کرد.

اولین عصر شعر و قصه مربیان

کانون پرورش فکری برگزار شد

آثار ادبی مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران در اولین عصر شعر و قصه مربیان مراکز فرهنگی-هنری کانون مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در این نشست ادبی ۱۲ مربی کانون به قرائت آثار خود پرداختند و موسی بیدج این آثار را مورد نقد و بررسی قرار داد. در پایان این نشست علاوه بر اهدای جوایزی به ۱۲ مربی برتر، از سه مربی برگزیده به صورت ویژه تقدیر شد. همچنین آثار ادبی ۲۲ مربی نیز در قالب جزوه‌ای منتشر خواهد شد.

قلعه کتاب و برنامه‌های فرهنگی

به منظور ترویج کتابخوانی میان کودکان و نوجوانان روز پنجشنبه ۱۷ مرداد «قلعه کتاب» با حضور جمعی از مدیران و شخصیت‌های فرهنگی در پارک لاله تهران افتتاح شد. در این قلعه که به همت انتشارات افق و با همکاری شهرداری منطقه ۶ راه‌اندازی شده است نمایشگاهی از کتاب‌های برگزیده ناشران کودک و نوجوان و بزرگسال برگزار می‌شود. این قلعه تا پایان تابستان در بخش جنوبی آب‌نمای پارک لاله دایر است.

جامعه ایرانی است.

ب) توجه جدی به مخاطب و جامعه ملی - مذهبی مان.

ج) وطنی‌نگریستن به مقوله ادبیات کودک و نوجوان چون بسیاری از نویسندگان، کودک و نوجوان را یک مفهوم واحد فرض کرده‌اند که همه ویژگی‌هایشان در سراسر دنیا یکسان است. در حالی که این یکسان‌نگری تنها در مسائل فطری قابل پذیرش و حقیقی می‌باشد و افراط در این نگرش بیشتر بر اساس ترجمه‌ها و نوع جایزه دادن‌های خارجی است که نویسندگان را از توجه واقعی به شرایط امروزی کودک و نوجوان ایرانی بازمی‌دارد.

د) تقویت نقد حضوری در کنار نقدهای مکتوب در



مطبوعات و نشریات.

ه) حضور بیشتر نویسندگان در انجمن‌ها و تشکل‌های ادبی.

و) تقویت و توجه جدی به پژوهش‌ها در زمینه ادبیات کودک و نوجوان.

ز) تجلیل و قدردانی از پیشکسوتان ادبیات کودک و نوجوان.

ح) متعادل شدن جناح‌بازی‌ها، خط‌کشی‌ها و دسته‌بندی‌های این انجمن‌ها، کانون‌ها و شوراهای

برنامه‌های شما به عنوان دبیر کمیته روابط عمومی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان چیست؟

بدون تردید هیچ مدیر و یا دبیر کمیته‌ای به تنهایی نمی‌تواند کاری انجام بدهد و اگر تک‌تک اعضای یک انجمن نخواهند و نتوانند در سرنوشته‌شان دخالتی داشته

باشند، هیچ هیأت مدیره‌ای یا کمیته‌ای نمی‌تواند گامی به پیش بگذارد.

ولی طرح پیشنهادی اینجانب میان کمیته‌ها و هیأت مدیران چنین است:

الف) تغییر و تحول در خبرنگار و افتتاح ستون‌های جدید به طوری که دست کم در هر شماره چند نفر از اعضا یادداشت داشته باشند و...

ب) بسترسازی و زمینه‌سازی ارتباط خرد و کلان با انجمن‌های دیگر.

ج) تشکیل گروه‌های همفکر و دسته‌های همدل برای رقابت و نقش بیشتر در برگزاری مراسم انجمن‌تابه این ترتیب همه طیف‌های گوناگون انجمن بتوانند در انجمن دخالت مستقیم و نقش تأثیرگذار داشته باشند.

د) همکاری با کمیته پژوهش و شناسایی پژوهش‌ها و پژوهشگران در زمینه کودک و نوجوان.

ه) بررسی راه‌های شرکت اعضای انجمن در جلسات و نمایشگاه‌های کتاب خارج از کشور.

و) ارتباط با ناشرانی که نیاز به کارشناسی انجمن در زمینه کودک و نوجوان داشته باشند.

نظر شما درباره پژوهش‌هایی که در زمینه ادبیات کودک و نوجوان انجام می‌شود، چیست؟

بدون تردید هیچ حرکت مهمی صورت نخواهد

گرفت مگر اینکه ساختمان‌شان را بر پایه‌های مستحکم پژوهش و تحقیق بنا کرده باشند. در زمینه پژوهش، کمیته‌های روابط عمومی و پژوهش انجمن می‌توانند نقش مهمی داشته باشند و جریان پژوهش در زمینه ادبیات

کودک و نوجوان را در میان اعضای انجمن نهادینه کنند و بدین ترتیب دست بسیاری از ناشران و گهگاه مؤلفانی را که بارخیز در دستگاه‌های دولتی پروژه‌های چندین

میلیونی پژوهشی را تصاحب می‌کنند، کوتاه نمایند.

انجمن می‌تواند با برقراری ارتباط هرچه بیشتر با وزارت ارشاد و نهادهای دیگر در زمینه پژوهش، نبض جریان

پژوهش را در زمینه کودک و نوجوان به دست بگیرد و با واگذاری این پژوهش‌ها به اعضای انجمن و متخصصان

این رشته، گام مهمی را در راستای پژوهش بردارد.

کتاب

اسکندر و خمره

بنفشه محمودی



خمره گندم (ماجراهای اسکندر کبیر، از مجموعه طنزولوژی تاریخ، هوشنگ معمارزاده، تصویرگر: علی رادمند، خانه ادبیات، چاپ اول: ۱۳۸۰، ۱۲ صفحه، ۲۵۰ تومان.

این کتاب را که بر روی جلد آن عبارت «برای سنین زیر ۹۹ سال!» نقش بسته است، شاید بتوان در گروه سنی خاصی گنجانند، چراکه شیوه ساده و طنزآمیز و کاریکاتورهای جذاب آن سبب می‌شود که برای تمامی گروه‌های سنی جالب و خواندنی باشد.

خمره گندم به اسکندر مقدونی (کشورگشای مشهور) می‌پردازد و شخصیت‌های اصلی آن اسکندر و میرزا بنویس دربارش هستند که با اصلی طنز داستان بر دوش آنهاست.

اسکندر بعد از فتح ایران در انبار یکی از خانه‌های روستایی ایرانی به خمره گندمی برمی‌خورد که دانه‌های گندم داخل آن به درشتی بادام است. اسکندر در پی کشف راز درشتی دانه‌های گندم، سرانجام به پیرمردی ششصدساله (!) می‌رسد و پیرمرد به شرط گرفتن جایزه‌ای بزرگ، راز درشتی دانه‌های گندم را به اسکندر می‌گوید و با تکیه بر دانش و هوش ایرانی خود بر او پیروز می‌شود.

هر چند بی‌سواد جلوه دادن اسکندر خلاف واقعیت تاریخی است، اما چون با طنز تاریخی از دیدگاه یک طنزپرداز ایرانی طرف هستیم، می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد!

نکته جالب توجه در تصویرگری این کتاب، وجود عناصر امروزی نظیر مسابقه فوتبال، توپ چهل‌تکه و توپ پلاستیکی، استکان و نعلبکی و قندان، عینکی که میرزا بنویس در تمام صحنه‌ها به چشم دارد و... است که سبب می‌شود مخاطبان امروزی - خصوصاً مخاطبان کودک و نوجوان - ارتباط آسان‌تری با شیوه طنز تاریخی پیدا کنند.

نشست بررسی

آثار تصویرگران دهه ۵۰

نشست بررسی آثار تصویرگران دهه ۵۰ با حضور تصویرگران و علاقمندان در کتاب‌ماه کودک و نوجوان برگزار شد. در ابتدای جلسه فریبا زرین‌قلم، مرتضی زاهدی، نسیم آزادی، مریم پزشکی، پروین پورجم و... به معرفی خود پرداختند. سپس برخی از آثار تصویرگرانی چون: محمدرضا دادگر، بهمن دادخواه، علی‌اکبر صادقی، نیکزاد نجومی، فرشید متقالی، ابراهیم حقیقی، مرتضی ممیز، نسیم خسروی، زنده یاد نفیسه ریاحی، سیروس راد، ژانر رضائی، منوچهر صفرزاده، آن بابایاش، حسین محجوبی، سیمین شهروان، هانی بال‌الخاص، جمال‌الدین خرمی‌نژاد، پرویز کلانتری و... به نمایش درآمد و ویژگی‌های برخی از این آثار به طور خلاصه عنوان شد.

در این نشست محمدرضا دادگر درباره تصویرگری کتاب‌های کودکان در ایران و در پاسخ به سؤال یکی از حاضران گفت: «تصویرگری کتاب‌های کودکان در ایران از دهه ۴۰ شروع شد و در واقع شروع علمی، دقیق فنی و تمام‌عیار آن از سال ۴۵ و با پا گرفتن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود و اوج فعالیت‌های دهه ۴۰ به دهه ۵۰ منتقل شد و دهه ۵۰ را شکوفا کرد.»

دادگر یکی از فاکتورهای موفقیت را مطرح شدن در مجامع بین‌المللی و گرفتن جایزه دانست و اظهار داشت: «دهه ۵۰ اوج تمام برنده‌شدن‌ها در زمینه تصویرگری بود و بزرگ‌ترین و مهمترین جوایز تصویرگری را برای ما به ارمغان آورد که تکرار آن در دهه ۶۰ تنها ۳ بار اتفاق افتاد.»

دادگر ضمن بیان اینکه تجربیات تصویرگری از یک دهه به دهه بعد منتقل می‌شود گفت: «جوانان تصویرگر امروز نمی‌توانند بگویند که ما هیچی ندیده‌ایم چرا که آثار گذشتگان به آنها منتقل شده و آنها نزدیک به پنج هزار جلد کتاب دیده‌اند و تصاویر این کتاب‌ها بر ضمیر ناخودآگاه آنها اثر گذاشته و آموزش غیرمستقیم داشته است.»

وی با بیان اینکه در تصویرگری سبک وجود نداشته و ما با مکتب روبه‌رو هستیم گفت: «در حال حاضر دو مکتب در دنیا هست که هر کدام سردمداران و طرفدارانی دارد. یکی از این دو گروه افرادی هستند که معتقدند تصویرگری چیزی است که ما به وجود می‌آوریم و فقط برای اینکه کار هنری کرده و هنر را ارتقا دهیم انجام داده و سبک‌ها و روش‌ها را تجربه می‌کنیم و مهم نیست کسی آن را ببیند، اما عده‌ای دیگر معتقدند مسائل روانشناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و مسائل کودک را باید در نظر گرفت. خوب و بد را شناخت و از آوردن مسائل پیچیده فلسفی و سبک‌های هنری در تصویرگری کتاب‌های کودک پرهیز کرد و در واقع همانطور که متن، بچه‌ها را وارد ادبیات می‌کند تصویر نیز بچه‌ها را به هنرهای زیبا سوق می‌دهد.»

این سخنران با بیان اینکه کتاب‌های علمی نیازمند تصویرسازی است بار علم را بر دوش تصویرگران دانست و درباره تفاوت تصویرگری و نقاشی گفت: «بیشتر آثاری که در نمایشگاه‌های نقاشی به نمایش گذاشته می‌شود، در حقیقت تصویرگری و اغلب آثار نمایشگاه‌های تصویرگری، نقاشی است که اختلاف نقاشی و تصویرگری ریشه در تاریخ دارد. یعنی ما متأسفانه کسانی که درباره تصویرگری و نقاشی نقد بنویسند کم داریم و هرچه هست ترجمه از خارجی‌ها بوده که به عمد یا به سهو نخوانند بفهمند که ما نقاشی نداشتیم، تصویرگری داشتیم. یعنی همه کتاب‌های قدیمی ما در کنار متن تصویر داشته و ما تنها کشوری هستیم که دارای تصویرگری ناب بوده است.»

فراخوان کتاب سال کودک و نوجوان

ستاد برگزاری ششمین دوره انتخاب کتاب سال مجله‌های سلام بچه‌ها و پویک طی فراخوانی از پدیدآورندگان و ناشران آثار کودک و نوجوان خواست که تا اول شهریورماه جاری، دو نسخه از آثار منتشره خود را در سال ۸۰ در رشته‌های داستان، شعر، تحقیق، بازنویسی مذهبی و افسانه به نشانی ستادارسال‌کنند تا در داوری و معرفی آثار برتر شرکت داده شوند.

این ستاد زمان معرفی آثار برگزیده را نیمه دوم سال جاری تعیین کرده و با تأکید بر اینکه کتاب‌های ارسالی، پس از داوری به کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی هدیه خواهند شد، نشانی را قم، صندوق پستی ۳۳۸/۳۷۱/۳۷۱، دفتر مجله‌های سلام بچه‌ها و پویک عنوان کرد.

برو و بچه‌ها

سوسن طاق‌دیس مشغول نگارش تحقیقی درباره علل عدم مطالعه در بین کودکان و نوجوانان و نقش آموزش و پرورش در مطالعه است که هنوز اسم ندارد. طاق‌دیس کتاب‌های «بچه دختر دارم شاه‌نداره»، «زرافه من آبی است»، «این صدای دماغ کی بود؟»، «هشت تا باشه خر» و «پیر مرد خوش‌شانس» را در انتشارات کانون و «خانه من قشنگ‌تر است» و «شما یک دماغ زرد ندیدید؟» را در انتشارات مدرسه زیر چاپ دارد.

«خروس» رحمانیان

انتشارات نیلا پس از چاپ نمایشنامه های «مصاحبه» و «امیر» اثر محمد رحمانیان مجموعه دیگری از آثار این نمایشنامه نویس را در دست چاپ دارد که شامل نمایشنامه های: «نمایشی برای تو»، «خروس»، «آدمکش»، «اتاق گریم»، «شهادتخوانی قدمشاد مطرب در تهران»، «ساعت بمباران» و «نهر فیروزآباد» است. همین ناشر نسخه دوزبانه نمایشنامه «مصاحبه» را با ترجمه انگلیسی شهرداد تجزیه چی بزودی روانه بازار کتاب می کند.

این انتشاراتی همچنین از سام شپارد نویسنده و بازیگر برجسته تئاتر و سینمای آمریکا کتاب های زیر را در دست انتشار دارد: «غرب واقعی» با ترجمه امیر امجد، «مادر ایکاروس» ترجمه شهرام زرگر، «دیوانه عشق» ترجمه محمدرضا عرفانی و «ده مکالمه» ترجمه حمید امجد.

انتشارات نیلا پیش از این، از «شپارد» کتاب «کودک مدفون» را به چاپ رسانده بود که توسط آهو خردمند به فارسی برگردانده شده است.

اثری تازه از «شریف لطفی»

«هبانی نوین اصول اجرای موسیقی» عنوان کتابی است نوشته شریف لطفی (رهبر ارکستر فیلارمونیک) که توسط انتشارات دانشگاه هنر بزودی روانه بازار می شود. همین ناشر کتاب «ارزیابی اثربخشی دانش آموختگان دانشگاه هنر» را نیز در دست چاپ دارد که تألیف فرشته عارف نیا است.

فریاد خاموش

فریاد خاموش مجموعه ای از کاریکاتورهای به نمایش درآمده، در نمایشگاه سراسری کاریکاتور اسرائیل در سال ۱۳۷۹ است که با مشارکت خانه کاریکاتور و به کوشش مسود شجاعی طباطبایی توسط انتشارات سروش بزودی راهی بازار کتاب خواهد شد. «سیر تطور هنر در آذربایجان» عنوان کتاب در دست چاپ دیگری از انتشارات سروش است که اولین اثر مشخص و مستقل درباره تاریخ و تحولات هنری در آذربایجان ایران است. این کتاب سیر تاریخی، اساتید و هنرمندان هر یک از رشته های هنری آذربایجان را معرفی می کند. همین ناشر چاپ دوم «نقاشی ها و طرح های سهراب سپهری» را نیز در دست انتشار دارد.

راهنمای فیلم

جلد سوم کتاب «راهنمای فیلم (۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰)» نوشته بهزاد رحیمیان و گروه همکاران توسط انتشارات روزنه کار بزودی به بازار کتاب عرضه می شود. روزنه کار در گذشته، جلد اول راهنمای فیلم (۱۸۹۵ تا ۱۹۷۰) و جلد دوم، بخش اول (۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹) و بخش دوم (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹) را به چاپ رسانده بود. «جلد دوم دانشنامه سینمایی» عنوان کتاب در دست انتشار دیگری است از انتشارات روزنه کار که به معرفی ۱۸۰۰ بازیگر و هنرمند می پردازد. کتاب اول دانشنامه سینمایی که پیش از این توسط انتشارات روزنه کار به چاپ رسیده بود، آهنگسازان فیلم معرفی شده بودند.

راهنمای ۱۰۰+۵ فیلم

راهنمای ۱۰۰+۵ فیلم (۲۰۰۲-۲۰۱۰)، سعید مستغاثی، آگه سازان، ۳۰۰۰ نسخه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۱۹۵۰ تومان.

نوشتن راهنمای فیلم های روز جهان مدتی است توسط نویسندگان سینمایی ایران رایج شده است و این بار راهنمای ۱۰۰+۵ فیلم که ۱۰۵ فیلم برگزیده از میان آثار به نمایش درآمده در سال ۲۰۰۱ و تعدادی فیلم سال ۲۰۰۲ را در بر گرفته، توسط سعید مستغاثی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نگارنده در این راهنما تلاش کرده است خلاصه داستان فیلم ها را جزء به جزء توضیح دهد و با آوردن نظرات و دیدگاههای منتقدان معتبر خارجی در کنار نویسنده ایرانی خواننده را در قضاوت کردن فیلم هایاری دهد.

حمید فرخ نژاد، بازیگر:

آرزو دارم نقش «گل محمد» کلیدر را بازی کنم

پرداخته اید. علت این مسأله چه بود؟

ببینید، معضلی که در یک خرده فرهنگ وجود دارد رامی توانیم به کل جامعه تعمیم دهیم و همین دستمایه ای شد تا به مفاهیم گسترده تری نقب بزنیم. این درست است که در ظاهر یک مثلث عشقی کلیشه شده به تصویر کشیده شد، ولی با نقد کردن سنت ها و باورهای غلط توانستیم معضل هولناک تری را مطرح کنیم. همان طوری که می دانید جامعه ما در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است و عدم درک و شناخت متقابل می تواند نتیجه ای تراژیک به بار آورد. بنابراین سعی داشتیم بستری را فراهم کنیم تا هم آن فرد سنت گر را پایه منطق خودش و هم آن آدم شهری بر اساس منطق خود، به تصویر کشیده شود تا در چنین دادگاهی، تماشاگر بتواند بدرستی قضاوت کند و نکته مهم هم این بود که پیشداوری را کنار بگذاریم.



شما حتماً می دانید که نویسندگان بزرگی داریم که جنوبی هستند. آثار این نویسندگان چقدر به شما در نوشتن مدد رساند؟

پاسخ شما را باید اینگونه بدهم که همیشه متأسف بوده و هستم که کمتر توانسته ایم از ادبیات غنی خود در سینما بهره ببریم. این یک واقعیت است که بسیاری از فیلم های سینمایی ماندگار سینمای ایران از آثار ادبی نویسندگان بزرگ اقتباس شده اند. همانند کارهای داریوش مهرجویی که در یک مقطعی از آثار غلامحسین سعادی بهره برد. ولی تا به این لحظه دلایل و چرایی این مسأله را درک نکرده ام که چرا این مسأله تبدیل به یک عادت در سینمای مانده است! و یا مثلاً در فیلم درخشان «تنگسیر» که برگرفته از کتاب صادق چوبک است، شاهد همکاری منسجمی میان سینما و ادبیات هستیم ولی همچنان این ضعف در سینما وجود دارد و به همین دلیل، نبود فیلمنامه خوب یکی از معضلات اساسی این سینماست.

خودتان به عنوان یک هنرمند چقدر در رفع این کاستی تلاش کرده اید؟

حقیقت این است هر کتابی را به قصد فیلمنامه شدن آن مطالعه می کنم. مثلاً یکی از آرزوهایم این است که

کتاب کتاب



نمایشنامه رادیویی

نگارش نمایشنامه رادیویی، کیت ریچاردز، مهدی عبدالله زاده، انتشارات سروش، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۷۰۰ تومان.

این کتاب شیوه نگارش نمایشنامه رادیویی را به مخاطب علاقه مند یاد می دهد. در واقع در ابتدا با شناسایی دقیق ویژگی های یک نمایشنامه رادیویی خوب، اجزا و ابعاد مختلف آن را نیز توضیح می دهد. طرح فرعی و شخصیت، روایت، شرح، گفت و گو، جلوه های صوتی و موسیقی، بداهه پردازی، اقتباس و... سرفصل هایی است که در این کتاب به آن پرداخته می شود.



راهنمای ۱۰۰+۵ فیلم

راهنمای ۱۰۰+۵ فیلم (۲۰۰۲-۲۰۱۰)، سعید مستغاثی، آگه سازان، ۳۰۰۰ نسخه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۱۹۵۰ تومان.

نوشتن راهنمای فیلم های روز جهان مدتی است توسط نویسندگان سینمایی ایران رایج شده است و این بار راهنمای ۱۰۰+۵ فیلم که ۱۰۵ فیلم برگزیده از میان آثار به نمایش درآمده در سال ۲۰۰۱ و تعدادی فیلم سال ۲۰۰۲ را در بر گرفته، توسط سعید مستغاثی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نگارنده در این راهنما تلاش کرده است خلاصه داستان فیلم ها را جزء به جزء توضیح دهد و با آوردن نظرات و دیدگاههای منتقدان معتبر خارجی در کنار نویسنده ایرانی خواننده را در قضاوت کردن فیلم هایاری دهد.

«کلیدر» تبدیل به فیلم شود و نقش «گل محمد» را بازی کنم. ولی می دانید که این مشکل توسط یک فرد حل نمی شود. در واقع باید جریانی به وجود آید تا رویکرد به این مسأله تداوم پیدا کند.

آیا فیلمنامه «سفر سرخ» که نخستین فیلم بلند شماست، توسط خودتان به رشته نگارش درآمده است؟

این فیلمنامه را آقای «علیرضا طالب زاده» نوشته است و بنده کار بازنویسی نهایی آن را انجام داده ام. موضوع آن در «جنوب» اتفاق می افتد؟

فیلم بیشتر جنگ محور است تا جنوب محور. هر چند که چندین کاراکتر آن اهل جنوب هستند و بیشتر یک کار جاده ای است.

اسامی نویسندگانی را که نام برده اید، بیشتر نویسندگان مطرح و درجه اول کشور هستند. آیا به غیر از آنها آثار نویسندگان جوان را هم دنبال می کنید؟

بله. مثلاً کتاب های آقای حبیب احمدزاده که خودشان اهل جنوب هستند و آثارش هم بیشتر جنگ محور است. چون خودشان سال ها در جنگ بودند و یا کسان دیگر که اسامی آنها را به یاد نمی آورم. اگر چه به نظر من کمتر نویسنده ای داریم که طی این ۲۰ سال و اندی خیلی مطرح باشد و بیشتر نویسندگانی مطرح هستند که در دوران طلایی ادبیات آثار درخور توجهی را خلق کرده اند. با توجه به حجم کاری آنان آیا به طور منظم مطالعه می کنید؟

همان طور که می دانید ما در سینما فصل کاری داریم و برای کار کردن در یک فیلم حدوداً ۲-۳ ماه وقت می گذاریم ولی پس از آن باید مطالعه کرد. البته کتابخوان حرفه ای نیست که همه آثار نویسندگان را دنبال کند.

یعنی بیشتر دلخواهی مطالعه می کنید؟

(می خندد) یک چیزی میان کتابخوان «حرفه ای» و «دلی». هم جهت دار مطالعه می کنم و هم سعی می کنم در ارتباط با کارم زیاد کتاب بخوانم.

جدیدترین پژوهشی که انجام داده اید درباره چه موضوعی بود؟

در واقع حدوداً یک سال همراه با همکارم خانم هلن همتی درباره مسائل و معضلات زنان تحقیق کردم که البته شاخه های مختلفی داشت و بعد به «سازمان زنان» ارائه دادیم ولی آنها بعد از گذشت یک سال، گفتند که چون ارگان مشاوره ای هستیم در اجرای آن پروژه نمی توانیم کمک کنیم! ولی شما می توانید از کتابخانه ما استفاده کنید! او به همین دلیل تا الان این پروژه متوقف شده است!

با وجود اینکه به پژوهش و تحقیق علاقمند هستید، چرا به طور حرفه ای آن را ادامه نمی دهید و به جای آن در فیلم بازی می کنید؟

چون معتقدم که پژوهش در مورد تمام شاخه های «هنر» باید مورد استفاده قرار گیرد و فکر می کنم «بازیگری» هم هنری است که با پشتوانه علمی و تحقیقاتی یک بازیگر باید به نقش برسد.

جدیدترین کتابی که خوانده اید چه نام داشت؟

«خاطرات زندان» و «اعترافات» سید ابراهیم نبوی.



من، ترانه ۱۵ سال دارم

من، ترانه ۱۵ سال دارم، کامیوزیا پرتوی - رسول صدرعاملی، انتشارات آگه سازان، ۵۰۰۰ نسخه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۲۴۰۰ تومان.

فیلم من، ترانه ۱۵ سال دارم از فیلم های مطرح جشنواره فیلم فجر سال گذشته است که با استقبال منتقدان و مخاطبان مواجه گردید و پس از آن متن کامل این فیلمنامه توسط انتشارات آگه سازان به مدیریت سیدغلامرضا موسوی روانه بازار شد. این کتاب که عنوان آن در اصل باید «کتابشناسی عوامل فیلم من، ترانه ۱۵ سال دارم» نامیده می شد، به معرفی عوامل اصلی فیلم می پردازد و در کنار آن گفت و گویی مفصل از هوشنگ گلکسانی با رسول صدرعاملی و گفت و گوی تخصصی بهرام دهقان با محمدرضا موینی به چاپ رسیده است.

گفت و گو با سید یاسر هشترودی نویسنده جنگ و مدیر فرهنگسرای پایداری

برای چه باید نوشت؟



با نام و کتاب های «سید یاسر هشترودی» از سال‌ها پیش آشنایم. مدت‌هاست که دنبال فرصتی می‌گردم تا او را ببینم. سید یاسر مدتی است که مسوولیت فرهنگسرای پایداری را به عهده گرفته است. اولین همایش «خبرنگاران دفاع مقدس» که توسط این فرهنگسرا شکل می‌گیرد، بهانه‌ای می‌شود برای این دیدار. بی‌خبر به سراغش می‌روم. در اتاق کارش کتاب‌ها و دوره مجله کمان بیش از هر چیز زینت بخش قفسه کتاب‌های اوست.

در طول گفت‌وگو ۵ نخ سیگار می‌کشد. دو بار مراجع و همکارانش به داخل اتاق می‌آیند و دو بار هم تلفن اتاقش زنگ می‌زند. سیم تلفن را می‌کشد و با تأمل به سؤال‌هایم پاسخ می‌گوید؛ با محبت و صمیمی.

مدتهاست که از سید یاسر هشترودی نویسنده بی‌خبریم، چرا؟

در نوشتن رسالتی هست که در زمانه ما چندان بدان اهمیت داده نمی‌شود. پیش می‌آید که به داستان یا مقاله‌ای فکر می‌کنم اما وقتی نوشتن آن داستان کمی جدی می‌شود از خودم می‌پرسم آیا کسی از این مکتوب تأثیری خواهد گرفت؟ آیا خواندن آن چیزی عاید کسی خواهد شد؟ آن وقت است که حس می‌کنم نوشتن کار عبثی است. من با نوشتن نمی‌توانم رسالتی را بر عهده بگیرم. رسالتی که اساساً در ماهیت کار نویسنده نهفته است و برای همین است که غالباً فکر می‌کنم نوشتن در حوزه‌ای که من می‌نویسم کار بیهوده‌ای است. از طرفی در شرایط فعلی هر نوشته‌ای -از طیف ما- در حوزه سیاست به محاکات کشیده می‌شود. هر مکتوبی لاجرم به نقد سیاسی کشیده می‌شود و در حوزه ادبیات جنگ بدبویی است که خیلی‌ها این محاکات را نپسندند و نخواهند.

هر مکتوبی حتی اگر در فرم یا مضمون سیاسی یا استعاری نباشد، تبعات آن سیاسی خواهد بود. در این شرایط برای چه باید نوشت و چرا باید به نوشتن فکر کرد؟ زمانی دوستی گفت: دیوار اجمال فرو ریخته است. اما امروز می‌بینیم واقعیت چیز دیگری است؛ این دیوار نه تنها فرو ریخته است بلکه در جهان معنا و مضمون به حصار بلندی بدل شده است.

در نوشتن برای خود یا چند نفر یا یک گروه فضیلت و رسالتی نیست به نظر می‌آید چیزی در کار کم است، اما دست کم در حوزه فعالیت‌های اجرایی مخاطبان تأثیر بیشتری می‌پذیرند و آن رسالت معنای شفاف و روشنی پیدا می‌کند.

آیا نباید یکی از آسیب‌های ادبیات جنگ را درگیری نویسندگان با امور اجرایی بدانیم؟

نه، کدام نویسنده را می‌شناسید که به هر حال، دوره‌ای از زندگی‌اش را در فعالیت‌های اجرایی سپری نکرده باشد؟ حتی در خصوص نویسندگان و شاعران مطرح جهان هم وضع همین‌گونه بوده است؛ پابلو نرودا، ماریو بارگاس یوسا، فونتنس و نویسندگان دیگری که در دوره‌های کوتاه یا بلندی از زندگی‌شان به کارهای اجرایی مشغول بوده‌اند و آنها که حوصله این کارها را نداشتند در مزارع کوچک، کشاورزی می‌کردند. پیامبران ما یا نجار بوده‌اند یا چوپان. چه کسی آنها را ملامت کرده است که چوپانی و برانگیختگی منافات دارد؟ نوشتن هم نوعی، برانگیختگی است. اگر نویسنده‌ای در خور و با خود این برانگیختگی را احساس نکند به کژراهه رفته است. در نوشتن رسالتی هست و این رسالت ربطی به طبقه اجتماعی و سطح یا کیفیت شغل آدم ندارد. چه کسی باور می‌کند نویسنده مسخ، یک کارمند منضبط اداره بیمه باشد.

از طرفی یک نویسنده در حوزه اجرایی بهتر می‌تواند با مردم و توده ارتباط برقرار کند. یک زمانی، خوب نوشتن منوط به لمس شن‌های داغ ساحلی

این شکار در زمین همسایه پروار شده است

آنچه در پی می‌آید پاسخ سمیرا اصلان‌پور به یادداشت شهلا لاهیجی است. همان‌طور که در شماره‌های پیشین نیز اعلام شد، این یادداشت‌ها منعکس‌کننده نظرات افرادی است که دستی بر آتش ادبیات دفاع مقدس دارند.

سرکار خانم شهلا لاهیجی شما حق دارید! این نویسنده‌های دولتی و این ناشرهای دولتی ادبیات جنگ و دفاع مقدس را اصلاً به گند کشیده‌اند؛ دست رویش گذاشته‌اند تا شما ناشران ادبیات شناس نتوانید این عرصه را هم -مانند عرصه‌های دیگر- از فیض و برکت وجود خودتان لبریز کنید.

اعلام شده که انتشارات شما اولین کار خود در زمینه ادبیات پایداری را به چاپ رسانیده است.

می‌خواستم بپرسم آیا ادبیات شما همان‌طور که در کتاب «شهری که زیر درختان سدر مرد» در مورد انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی (قدس سره) جلوه گر شده، قرار است که در این کار جنگی هم متبلور شود؟ آن ترس و تردید و شکلی که قرار است از «انسان به جبهه رفته» سر بزند، همانی است که از «کیان» سر می‌زند و می‌ماند که میان مسلمانی و زرتشتی‌گری یکی را انتخاب کند. مسلمانی که در شخصیت «جریر» نمود پیدا می‌کند و حال آدم را به هم می‌زند؟ حیطه ادبیات دفاع مقدس را هم می‌خواهید این چنین به ادبیت نزدیک کنید؟ شما راست می‌گویید «این نهادها، ادبیات جنگ را به نویسندگان معدودی که در اختیار دارند، سفارش می‌دهند» و «ادبیات جنگ»، فقیر، سفارشی، غیر واقعی و بدون پرداخت ادبی است. اما این ماهی چاق و چله‌ای که شما برایش قلاب انداخته‌اید قیلاً

سال‌ها در همین نهادها چریده و چربی زیر پوستش دویده است. این نویسنده ادیب امروزی -که لابد از وقتی پایش به پاتوق فرهنگی تهران باز شده ادبیت به سراغش آمده است- قیلاً بساطش را در همان نهادهایی که فرموده‌اید، پهن کرده بوده و اصلاً از خیر سر آنها بوده که امروز نامش شده نویسنده جنگ و دفاع مقدس!

چه شده که شما دلسوز دفاع مقدس و جوان‌هایی شده‌اید که «در بهترین سال‌های زندگی جانشان را کف دستشان گذاشتند و به جبهه هارفتند و بسیاری هرگز بازنگشتند».

بگذرید اگر قرار است کسی حافظ شأن ادبیات دفاع مقدس باشد، همانی باشد که حافظ شأن دفاع مقدس بود و بگذرید همانی باشد که می‌فهمد «دفاع» یعنی چه و «تقدس» چه معنی می‌دهد.

در پایان یک پیشنهاد؛ بیاید معامله‌ای بکنیم. این نهاد‌های ادبیات‌شناس دست از روی ادبیات دفاع مقدس بردارند، شما و اتحادیه ناشران هم اجازه بدید کتاب‌هایی که با سلیقه شما چاپ نمی‌شود، در شبکه مافیایی پخششان راهی پیدا کنند و در ویتترین کتابفروشی‌ها دیده بشوند. هر چه باشد بخش بزرگی از ناکامی این کتاب‌ها و عدم ارتباطشان با مخاطب، به این علت است که اصلاً به دست مخاطب نمی‌رسد.

اسناد جدید

نخستین موزه جاسوسی جهان در واشنگتن افتتاح شد. در این موزه که از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است برخی از رموز، ابزار و شیوه‌های جاسوسی سازمان‌های معروف اطلاعاتی دنیا مانند «کاگ، ب» در سیامه و... به نمایش درآمده‌اند. از جمله بخش‌های جالب توجه در این موزه، نمایش جزئیات عملیات خارج کردن ۶ دیپلمات آمریکایی عضو لانه جاسوسی از ایران است.

تونی مندر، «رییس میدل‌سازی» سیا با جعل مدارک شناسایی برای این عده به عنوان اعضای یک گروه فیلمبرداری، به آنها امکان فرار داد. دخالت سیا در این ماجرا در سال‌های اخیر فاش شده است.

در شش ماهه دوم سال ۸۱ اجرا خواهد شد. یکی مسابقه کتابخوانی است که مراحل آن خرید و توزیع کتاب در میان دبیرستانی‌ها و پرسش کردن از محتوای این کتابها در زمینه جنگ است. گزینش کتاب و انتخاب سوالات و نیز اعطای جوایزی ارزنده و متناسب با نیاز نوجوانان در مرحله کارشناسی است و دیگری مسابقه خاطره‌نویسی در سطح دبیرستانی‌ها و راهنمایی‌ها با موضوع بهترین خاطره‌نویسی جنگ خواهد بود. در این مقطع شرکت‌کنندگان موظف خواهند بود تا خاطره‌ای از پدران خود یا اقوام نزدیک را که در جنگ حضور داشته‌اند به رشته تحریر درآورند. فرم و مضمون ارائه این خاطرات برای گروه داوران حائز اهمیت است. هدف از این مسابقه چاپ کتابی است که بزرگ‌ترها آن را روایت کرده‌اند و واپسین نسل در راه، آن را پرداخته است.

مجله قشنگی را برای ادبیات پایداری منتشر می‌کنید، آیا وارد حوزه کار کتاب نیز خواهید شد؟

ما برای چاپ کتاب عطش زیادی داریم. در سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران مؤسسه‌ای است به نام «نشر شهر» که می‌توان به صورت موردی و از طریق این مؤسسه کتابی منتشر کرد. البته طبیعی است که به صورت یک کار مستقل و دائم به چاپ کتاب فکر نمی‌کنیم اما امیدواریم امسال بتوانیم چند عنوان کتاب را به دست چاپ بسپاریم. قطعاً این کتاب‌ها از یک نویسنده مستقل نخواهد بود، بلکه هر کتاب با یک موضوع و از چند نویسنده گردآوری خواهد شد. مثلاً بهترین گزارش‌های جنگ یا بهترین قصه‌های کوتاه جنگ. مجموعه عکس «تهران در جنگ» در اولویت کارهای ماست. در خصوص کتابداری هم باید بگویم در فرهنگسرای پایداری، مرکزی را با عنوان تحقیقات و مطالعات جنگ نامگذاری کرده‌ایم که این مرکز از حیث کارکردی، یک مخزن کتاب جنگ تلقی می‌شود. به عنوان یک برنامه قطعی تلاش خواهیم کرد تا حتی کتاب‌های خارجی در حوزه جنگ را از ویتنام، ژاپن، روسیه، فرانسه، آلمان و سایر کشورهایی که صاحب ادبیات جنگ هستند خریداری و جمع‌آوری کنیم. در این خصوص اداره امور کتابخانه‌های سازمان قول مساعد داده است. امیدواریم این مخزن تبدیل به جامع‌ترین کتابخانه تخصصی جنگ در ایران شود.

در پایان اگر حرفی باقی مانده است، خوشحال می‌شویم بشنوم.

فرهنگسرای پایداری نزدیک به یکسال و نیم است که در حوزه ادبیات و هنر پایداری تلاش می‌کند و به تازگی ساختمان مناسبی هم از شهرداری منطقه ۱۴ در اختیار ما قرار گرفته است. امیدوارم که بتوانیم با مشارکت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهاد‌های متولی کارهای ارزشمندی ارائه کنیم. امیدوارم افتتاح این فرهنگسرا به یک اتفاق مثبت تبدیل شود و این میسر نخواهد بود مگر با ایجاد روحیه و شرایطی که بچه‌های ما در طول ۸ سال جنگ داشتند؛ با همان برخورد، با همان از خودگذشتگی و با همان حس همکاری.



● سید یاسر هشترودی:

من با نوشتن نمی‌توانم

رسالتی را بر عهده بگیرم.

رسالتی که اساساً در ماهیت کار

نویسنده نهفته است

ما این کتاب را به راستی و درستی برای مردمان بر تو فرو فرستادیم.
پس هر که راه یافت به سود خود اوست و هر که گمراه شد جز این نیست که گمراهی به زیان خود او خواهد بود. و تو [ای پیامبر] گماشته و نگهبان آنها نیستی.
قرآن کریم، سوره زمر (۳۹)، آیه ۴۱

نوشته انسان نشان خرد او و دلیل فضل اوست.
امام علی (ع)، گزیده میزان الحکمه، حدیث ۵۴۱۶، به نقل از غرالحکم

دنیایچه

تاریخنویسی و داستان نگاری مذهبی: نکته‌ها و چالشها- ۹

ابزارهای درون متنی سنجش و درک

۷. بازسازی صحنه

برای درک بهتر روایت تاریخی باید صحنه رخداد تاریخی و صحنه نقل آن رخداد را بازسازی کرد. این بازسازیها می‌تواند علاوه بر درک بهتر از رخداد، تناقضها یا تضادهای احتمالی موجود در نقل را که در تقابل با شرایط صحنه قرار دارند نشان دهند.

مقصود از بازسازی صحنه، کنار هم نهادن عناصر گفته شده در نقل یا فضای پیدایش نقل و ویژگیهای گوینده و شنونده نقل، به علاوه کلیه اطلاعات دیگری است که مورخ باید درباره زمان، مکان، با شرایط، اقلیم شناسی، فرهنگ، تمدن و آداب و رسوم، ویژگیهای جسمی و روحی، مسائل اقتصادی و دیگر آگاهیها و دانشهای مرتبط با عناصر انسانی و غیر انسانی درگیر در واقعه تاریخی و نقل آن بداند.

بازسازی صحنه رخداد تاریخی و نقل آن می‌تواند درکی شفاف، دقیق و صحیح از رخداد به تاریخپژوه ببخشد.

۸. ناگفته‌های نقل

در بسیاری از نقلهای تاریخی- از قرآن گرفته تا روایات- شاهد چیزی به نام ایجاز هستیم. این ایجاز یا ناشی از این است که در شرایط نقل، یا نیازی به طرح مباحث و نکات بیشتر نبوده است یا شنونده یا شنوندگان و به عبارت بهتر مخاطب یا مخاطبان نقل، اطلاعاتی را در ذهن داشته‌اند و نیاز به بازگویی آنها نبوده است. در واقع، اطلاعات تاریخی مندرج در نقل، گاه- و حتی اغلب- تکمیل کننده یا اصلاح کننده دانش مخاطب است.

بنابراین شناخت مخاطب و دانشها، اطلاعات، آگاهیها و دیده‌ها و شنیده‌های او و شرایطی که در آن می‌زید، کامل کننده اطلاعات موجود در نقل و بیانگر ناگفته‌های نقل خواهد بود.

دستاورد

پس از طی مراحلی که تا اینجا درباره شرایط صحت و درک متن تاریخی از بیرون و درون داشتیم، پژوهشگر تاریخ یا داستان‌نویس مذهبی، متوجه خواهد شد که چه مقدار اطلاعات صحیح و دقیق در اختیار اوست. در این حالت، کار تاریخنگار، تنها گردآوری، دسته‌بندی، دقت‌افزایی، شرح و توضیح، طبقه‌بندی و تدوین اطلاعات تاریخی است و وظایف وی به همین جا خاتمه می‌یابد و او می‌تواند اگر مایل باشد به تفسیر و تحلیل دست زند یا دستمایه‌ای برای تفسیر و تحلیل در اختیار دیگران بگذارد.

اما داستان نگار مذهبی- آن هم نگارنده داستان تاریخی- مراحل دیگری را باید طی کند.

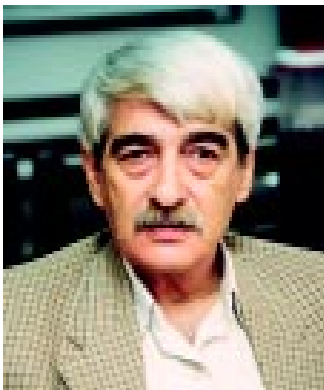
یک پرسش

خواننده آگاه می‌تواند پرسشی را در همین جا مطرح سازد و آن این است که به هر حال تاریخنگار مذهبی باید چنین مراحل را بگذراند و از هفت خان پژوهش رد شود اما داستان نگار مذهبی که تخصص اصلی او ادبیات است چرا باید همانند یک پژوهشگر دینی و تاریخی دست به این گونه فعالیت‌های تخصصی بزند؟ آیا چنین نیست که او تنها یک ادیب و داستان نگار است و این گونه پژوهشها باید به دست متخصصان تاریخ و تاریخ دین و دین پژوهان سامان یابد و در اختیار داستان نگار باشد؟

پرسشی است به جاولی در این مقطع زمانی که به سر می‌بریم متأسفانه هنوز نگارش تاریخ صحیح دینی در ابتدای راه است و دین پژوهان متخصص در این زمینه کم داریم. همانها نیز تنها بخشهایی کوچک از تاریخ دینی را متخصصانه به پژوهش نشسته‌اند. بنابراین تا سالهای آینده که روند تاریخنگاری دینی از سوی متخصصان دین و تاریخ رشد بیشتری کند، پر کردن جای خالی این گونه پژوهشها بر عهده کسی است که به آن نیاز دارد. اگر او توانست فرد یا گروهی از پژوهشگران دین و تاریخ را در این زمینه به خدمت بگیرد، بیگمان بخت با او همراه بوده و راه را برای او هموارتر ساخته است.

گفت‌وگویی کوتاه با پرویز خرسند به بهانه انتشار کتاب «من و یگانه و دیوار»

زندان یعنی در بسته



- سال ۴۳ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد شدم و سال ۴۶ مرا از دانشگاه به زندان بردند. تا سال ۴۷ در زندان بودم. پس از آزادی به دانشگاه برگشتم و سال ۴۹ لیسانس گرفتم. بعد از لیسانس پس از نامه‌ای که دکتر شریعی برایم نوشت به تهران آمدم و از همان سال تاکنون مقیم این شهر شلوغ هستم.

چرا زندان؟

به خاطر داشتن اعتقادات و نوشته‌های مذهبی.

نوشتن را از چه زمانی شروع کردید؟

از ۱۶ سالگی. من ظرف یک ساعت نویسنده شدم. کلاس سوم دبیرستان بودم. کتابی درباره شخصیت‌های کربلا نوشتم به نام «در آنجا که حق پیروز است».

محمدرضا حکیمی و پدر دکتر شریعی مقدمه‌ای بر این کتاب نوشتند. به خاطر همین کتاب از طرف ساواک مورد تعقیب قرار گرفتم. مدتی در یک روستا در اطراف مشهد پنهان شدم

و زندگی کردم؛ روستایی که شریعی نیز مدتی در آنجا بود و زندگی کرد. بعد از مدتی که آنها از آسیاب افتاد دوباره به شهر برگشتم. پس از بازگشت، سال ۴۲ بود که مرا از دبیرستان به زندان بردند. اولین باری بود که به زندان می‌رفتم. پس از چند ماه آزاد شدم.

تنها به خاطر داشتن عقاید مذهبی با رژیم مشکل داشتید؟

رژیم نسبت به طرز تفکر و نگاهی جدید به مذهب که توسط استاد محمدتقی شریعی در حال رشد بود حساسیت داشت، هر کس که به سمت او گرایش داشت مورد آزار قرار می‌گرفت. من هم یکی از آنها بودم. هیئت‌های مذهبی و توده مردم برای رژیم خطری نداشتند اما حرکتی که محمدتقی شریعی در بین قشر تحصیلکرده تحت عنوان «کانون نشر عقاید اسلامی» آغاز کرده بود برای آنها خطرناک بود. چون این مذهب محدود به عزاداری و آداب و رسوم نبود. نگاه محمدتقی شریعی به مذهب، نو بود. این مذهب حرکت ایجاد می‌کرد. خرافات و باورهای بی‌پایه و سست نبود.

تحت تأثیر این جریان به ادبیات مذهبی گرایش پیدا کردید؟

بله.

به نظر شما ادبیات مذهبی چه ویژگی دارد؟

ادبیات مذهبی بسیار جای مانور دارد. می‌توان آن را در قالب‌های مختلف مثل قصه، شعر، نثر و دیگر شیوه‌ها به کار گرفت، در ادبیات مذهبی حتی می‌توان با اسامی دیگری با شخصیت‌های دیگری جز انبیا و اولیا، از شخصیت‌هایی استفاده کرد که همان معنویت را انتقال بدهند. پرداختن به این ادبیات معمولاً با مشکلاتی همراه است. شما دلیل آن را چه می‌دانید؟

زندان، شکنجه و گاه مرگ. اما خرسند، ادیب است. ادیب شیعی است. سخن از او می‌جوشد و اگر خود را و او را رها کنی، در می‌یابی که روزها و شبها یکسره می‌گوید و هر چه می‌گوید، خوب است و شنیدنی است. از آنهاست که باید نشان در می‌یابی که هر انسان، کتابی است منحصر به فرد که خدا آن را با قلم خود نوشته است و با کتاب دیگر فرق دارد. این رایشویان معصوم شیعه به خوبی می‌دانستند و گوهرها را در دل صندوقچه‌های گردآلود می‌شناختند و باز می‌یافتند. مدیریت خوب هم همین است؛ شناسایی نقاط قوت و ضعف انسانها، به کارگیری امکانات و ظرفیتهای مثبت انسانها در نظامی هماهنگ، بی آن که نقاط ضعف آنها مانع پیشبرد نظام شود.

امثال خرسند را یک نظام کارآمد و هدفمند دینی باید قدر بدانند و او را به میان جوانها و جوانها راه پای گفتار او بفرستند و از هنر نفوذ کلام آنها برای نفوذ مذهب در دلها بهره‌گیری نه آن که به هزار دلیل، نسخه اصلی دو اثر او گم شود.

به هر حال، امروز پرویز خرسند و بسیاری از نویسندگان تأثیر گذار مذهبی برای نسل جوان ما ناشناخته یا کمتر شناخته‌اند.

خواه راضی باشد خواه نباشد. شاید این چند سطر که درباره پرویز خرسند نوشتم، تنه‌ای کار ثبت گزارش یک واقعیت بیاید. اما شاید جوانی اهل ذوق و علاقه‌مند به کتاب را که هر روز پیر مردی بلندقد و چشم آبی را می‌بیند که یک پاکت سیگار می‌خورد و می‌رود، متوجه کند، که همیشه کتاب را از جلدش نمی‌توان شناخت.

دبیر بخش دین



● پرویز خرسند: در ادبیات مذهبی، نویسنده در خلق اثر آزاد نیست چون با یک شخصیت یا موضوع الهی سروکار دارد

«من و یگانه و دیوار» محصول تنهایی و رنج ایامی تلخ است که نویسنده در خلوت خویش پیوسته می‌گفته: «دلم گرفته است. دلم گرفته است... ابتدا که اینجا آمدم پر از غربت و تنهایی بودم و می‌اندیشیدم تا کجا می‌توانم چنین زیست و اگر نتوانم دوستان داشته باشم زندگی در این چهار دیوار محدود چه سخت و غیرقابل تحمل خواهد بود. اما زود دریافتم که در چشمپاشان بیش از کینه، محبت است که موج می‌زند و این امواج آن چنان تخته پاره‌ها را به هم نزدیک کرد که اکنون به کشتی شدن می‌رسیم... نشسته‌ام و سعی می‌کنم به در بسته نیندیشم. چون زندان یعنی در بسته.»

خواه راضی باشد خواه نباشد، برای ادای وظیفه -نه؛ برای خالی کردن بخشی از باری که سالهاست بر دلم سنگینی می‌کند اینها را می‌نویسم.

ادبیات مذهبی همان گونه که عطر پویش، آزادگی، ستم ستیزی، امید و کرامت انسان را می‌پراند، بوی خون و زندان و تبعید و شکنجه و محرومیت هم می‌دهد. انگار سرنوشت محتوم ادیبان دینی یا دینمداران ادیب است که چون شیر پیر، هم هیبت و مهابت داشته باشند و همگان از آنها بترسند، هم اگر وقت کردند، سنگی به سوی آنها پرت کنند. تاریخ را خودتان ببینید.

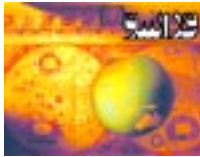
زمانی در این کشور، نوشته‌هایی از علی شریعی و پرویز خرسند - این دو یار دیرین - دست به دست می‌شد و روح حماسی ادبیات شیعی را در جان و دل جوانان می‌دیدم. شباهت این دو گونه ادبیات، گاه برای آنها که نمی‌دانستند، مایه اشتباه میان شناخت نویسندگان آنها می‌شد. سرانجام شریعی رفت و خرسند ماند، با همان ادبیات که نسل اول انقلاب را پرورده بود.

خرسند را از نوشته‌هایش می‌شناختم. اما حدود ۱۰ سال پیش که با او آشنا شدم دریافتم که مصاحبه با خرسند یعنی مصاحبه با بخشی از تاریخ و جغرافیای ادبیات شیعی. کسی که از دورانی کودکی تا بودن با شریعی و پدرش، از دانشگاه تا زندان، از ازدواج تا کار و از این صحنه تا آن صحنه زندگی، هر کدام برای او خاطره‌ها و دستاوردهای شنیدنی، خواندنی، آموزنده و پر بار داشته‌اند. به او پیشنهاد کردم خود- زندگینامه‌ای بنویسد یا برای کسی بگوید تا ضبط شود و به صورت کتاب درآید.

اما بخشی دیگر از زندگی خرسند را شاید کمتر کسی بداند. می‌خواهد راضی باشد، می‌خواهد نباشد. خرسند شهبالی را به سر آورده است با این اندیشه که فریاد کند تا پول سیگار خود را مجبور نباشد از همسرش بگیرد. چند وقت پیش به همکاری با نشریه‌ای دعوت شدم مربوط به سازمانی عریض و طویل که خرسند پیش از این سردبیر آن بود. می‌دانستم که در این سازمان بزرگ، حقوق ماهیانه خرسند از یک کارمند دوپنایه هم کمتر است. در فیش حقوقی، سمت او را چنین نوشته بودند: «نویسنده درجه ۲». از یک سو ناراحت بودم از این که چرا شخصی مثل خرسند از یک نشریه کنار می‌رود و در نظامی حساب شده قرار نمی‌گیرد که از توان قلمی او بهترین استفاده شود، از دیگر سو خوشحال شدم که دیگر خرسند «افتخار» همکاری با چنین سازمانی را ندارد؛ سازمانی آن قدر فرهنگشناس که یک «ردیف» به نام «سردبیر» در فهرست مشاغل آنها نیست؛ سازمانی آن قدر سطح بالا و «باکلاس» که پرویز خرسند، در آن، نویسنده درجه ۲ است. سازمانی با مدبران و کارکنانی آن قدر باشعور که نمی‌دانند اگر کسی حتی نویسنده درجه ۲ باشد، این را نباید در فیش حقوقی او بنویسند.

خرسند، ممکن است مثل هر کس دیگری، هزار عیب و ایراد جور و اجور داشته باشد. خوراک او جای و سیگار است. چند شبانه روز رایکسره با شریعی در یک جاننشسته‌اند و با جای و سیگار یک کتاب را به پایان رسانده‌اند. بوخی از اشعار اهل بیت نیز شراب می‌نوشیده‌اند اما همه به روی آنها نمی‌آوردند؛ اشعار و ادیبانی بایامی سرخ و داری بر دوش و با سرنوشتی از تبعید، آوارگی،

تازه های دنیای دین



The Good Book:

Reading Bible with Mind and Heart

کتاب سودمند: مطالعه انجیل با عقل و دل



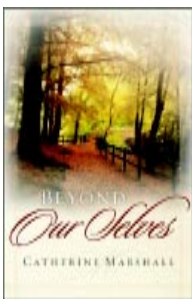
نوشته: پیتر ج. گومز Peter J. Gomes، ۴۰۰ صفحه، ناشر: Harper San Francisco، آوریل ۲۰۰۲، بها: ۱۴/۹۵ دلار.

در شرایطی که تحصیل و فراگیری علوم کتاب مقدس به طور تاریخی و از دیرباز به مدارس الهیات و اعضای کلیساها سپرده شده است، پیتر گومز - کشیش صاحبنام کلیسای دانشگاه هاروارد و استاد الهیات - کتابی را به نگارش در آورده است که به گونه ای روشن و روشنگرانه مطالب گرانمای کتاب مقدس را با نثر و زبان امروزی تحلیل می کند.

علاقه و نوشته های گومز در این اثر حاکی از تحقیق و بررسی او در ابعاد دیگری از کتاب مقدس است و این که چگونه این کتاب می تواند به عنوان باور مذهبی، به ویژه هم از جنبه های احساسی و هم از جنبه های خردگرایانه و مصلحت اندیشانه جایگاهی خاص در زندگی روزمره داشته باشد.

Beyond Our Selves

ماورای خویشتیمان



نوشته: کاترین مارشال Catherine Marshall، ۲۶۶ صفحه، ناشر: Chosen Books Pub. Co.، ژانویه ۲۰۰۲، بها: ۱۲/۹۹ دلار.

نویسنده در این کتاب، حکایتها و داستانهای را از دوران کودکی تا زمان ازدواج خود شرح می دهد. این کتاب برای خواننده همانند گشت و گذاری پر رمز و راز و سؤال برانگیز است و نویسنده راهنمایی را در قالب موضوعهایی نظیر بخشش، رنج و درد، معجزه و شفا بر سر راه خواننده قرار می دهد. در نتیجه، خواننده در مسیر پیگردی و جست و جو برای یافتن یک زندگی پر معنا و هدفدار، ایمانی کاربردی و برقراری رابطه ای نزدیکتر با خدا به مکاشفه ای می رسد.

کتاب «ماورای خویشتیمان» هوای تازه ای است برای تنفس میلیونها انسانی که در سراسر دنیا در جست و جوئی زندگی هدفمند و رسیدن به باور و اعتقادی آرامش بخش با زندگی دست و پنجه نرم می کنند.

مشغول کار می شود. از کارهای رادیویی او در دهه ۶۰ «در انتهای شب» را می توان نام برد. از سال ۵۸ نیز مدتی سردبیری مجله سروش را به عهده داشته است. وی سال گذشته در پانزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یکی از خدمتگزاران ساحت فرهنگ عاشورای حسینی در بخش نویسنده برگزیده متن ادبی مورد تقدیر قرار گرفت.

«من و یگانه و دیوار» از سوی مؤسسه نشر شهر در ۲۹۲ صفحه رقیعی و به بهای ۳۲۰۰ ریال در شمارگان ۵۰۰۰ نسخه روانه بازار شده است.

یادداشت پرویز خرسند

برای گزارشگر کتاب هفته در صفحه

آغازین کتاب «من و یگانه و دیوار»

دخترم سر کار خانم فیروزه شریفی در آرزوی روزی که به راستی از اسلام - دینی که ضرب تمامی ادیان در هم است و اضافه شدن کرامتهای انسانی و اخلاقی کامل کننده اش - بتوانیم حرف بزیم و ایران اسلامی فرادیه فضای مردمسالارانه راستینی رسیده باشد و بی شک این رسالت شما جوانان صادق و پاک و شریف و دردمند و در دشمنان است. خاک و خاکستر من نیز فدای قدمهای راهگشایان که از من و نسل من چیزی نمانده است و به قول برتولت برشت: «ما که می خواستیم جهان و مردمی مهربان بسازیم، خود توانستیم مهربان باشیم.» خدا کند که شما بتوانید - که بی تردید می توانید - و هرگز ناهیدی و یأس و ضعف را به گستره وجود و اراده تان راهی نیاورد.

پیروزی شما و نسلتان و آیندگان که هم اکنون در کار دست و پا زدن اند و آنهایی که ایان را به حمایت می آیند و نسلها هر روز بیشتر به خلاقیت و آفریدگاری می رسند. همچون شما که نسبت به نسل من قدمهای کارسازتر و قدرتمندتری یافته اید و پیش می روید. فقط به دوران و امکاناتی بالقوه و بالفعل ما هم با تأمل بیندیشید و باور کنید که می خواستیم دنیای سالمی را هدیه تان کنیم و توانستیم. دعا می کنم که شما بتوانید و مثل من اثرمنده نسلهای بعد از خود نباشید.

با عشق و احترام و امید به زندگانی پیروزمندانه شما - پرویز خرسند

اثر دیگری است که بعد از ۳۵ سال معطلی بالاخره در اسفند سال ۸۰ به چاپ رسید. این کتاب مجموعه نامه ها و یادداشتهای دوران زندان من است. دکتر شریعتی بعد از خواندن آنها مرا به چاپ آنها تشویق کرد.

چرا با معطلی و این قدر دیر؟ این کتاب از سال ۴۷ آماده است و شاید ۲۰ بار آن را پاکت نویسی کردم و هر بار ناشران بدون هیچ دلیلی مرا معطل کردند. آن قدر سالها بدقولی کردند و مرا برای چاپ معطل نگه داشتند که نتوانستم کار بعدی را به دست بگیرم. اگر خوشقول بودند کتابهای بیشتری می نوشتم و بسیاری از مشکلات مالی امروز را نداشتیم. حداقل برای خانواده ام یک خانه تهیه کرده بودم. غیر از بدقولی و تأخیر در چاپ، دستنویس دو کتابی که بسیار آنها را دوست داشتم و آماده چاپ بود کلاً توسط ناشری که برای چاپ پیش خود داشت گم شد. یکی درباره سیاحتنامه ابراهیم بیگ و دیگری در مورد حمله مسلمانان و سقوط ساسانیان. شریعتی بسیار دوست داشت این



پرویز خرسند: اگر برخورد خشک با مذهب نباشد، خلاقیت و لطافت بیشتری در آثار مذهبی می تواند به وجود آید

کتاب به عنوان یک کتاب مذهبی به چاپ برسد. چرا که درباره ورود سپاه اسلام به قادیسیه و میل باطنی ایرانیان برای پذیرش دین اسلام بود. متأسفانه زیراکس نسخه اصلی این کتاب هم گم شد و این اثر هرگز به چاپ نرسید. پرویز خرسند متولد سال ۱۳۱۹ و اهل مشهد است. پیش از انقلاب اسلامی در حسینیه ارشاد به نویسندگی و ویرایش آثار نویسندگان مذهبی و تنظیم سخنرانیهای مرحوم شریعتی مشغول بوده است. از دهه ۵۰ در رادیو به عنوان نویسنده

در ادبیات داستانی به شکل عادی آن یا مشکلی نداریم به این معنی که آقابالاسری نیست که مرتب جلو آدم را بگیرد و بگوید: چرا درباره شخصیت داستان این را گفتی یا نگفتی. در نتیجه نویسنده نگران عصبانی شدن کسی نیست. اما در ادبیات مذهبی متولی زیاد است. نویسنده در خلق اثر آزاد نیست چون با یک شخصیت با موضوع الهی سرو کار دارد. جلو نویسنده را می گیرند و او را مورد سؤال قرار می دهند که مثلاً چرا حضرت علی (ع) را با چنین ویژگی توصیف کردی یا نکردی و یا... همین باعث می شود خیلی از نویسندگان هراس از ادبیات مذهبی نروند و آنها که عشق و علاقه شان از این مقوله است با مشکلات و محدودیتهای زیادی روبه رو شوند. اگر این برخورد خشک با مذهب نبود خلاقیت و لطافت بیشتری در آثار مذهبی می توانست وجود داشته باشد.

البته در بیشتر موارد منتقد و معترض اصلی گمنام است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجازه چاپ می دهد، چاپخانه چاپ می کند اما یکمرتبه جلو توزیع به دلیل مخالفت یک شخص که معلوم نیست کیست گرفته می شود. تازه این مخالفت برای کل کتاب نیست، به خاطر بعضی از صفحه های آن است. و این یکی از ضربه های نابه جای فرهنگی است. یک کتاب را نباید به این دلیل که خلاف عقیده یا باور ماست رد کنیم. باید اجازه طرح فکر باشد. در گذشته نیز اندیشه جدید محکوم بود و این برخورد خشک عمده ترین مانع رشد آثار و بازار کتابهای مذهبی است. زیرا جامعه به ویژه نسل جوان می خواهد بیشتر و منطقی تر بداند. نگاه خشک، جامعه را به مذهب نزدیکتر نمی کند و این بسیار خطرناک است به ویژه وقتی که بازدارندگی از موضع تحقیق و مخالفت با نظر نادرست هم نباشد.

چند کتاب نوشته اید؟ مجموعه اشش کتاب. «آنجا که حق پیروز است»، «برزیگران دشت خون»، «مرثیه ای که ناسروده ماند»، «همه جا کربلا، همه روز عاشورا» و مجموعه مقالاتی که پیش از سخنرانیهای دکتر شریعتی خوانده می شد به نام «پیغام زخم». محتوای این آثار همگی درباره یاران امام حسین (ع)، کشتگان عاشورا و شخصیتهای کربلاست. «من و یگانه و دیوار»

کتاب کتاب کتاب

آخرالزمان و نگاه امروزی



نشانه های پایان، نوشته علی فاطمیان، چاپ اول، قطع رقیعی، ۶۰۴ صفحه (مصور)، ۱۵۰۰ نسخه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۱، بها: ۲۹۵۰۰ ریال.

این کتاب به بررسی اجمالی اساس فکری و اعتقادی آیین یهود و مسیحیت و فرجام شناسی کتاب مقدس می پردازد. به بیان دیگر، طرز نگرش این دو مذهب به مباحث آخرالزمان را مورد بررسی قرار می دهد و با بیان تعاریف بنیانی در فرجام شناسی، پاره ای از پیشگوییهای متون مقدس مربوط به آخرالزمان را از زبان یهودیان و مسیحیان بازگو می کند؛ پیشگوییهایی که شاید به دلیل دور بودن زمان تحقق وعده و یا مبهم و رمزگونه بودنشان، همچنان دست نخورده باشند.

در این کتاب، همچنین تصویری از حال و هوای یهودیان و مسیحیان عصر حاضر و دیدگاهشان نسبت به رویدادهای معاصر و تفسیر و برداشتشان از عبارات کتاب مقدس و تطبیق آن با این وقایع، به نقل از مقالات و نوشته های خودشان ارائه می گردد و هدف از آن، بازتاب احساس قریب الوقوع بودن پایان دنیا و وقایع مربوط به آخرالزمان به صورتی گسترده و فراگیر در سر تا سر عالم است.

کتاب حاضر در ۱۱ بخش و هر بخش با زیرعنوانهایی گاه بسیار سامان یافته است.

پیام عرفان

همراه با عارفان، عیاران و جوانمردان؛ نوشته محمود حکیمی؛ چاپ اول؛ قطع وزیری؛ ۶۸۰ صفحه؛ ۳۵۰۰ نسخه؛ انتشارات حریر؛ تهران؛ ۱۳۸۱؛ بها: «همراه با عارفان، عیاران و جوانمردان» نام اثر تازه ای است از نویسنده و پژوهشگر پرکار محمود حکیمی که بیشتر آثار خود را برای نوجوانان و جوانان و با درونمایه مذهبی می نویسد. او در مقدمه کتاب با صراحت آورده است که هدفش «شرح شطحیات و طامات» و یا «تفاوت عرفان و تصوف» نیست بلکه هدف اصلی او تفهیم این مطلب است که فرهنگ اسلامی - ایرانی مردم ایران بر عشق، انساندوستی، جوانمردی و محبت استوار است. او ادبیات عرفانی را جانمایه ادبیات انسانساز فارسی می داند و هنگام بحث از «شعر بیداری و شاعران بیدارگر» در بخش اول کتاب از شاعرانی سخن می گوید که به جای مدح حاکمان و پادشاهان، توانمندی خویش را در راه بیدار کردن مردم و دفاع از مردم ستمدیده و تحقیر ستمگران به کار می بردند.



بخش سوم کتاب به بررسی آثار عطار، مولانا، فردوسی، اقبال و شاعران دیگر اختصاص یافته است. در بخش چهارم، اشعار عرفانی در گستره زمان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته اند. آخرین قسمت این بخش شامل رباعیات ابوسعید ابوالخیر، اوحدی کرمانی، بیدل دهلوی، فاضل کاشانی و... است. رباعیاتی که پیام آور انساندوستی و عشق و محبت اند. انواع شعر فارسی - حاوی مطالبی آموزنده - در پایان بخش چهارم قرار دارد.

کتاب دارای سه ضمیمه است: ضمیمه اول، مقاله سعید نفیسی درباره سید اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال)؛ ضمیمه دوم، مقاله «عشق پهلوان» به قلم دکتر غلامحسین یوسفی؛ و ضمیمه سوم، «دین و مذهب فردوسی» سخنرانی استاد سید محمد محیط طباطبایی را در بر می گیرد. حکیمی در جای جای کتاب تبلیغ فرهنگ انسانپرور عرفانی را در عصر ما بسیار ضروری می داند.

نظریه عدالت از دیدگاه ابونصر فارابی، امام خمینی و شهید صدر؛ نوشته دکتر محمدحسین جمشیدی؛ ویراسته حکیمه دسترنجی؛ چاپ اول؛ قطع وزیری؛ ۶۹۶ صفحه؛ ۲۰۰۰ نسخه؛ انتشارات پژوهشگاه امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی؛ تهران؛ ۱۳۸۰؛ بها: ۲۵۰۰۰ ریال.

عدالت، اسلام و عالمان مسلمان

مؤلف در این کتاب با نگاهی اجمالی به نظریه عدالت در دوران باستان، مشرق زمین و غرب جدید، نگاه خود را بیشتر معطوف به نظریه های عدالت در اسلام (قرآن، سنت، کلام) نموده و سپس تلاش کرده است تا به عنوان یک بررسی موردی به تبیین دیدگاههای سه متفکر بزرگ جهان اسلام یعنی ابونصر فارابی، امام خمینی و آیت الله سید محمد باقر صدر بپردازد. کتاب با مقدمه ای درباره طرح پژوهشی و تفسیری کتاب آغاز می شود. بخش اول کتاب به مفاهیم و نظریه های عدالت در اسلام (قرآن، سنت، کلام) اختصاص دارد. بخشهای دوم، سوم و چهارم به ترتیب به عدالت در فلسفه سیاسی ابونصر فارابی، عدالت در اندیشه سیاسی امام خمینی و عدالت در اندیشه سیاسی شهید صدر می پردازد. بخشهای کتاب شامل فصلهایی مستقل و مفید به عنوان مقدمه یا متن موضوع مطرح شده در عنوان بخشها هستند.

گفت و گو با دکتر محمدعلی موحد تاریخ نویس، محقق و مترجم

خواب آشفته نفت

نگاه دوم به یک اثر تاریخی



نفت،
دوران دکتر مصدق
و کودتای ۲۸ مرداد

فعالان سیاسی مواظب رفتار خود باشند و واکنش مردم را ارج بنهند و بخوانند مقبول عموم باشند و به خلق خدا خدمت کنند. در این کتاب اشاره من بر اشتباه دکتر مصدق بود و اینکه چرا او آخرین پیشنهاد مشترک آمریکا و انگلیس را که در واقع پیشنهاد دوم مشترک آنها درباره نفت بود نپذیرفت. چرا که مصدق تا آنجا که توانسته بود آنها را جلانده بود. از قدیم گفته شده که: «مالایدرک کله لایترک کله». حق آن بود که مصدق پیشنهاد دوم را می پذیرفت گرچه آن پیشنهاد تمام مقاصد ملی شدن صنعت نفت را تأمین نمی کرد اما بهتر از راههای دیگری بود که تا آن زمان مطرح شده بود و باز بسیار بهتر از شرایطی بود که بعد از کودتا تحمیل شد؛ بعد از کودتا ما در شرایطی قرار گرفتیم که آنها می توانستند هر چه را می خواستند به ما تحمیل کنند. خود مصدق در این باره گفته است که اگر من آن پیشنهاد را می پذیرفتم، وصله های بسیاری به من می چسباندند. حرف مصدق درست است. وصله می چسباندند اما برای مردم بهتر بود. می گویند ملی کردن نفت یک مسأله صرفاً اقتصادی نبود. برای این نبود که ما پول بیشتری به دست آوریم. ملی کردن نفت یک هدف بزرگتر سیاسی داشت. می گویم: تصادفاً ما در این جریان از نظر سیاسی خسارت بیشتری تحمل کردیم تا از نظر اقتصادی. وقوع کودتا، روال پیشرفت جامعه مدنی را چند دهه به عقب انداخت و از نظر سیاسی ما را گرفتار دیکتاتوری عجیبی کرد؛ راه را هم برای تسلط بیگانه و هم برای استبداد داخلی باز کرد.

اگر در آن تاریخ به نحوی تسالم صورت می گرفت تبعات بعدی پیش نمی آمد. اما اینکه اشاره کردید که اگر مصدق با شاه کنار می آمد کودتا صورت نمی گرفت، نظر درستی نیست. چرا که شاه در آن جریان طراح کودتا نبود بلکه وسیله و ابزاری برای انجام آن بود؛ یعنی مسأله، مسأله اختلاف شاه و مصدق نبود. اگر شاه قبول نمی کرد کودتا از بالای سر شاه و بدون مشارکت او انجام می شد.

جدای از تأثیری که آمریکا و انگلیس در سقوط مصدق داشتند گمان می کنید شرکت های نفتی بزرگ آن زمان هم آیا تأثیری در سقوط مصدق داشته اند و اگر آری، چگونه و چرا؟

آمریکای آن زمان، آمریکای امروز و با این حضور و گستردگی در شرق و غرب جهان نبود. آمریکا نیاز داشت که نظر شریک استراتژیک خودش (انگلیس) را تأمین کند. شرکت های نفتی هم ملی شدن نفت را به ضرر خودشان می دانستند. می خواستند وضع ایران عبرتی باشد برای دیگران. مسأله ایران برای انگلیس پرستیژ بود. در آن زمان یک کارتلی بر نفت مسلط بود؛ یعنی کارتل بین المللی نفت. اعضای آن همان هفت یا هشت شرکتی بودند که بعد از کودتا قرارداد کنسرسیوم را با امضا کردند و نفت تمام دنیا در انحصار آنها بود. شرکت های مستقل هم در آمریکا بودند اما آنها در خاورمیانه دستی نداشتند. در هر حال شرکت های نفتی و دسته بندی آنها در ناکام ماندن کوشش های مصدق و بایکوت نفت ایران مؤثر بود ولی شرکت های نفتی تا آنجا که من می دانم، در عملیات کودتا دخالت مستقیم نداشتند یعنی طراحی و راه اندازی کودتا توسط سازمان های اطلاعاتی انگلیس و آمریکا صورت گرفت و نیازی به دخالت شرکت های نفتی در این عملیات نبود.

از جمله بحث هایی که درباره دوران مصدق و ماجرای ۲۸ مرداد مطرح می شود، طرح «اقتصاد بدون

خواندگان هم قرار گرفته باشد که تا آنجا که توانستم با این جریان منصفانه برخورد کردم و مطالب زیادی درباره کتاب نوشته شده و اظهار نظرها متعددی شده است. از جمله در نمایشگاه کتاب دو سال پیش کسی گفت که «بوی صداقت از این کتاب ساطع است.» این گفته دلنشین ترین نظری بود که شنیده بودم و مرا امیدوار کرد به اینکه توانسته باشم صداقت پیشه کنم. به هر روی الان ما با آن زمان فاصله زیادی گرفته ایم و حب و بغض هایمان باید فروکش کرده باشد ما مردمی بشدت احساساتی هستیم و همیشه درباره بزرگان و نامداران یا چنان با حب فراوان برخورد می کنیم که به شیفتگی و غلو می انجامد یا چنان عیب جویی بغض پیشه می کنیم که رنگ دشمنی و عناد به خود می گیرد. پیامبر اکرم (ص) درباره حضرت علی (ع) فرموده است: «دو گروه درباره تو گمراه شدند اول آنها که خیلی تورا دوست دارند و غلو می کنند و دیگر آنها که تورا بسیار دشمن می دارند و با تو عناد می ورزند.» پس این تجربه که درباره اشخاص بزرگ همیشه یک مقدار حب و بغض را با قضاوت آمیخته ایم، کاملاً مشهود است که عرض کردم درباره مصدق هم همین گرفتاری بوده است اما من امیدوارم تا حدی که می توانسته ام و قدرت قلم و بیان من اجازه می داده به قول خود وفادار مانده و از داوری منصفانه منحرف نشده باشم. اما اگر منظورتان از کمرنگ بودن نقش دکتر مصدق در ۲۸ مرداد آن باشد که دکتر مصدق در برابر آن ماجرا واکنش نشان نداد، بله. معنای کمرنگ بودن اگر این است من هم قبول دارم که او واکنش نشان نداد. در فصل آخر کتاب درباره اینکه چرا او واکنش نشان نداد نیز بحث کرده ام. فکر می کنم که مصدق در بن بست قرار داشت و نمی خواست واکنشی از خود نشان دهد. او می بایست طوری عمل می کرد که نهضت نفت تمام شده تلقی نمی شد و عمل او به تمکینی درباره کودتا تعبیر نمی شد. در عین حال نمی خواست مردم را به میدان بکشد و به کشتن بدهد. مصدق هم می خواست که خونریزی صورت نگیرد و هم نهضت و اصول مربوط به آن را حفظ کند یعنی طوری نباشد که درباره اش بگویند که او تمکین کرد و تسلیم شد. جان او در آن شرایط در خطر بود با این وجود بسیار حساب شده کار می کرد؛ بویژه در روزهای واپسین برخلاف آنچه برخی از دوستان نوشته اند که او مثلاً تحت تأثیر قوم و خویش های خود قرار گرفته بود، مصدق هرگز فریب نخورد و با هوشیاری تمام عمل کرد.

این علاقه که برخی افراد به اسطوره شدن دارند و در این راه بیش از آنکه به منافع ملی بیندیشند قهرمان شدن و ماندن در تاریخ برای آنها جذابیت دارد، با توجه به مطالعات شما درباره مرحوم مصدق آیا فکر نمی کنید چنین گمانی هم درباره مرحوم مصدق امکان ظهور داشته باشد؟ برای نمونه با توجه به تجربه و سن کمی که محمدرضا شاه در آن زمان داشت، شاید با اندکی تسامح و سیاسی کاری مصدق می توانست ماجرا را به کودتا نکشاند.

من از اینکه شما مسائل را به صورت سیاه و سفید می بینید متأسفم. علاقه به افسانه شدن و به قول فرانسوی ها قهرمان شدن در همگان وجود دارد و فی نفسه بد نیست. آن که به دنبال فعالیت های سیاسی می رود البته می خواهد که مقبولیت عامه پیدا کند و در دل های مردم راه جوید اما نه چنان که شما گفتید منافع درازمدت را فدای خوشایند عوام و حفظ وجهه خود کند. این یک فضیلت است که

تمام دوران مصدق را در آبادان بودم. در آبادان آن زمان شرکت نفت نشریاتی به صورت هفتگی و روزانه داشت و این نشریات پس از خلع ید زیر نظر مرحوم دکتر علی آبادی قرار گرفت که عضو هیأت مدیره موقت مأمور خلع ید بود. من نیز تصادفاً آنجا سردبیر شب خبرهای روز بودم. لذا کارم در آن دوره معروف به خلع ید با روزنامه شروع شد. پس از چندی که اختلاف میان پیشروان نهضت ملی یعنی دکتر مصدق از یک طرف و مرحوم کاشانی از طرف دیگر آغاز شد، من از وضع کار در روزنامه ملول بودم لذا روزنامه را ترک کردم و به قسمت حقوقی رفتم. زمانی که دوران خلع ید دوم فرارسید (ما دو خلع ید داشتیم، در خلع ید اول ما به آبادان رفتیم و فرنگی ها را بیرون کردیم و در خلع ید دوم فرنگی ها آمدند و ما را بیرون کردند) اداره مرکزی شرکت ملی نفت که تا آن زمان در خرمشهر بود به تهران منتقل شد و فرنگی ها در جنوب مستقر شدند. من هم به تهران منتقل شدم. خلاصه آنکه در تمام مدتی که مصدق بر سر کار بود، تا آن زمان که برکنار شد من در آبادان ناظر اوضاع، احساسات و شور مردم، کارگران، مهندسان و کارمندان بودم و طبعاً آن سرخوردگی ها میان مردم و به طور اخص در میان روشنفکران و علاقمندان به پیشرفت که به دنبال ماجرای برافتادن دکتر مصدق و شکست نهضت ملی ایران اتفاق افتاد، مرا تحت تأثیر قرار

● محمدعلی موحد:

امیدوارم تا حدی که

می توانسته ام و قدرت قلم

و بیان من اجازه می داده

در داوری منصفانه موفق

بوده باشم

می داد. بتدریج علاقمند شدم به بررسی و اندیشه در آن جریان که چرا نهضتی به آن گستردگی که هم به دل ها و اذهان مردم ایران راه پیدا کرده بود، و هم در دنیا منعکس شده و علاقه و احترام فراوانی برای خود جلب کرده بود به آن فاجعه انجامید و به بن بست کشیده شد. به هر روی من از ابتدای ملی شدن نفت در این کار بودم و به اقتضای شغل و سمتی که داشتم ماجرای تحولات نفتی را دنبال می کردم. سال ها پیش هم کتاب «نفت ما و مسائل حقوقی آن» را نوشتم که چاپ سوم آن مقارن انقلاب درآمد. در حال حاضر این کتاب به دلیل عوض شدن ساختار جهانی صنعت نفت، نیاز به بازنویسی دارد و من به همین دلیل از تجدید چاپ آن خودداری نموده ام. علاقه من به موضوع نفت طبیعی بوده و اگر با این همه علاقه چنین کاری نمی کردم باید مورد پرسش واقع می شدم.

در مقدمه کتاب آورده اید که نخواستید تعصب نشان دهید و حد میان داوری منصفانه و مدح و قدح جاهلانه را نگاه داشتید. با این اشاره کوتاه فکر نمی کنید در زمانه ما نسبت به برخی افراد و جریان های کودتای ۲۸ مرداد نوعی نگاه متعصبانه و مطلق گرایانه به وجود آمده است؟ برای نمونه برخی منتقدان جنبش ملی شدن نفت و مرحوم مصدق و ماجرای کودتای ۲۸ مرداد معتقدند در این ماجرا مصدق کمتر نقش دارد. شما در این باره چه نظری دارید؟

در آن مقدمه آورده ام و امیدوارم که مورد تأیید

دکتر محمدعلی موحد در آستانه هشتاد سالگی از بزرگترین تاریخ نویسان حوادث سال های دور و نزدیک ایران است. خواب آشفته نفت حرف های بی شماری از دوران مصدق، تفکرات، نظرات، رفتار و سلوک او دارد.

دکتر محمدعلی موحد، آنگونه که خود در مقدمه کتاب گفته، سعی در داوری منصفانه و بی تأثیر از مدح و قدح داشته است. از ماجرای ملی شدن صنعت نفت در ایران، پیامدها و اسناد مربوط به پیش و پس از کودتای ۲۸ مرداد اسناد و اطلاعات زیادی در دست است اما تنوع در نگاهها و داوری ها و روش تحلیل قضا یا نیز در همگی این اسناد و اطلاعات به همان اندازه گسترده و متنوع است. لذا این مطلب که بتوان براحتی به نگاهی جامع در تحلیل و قضاوت به دلیل وجود منابع متعدد دست یافت از همان ابتدا منتفی است.

دکتر محمدعلی موحد از نوادری است که در این نقل و تحلیل اگر نگوییم هرگز اشتباهی نداشته، باید اذعان بداریم که بندرت احیاناً درگیر نتیجه گیری و تحلیل های شخصی شده است و این نگاهی است که با یک بار مطالعه خواب آشفته نفت به هر خواننده اثبات می شود. مجلدهای دیگر این کتاب در راه است و جلد اول و دوم آن در دست تجدید چاپ است. با دکتر محمدعلی موحد باید پیش از این گفت و گو درباره حوادث مربوط به کتاب را می می گرفتیم که میسر نشد اما دم را هر لحظه غنیمت شماری، امیدبخش است.

نگاهی به کارنامه کاری و فکری شما نشان می دهد در حیطه های مختلفی قلم زده اید. از تصحیح متون کهنی چون مقالات شمس تبریزی، حدیقه الحقیقه و سلوک الملوک تا ترجمه سفرنامه ابن بطوطه و نوشتن اثری در همین زمینه همچنین ترجمه چهار مقاله در آزادی آیزرا برلین و عدالت و انرژی ایوان ایلچ تا تألیف خواب آشفته نفت و اخیراً هم کتابی تحت عنوان در هوای حق و عدالت. پرسش آغازین این است که شما با چه دغدغه محوری خاصی سراغ تألیف و ترجمه این آثار می روید؟

این تنوع تصور می کنم ثمره و محصول حالت روحی و علایق ذهنی من است. گرچه من تحصیلاتم را در رشته حقوق انجام داده ام اما در ساحت های متعددی کار کرده ام؛ در معارف اسلامی، ادبیات، تاریخ، حقوق، فلسفه و دیگر زمینه ها. مطالب مختلفی در اوضاع و احوال و شرایط متفاوت نظر مرا جلب می کند و گاهی در آن واحد از چند جنبه کشش پیدا می کنم تا به موضوعات متعدد بپردازم. در حین کار هم وقتی از موضوعی خسته می شوم با موضوع دیگری خودم را مشغول می کنم و این روش کاری نوع آرامشی در من ایجاد می کند. من از دوران جوانی زندگی محدودی داشته ام و شاید بشود گفت به نحوی انسان منزوی بوده ام. (این انزوا به معنای خلوت نشینی نیست. مقصودم این است که زیاد اهل اختلاط نبوده ام) پس تنها استراحت و تفریح من روی آوردن از یک جبهه تفکر به جبهه دیگر، از یک رویکرد ذهنی به رویکردی دیگر و از یک منظر به منظری دیگر بوده است و این تنوع در کار ترجمه و تألیف و تنها به همین دلیل است.

از چه زمانی به صرافت جمع آوری اسناد و اطلاعات، آثار و مقالات نوشته شده درباره نفت، مرحوم مصدق و کودتای ۲۸ مرداد افتادید؟

در مقدمه خواب آشفته نفت نوشته ام که من

در مسیر تدوین دایرةالمعارف شعر معاصر فارسی

نفت» است. به نظر خود شما در یک برنامه دو یا چند ساله می توان چنین طرحی را اجرا کرد یا آیا آنها که چنین مسائلی را مطرح می کنند به نوعی مبالغه می کنند؟

این موضوع خیلی اهمیت دارد که آیا نفت برای ما بلاست یا نعمت و اینکه اقتصاد بدون نفت عملی است یا نه؟ در زمان مصدق یک بار وقتی مصدق از آمریکا به ایران برگشت این نظر مطرح شد. حتی او از متفکر و مغز اقتصادی چون «شاخ» که در بازسازی اقتصاد آلمان در دوران هیتلر تأثیر داشت، نظرخواهی کرد. در هر حال باید ببینیم که مسأله آن روز ایران با امروز ایران فرق دارد. قطعاً در آن روز اقتصاد ایران به این اندازه توسعه پیدا نکرده بود. شاید آن روز مصدق می توانست بدون نفت مملکت را اداره کند. اما ایران امروزه، ایران آن روز نیست. راه صحیح تر، عاقلانه مصرف کردن پول نفت است. چرا روی این موضوع فکر نمی کنیم؟! اینکه خودمان را مسؤول بدنامی و پول نفت را حرام نکنیم آیا آسان تر نیست؟

به نظر شما دکتر مصدق چه تحلیلی از نیروهای مخالف خود داشت و به عنوان یک سیاستمدار کارکشته و با تجربه و با توجه به شرایط بحرانی پیش از کودتا چه تصمیماتی می توانست اتخاذ کند تا موازنه قوا را به نفع خود تغییر دهد؟

نوع اشتباهات در مردم فرق ندارند. اشتباه میان فیلسوف و عوام یکی است. اما بحث این است که اشتباه یک آدم بزرگ به نتایج بزرگ می انجامد. این تمامیت خواهی و گام به گام جلو نرفتن اشتباهی است که هم یک انسان بزرگ مثل مصدق مرتکب می شود و هم فرد عامی مثل من. اما اثر اشتباه من به اندازه اثر اشتباه مصدق نیست. البته در این اشتباه تاریخی مرحوم مصدق تنها نبود. مرحوم کاشانی نیز اشتباه کرد که از مخالفان او شد و جانب شاه و زاهدی را گرفت که بعدها معلوم شد برای او (کاشانی) هیچ ارزشی قائل نیستند و او تمام سوابق مجاهدت های خود را بیهوده خرج آنها کرد. فداییان اسلام هم که در همان هفته بعد از کودتا اعلامیه دادند و از سقوط مصدق اظهار خوشحالی نمودند، اشتباه کردند.

دو سال قبل اسناد سازمان سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد منتشر شد. شما نیز نقدی روی اسناد داشته اید. به نظر شما این اسناد چه اطلاعات تازه ای برای روشنتر شدن ماجرای ۲۸ مرداد اضافه کردند و تا چه اندازه اعتبار دارند؟ در تعلیقی که بعداً چاپ شد این مسأله را عنوان کردم. در اعتبار آن اسناد تا حدی که منتشر شده البته حرفی نیست. اسنادی نیست که بعدها ساخته و پرداخته شده باشد. این اسناد در همان ایام تنظیم شده اما مهم این است که آن روز هم اسناد را از نگاه خودشان می نوشتند و مسائل را به گونه ای مطرح می کردند که توجیه کننده اقدامات خودشان باشد.

خواب آشفته نفت از قرار معلوم تداوم دارد و جلد دیگری از آن در راه است. در آن جلد به چه مسائلی اشاره خواهید کرد؟

بله. ادامه کتاب؛ دوره ۲۰ ماهه حکومت زاهدی را بعد از کودتای ۲۸ مرداد که دوران فوق العاده جالبی است، دنبال می کند. این دوران تعیین کننده و سرنوشت ساز است. از یک سو در این ۲۰ ماه، دیکتاتوری ۲۵ ساله بعدی پایه گذاری شد و موقعیت ارتش تثبیت شد، مسأله مشارکت ایران در پیمان های دفاعی منطقه ای پیش آمد و الحاق ایران به بلوک غرب و امضای قرارداد کنسرسیوم و محاکمه مصدق. امیدوارم بتوانم امسال توفیق اتمام آن را داشته باشم. بسیاری می دانند که ایرانیان از تجربیات گذشته درس نمی گیرند. گمان می کنید کودتای ۲۸ مرداد چه آموزه های گفته و ناگفته ای برای ما می تواند داشته باشد؟

اول اینکه تمامیت خواه نباشیم چون همه چیز را نمی توان یکجا به دست آورد. ما معمولاً تاریخ را بیشتر برای سرگرمی می خوانیم حال آنکه تاریخ آینه روزگار است و باید آن را خواند تا از آن عبرت آموخت. اما برای نوشتن و خواندن تاریخ باید از آن فاصله بگیریم تا آن را بهتر ببینیم. بتازگی «در هوای حق و عدالت» از شما منتشر شده است. از چگونگی تألیف این کتاب بگویید. بحث درباره آن کتاب نیاز به زمان مفصلی دارد فقط امیدوارم همه جوانان بخوانند. به نظر این کتاب حرف های قابل تأملی برای جوانان دارد.

علی محمد نجاتی شاعر و روزنامه نگار است. ۳۲ سال دارد و در دانشگاه علامه طباطبائی رشته ادبیات فارسی خوانده است. «قدم زدن در کوچه پنجه بست» اولین مجموعه شعرش دو سال قبل توسط نشر آتیه منتشر شد. مجموعه ای از گفت و گوهایش را تحت عنوان «گفتنمان خرداد» منتشر نمود. یک مجموعه شعر تازه در دست انتشار دارد و بخشی از گفت و گوهایش را که قبلاً با اهل اندیشه و نیروهای جنبش دانشجویی داشت، قرار است در هیأت کتاب به چاپ برساند. از سری کتاب های «چهره های شعر معاصر ایران» پیرامون زندگی و آثار ایرج میرزا را با عنوان «شاعر شعرهای ممنوعه» برای نشر ثالث در دست تدوین دارد. «دایرةالمعارف شعر معاصر فارسی» توسط گروهی به سرپرستی نجاتی در دست تدوین است. به همین بهانه گفت و گوی کتاب هفته را با او می خوانید.

آقای نجاتی در مورد «ایرج میرزا» طی چند سال اخیر چند کتاب منتشر شده، رویکرد شما به ایرج میرزا و شعرش از چه منظری است؟

آثاری که پیرامون ایرج میرزا منتشر شده، همه را خوانده ام. این آثار عمدتاً در حوزه کتابسازی قابل ارزیابی است. چون از دیدگاه جامعه شناسی ادبی و از منظر نقد اشعار ایرج میرزا دست به این کار زده اند. اغلب جمع آوری اشعار است. شاید مهمترین کتابی که پیرامون ایرج میرزا نوشته شده، کتاب محمدجعفر محجوب است که برخورد درستی با متن دارد. کتاب دیگر متعلق به کوروش حائری است که این کتاب هم به نظر منیمی از حجمش اضافه است. رویکرد من به آثار ایرج میرزابه این شکل است که مباحثی را پیرامون آثارش مطرح کرده ام که تا به حال دیگران نگفته اند. با توجه به نگاه و تئوری های منتقدان غربی نسبت به شعر و متن شناسی به سراغ این شاعر رفته ام.

در مورد ویژگی کارتان می توانید توضیح بدهید؟

با چند سرفصل این کتاب را تألیف و تدوین کرده ام. یکی طنز ایرج میرزاست که به واقع طنز زبانی را مدنظر داشته ام و اعتقاد دارم هنوز طنز ما طنز زبانی است تا تصویری. مسأله دیگر مقایسه متن اشعار و شأن نزول هر قطعه است؛ به نوعی متن، یک رسانه تبلیغی در دست ایرج میرزای بوده و دیگر اینکه مدح را در اشعار او بررسی کرده ام. ضمن اینکه در ساختار متن هم دگرگونی هایی ایجاد کرده است. از میان مکتب های نقد ادبی، شما اشعار ایرج میرزا را در کدام مکتب مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اید؟

من از منظر نقد جامعه شناختی به این اشعار نزدیک شده ام. یعنی نقد جامعه شناختی، مؤلفه هایی از نقد اخلاقی، روانشناختی، ساختاری و... را هم با خود دارد. نظرگاه نهایی من این بود که شاعر زاده پیرامونی است و ویژگی های خاصی دارد که منتج به خلق آن شعرها شده است. هر چند در همان دوره شاعران دیگری هم داشتیم که بانگهای متفاوت به سراغ همین موضوعات رفته اند، مثل عشقی، یا ملک الشعراء بهار و لاهوتی و... همه در یک برهه تاریخی شعر می سرودند. حالا چه اتفاقی روی می دهد که سبک هر شاعر با شاعر دیگر متفاوت می شود و سبک ویژه و شخصی خودش را پایه گذاری می کند، در آن کتاب آمده است.

یکی از ویژگی های آثار ایرج میرزا، بحث زبان شناختی در اشعار او است که به خاطر سهل و ممتنع بودن و لطافت زبان، بسیار تأثیر گذار بود. آیا به این جنبه هم پرداخته اید؟ ایرج میرزا را به عنوان سعدی زمانه می شناسند. ایرج میرزا در حوزه شعری که به نام سهل و ممتنع معروف است، از موفق ترین شاعران بوده است. دلایل این توفیق را باید در نوع رویکردش به زبان و مفاهیم و قصصی که از سرودن شعر داشت، جست و جو کرد. حتی الان هم تأثیر اشعار ایرج را می توان در اغلب مجموعه شعرهایی که منتشر می شوند، دید. در آثار طنزی هم که بندرت منتشر می شوند، تأثیرات مستقیم شعر ایرج را می بینیم.

آقای نجاتی گویا دارید پژوهشی در حوزه شعر معاصر انجام می دهید. خوب است که در این مورد برای علاقمندان توضیح بفرمایید.

«دایرةالمعارف شعر معاصر» را در دوران بیکاری پس از تعطیلی وسیع مطبوعات شروع کردم. در این پیگیری ها

به این نتیجه رسیدم که منابع غنی و جامعی که در حوزه شعر معاصر، کلیدهای اطلاعاتی را در اختیار جامعه بگذارد، نداریم. طیفی از دانشجویان و اساتید ادبیات معاصر در دانشگاهها و شاعران و منتقدان هستند که منابع کاملی برای پژوهش هایشان ندارند. جرقه اصلی کار از همان دوران در ذهن من زده شد.

الان در چه مرحله ای از تدوین «دایرةالمعارف شعر معاصر» هستید؟

این دایرةالمعارف را به شکل مدخل های الفبایی داریم تدوین می کنیم. اما در عین حال می شود آن را سرفصل بندی کرد و نگاهی را که به این کار داریم می توان زیر چند سرفصل تدوین کرد.

شعر معاصر یک موضوع کلی است. در ذیل این مفهوم کلی چند فاکتور قابل استخراج است. یک سرفصل مربوط به منتقدان و آثاری که در حوزه نقد شعر معاصر تا امروز نوشته شده اعم از کتاب، مقاله و نشریات ادواری. مسأله دوم ژورنالیسم ادبی است. به این معنا که تعداد زیادی نشریات با گرایشات مختلف سیاسی - فکری و فرهنگی،



● علی محمد نجاتی: منابع ما عمدتاً آثاری است که منتشر شده اند. ما این آثار را دسته بندی کردیم و به صورت مکتوب در آوردیم

سنت گرا، مدرن و آوانگارد و... منتشر می شدند که در جریانات شعر و نقد شعر معاصر تأثیر گذار بوده اند. سرفصل دیگر و عمده، خود شاعران هستند. از سال ۱۲۹۹ که مبدأ تاریخی و تحقیقی ما برای این پژوهش تعیین شده، تا سال ۱۳۷۹ شاعران بسیاری داشتیم که تاریخ شعر معاصر ما را در این مقطع شکل داده اند. زیر این سرفصل بررسی زندگی این شاعران، دوره های مختلف شعری شان گرایشات شعری شان و... هست. یعنی تمام چیزهایی که به حوزه شعری این دوره تاریخی مربوط می شود، کار شده است. غیر از این حوزه، حوزه های شخصی هر شاعر هم آمده است. سرفصل دیگر، مجموعه شعرهایی است که تا سال ۱۳۷۹ با شناسنامه کامل منتشر شده، به همراه معرفی اجمالی محتوایی اش، به این معنا که این مجموعه شعر با چه کیفیتی، در چه ژانری، و در چه قالبی و با چه گرایشاتی منتشر شده است. سرفصل دیگر کلیه تحولات جانبی شعر معاصر است، در شعر معاصر نقد شفاهی داریم که متعلق به شب های شعر، انجمن های ادبی شعر، محفل های شعری هست و جشنواره ها و... است و آنچه که مطرح و تأثیر گذار بوده اند، مطرح خواهند شد. تاریخچه این تشکل و تحول را هم آورده ایم و سرفصل های دیگری هم در حواشی شعر هست که در زمان انتشار خواهد دید. مبنای مدخل گزینی ما هم بر اساس شهرت مدخل ها بوده است. مثلاً جیب بنفش مشهورترین مدخل در شعر معاصر است که خیلی ها فقط اسمی از جیب بنفش شنیده اند و نمی دانند موضوع چیست؟

منابع پژوهش شما از کجا و به چه شکل فراهم شده است؟ منابع ما عمدتاً آثاری است که منتشر شده اند. ما این

آثار را دسته بندی کردیم و به صورت مکتوب در آوردیم و در تحریریه تأیید و فیش برداری کرده ایم شاخص ترین منابع ما - علاوه بر منابعی چون اینترنت و نشریات در حال انتشار - آثاری در حوزه نقد ادبی و تذکره نویسی شعر امروز است. منبع دوم ما نشریات ادواری در حوزه شعر است که منتشر شده اند. مثل بهار و نوبهار تا آخرین نشریاتی که تا امروز منتشر می شوند و...

این مجموعه در چند جلد تدوین و منتشر خواهد شد؟ این مجموعه با برآورد اولیه ما در پنج جلد تدوین و منتشر می شود. الان هنوز تعداد مجموعه شعرها برای ما نامشخص است. هنوز نمی دانیم کدام یک باید آورده شود و از کدام یک باید با اشاره ای گذرا، گذشت. یا کدام ها را به دلیل ابتذال مطلق و ضعیف بودن کنار گذاشت. شاید نزدیک به ده هزار کتاب شعر هست.

نیروهایی که با شما همکاری می کنند چند نفر هستند؟ ابتدا به تنهایی کار را شروع کردم ولی در ادامه نیروهای دیگری همکاری را با من شروع کردند. یک استاد دانشگاه، یک نفر که از هیأت تحریریه لغتنامه دهخدا است و در فرهنگ نویسی تخصص دارد و چند تن از مشاوران آگاه در جمع ما حضور دارند. دکتر سعید حمیدیان، دکتر شمس، دکتر عبادیان و... با ما همکاری دارند. ساختار تحریریه را توسعه دادیم و در مجموع یازده نفر پژوهشگر، با من همکاری دارند. مؤسسه انتشاراتی روزنگار هم به عنوان ناشر و مجری طرح از نظر مالی ما را حمایت می کند.

پیش از شما، شمس لنگرودی «تاریخ تحلیلی شعر نو» را در چهار جلد منتشر کرد و تاریخ تحلیلی نقد را هم در دست تألیف دارد و مهدی غفوری ساداتیه هم «فرهنگ کتابشناسی شعر شاعران» را منتشر کرد. آیا این آثار موازی با کار شما نیست؟

«تاریخ تحلیلی شعر نو» کاری ارزشمند است، منتها کار ما ماهیتاً با آن کتاب متفاوت است. الگوهای ما اصلاً الگوهای داخلی نیست، ما یک سری دایرةالمعارف ها و فرهنگنامه هایی را در این حوزه از آمریکا و فرانسه و آمریکای لاتین تهیه کرده ایم و از آنها به نوعی خط گرفتیم. کار ما چه به لحاظ شکلی و چه به لحاظ محتوایی با کار لنگرودی متفاوت است، پژوهش ما علمی و روشمند است و از آثاری از این دست، کمک می گیریم. ولی فرهنگنامه ساداتیه را هنوز ندیده ام.

حداقل در این دو دهه آثار بسیاری در حوزه نقد ادبی، شعر معاصر و... در خارج از ایران منتشر شده، آیا این منابع در دایرةالمعارف شما جایی دارند؟

ادبیات و شعر خارج از ایران را در سه سرفصل عمده داریم. یکی شعر تاجیکستان است، یکی شعر معاصر افغانستان است و در نهایت «شعر در تبعید» است. «شعر در تبعید» در سه دوره، قابل ارزیابی است. دوره تبعید شاعران به هند بود و دوره دوم...

و سومین دوره که مهم ترینش هم هست. در دوران انقلاب اتفاق افتاد. تا به حال تمام مقالات و ترجمه ها و نقدها را در نشریات جمع آوری کردیم. از منابع اینترنت هم اطلاعات مفیدی گرفتیم. ما حتی دایرةالمعارف ایرانیکارا سفارش دادیم که تهیه بشود چون برای کار ما منابع عمده ای است. ارتباطاتی هم با برخی از دوستان داشتیم که اطلاعات کتابشناختی و... را آنالیز کنند و در اختیار ما بگذارند. همین جا هم از دوستان شاعر، منتقد و ناشران ایرانی سراسر دنیا می خواهم که آثار و اطلاعات خودشان را به آدرس نشر روزنگار در تهران برای ما بفرستند. معاونت فرهنگی ارشاد هم قرار شد در بسیاری از زمینه ها به ما کمک کند.

شعرهای ترجمه هم در این دایرةالمعارف جایی دارند؟ مافظ یک رویکرد به شعر ترجمه خواهیم داشت. آن هم ترجمه های شعر معاصر فارسی به دیگر زبان هاست. ترجمه های شعر خارجی به فارسی به هیچ عنوان در حوزه کار ما نیست. هر چند در بخش تأثیر گذاری سعی می کنیم نوع تأثیر گذاری شعر جهان بر شعر فارسی و مکتب ها و شیوه هایی را که با خود آوردند و تغییراتی را که در فرم ماهیت و محتوای شعر نو ایران ایجاد کرده اند، مورد بررسی قرار دهیم.

بازخوانی کتاب های علمی؛ سنتی فراموش شده



بازخوانی نوشته ها، از جمله آشنا ترین روش های معرفی کتاب در کشور ما محسوب می شود خاصه آنکه در هر بازخوانی، بنابر سلیقه بازخوان فهم جدیدی از متن نوشته شده به بار می آید. معروفترین نمونه بازخوانی کتاب در ایران، نقالی شاهنامه است که در جریان آن مخاطبان با نمایشی تک گویانه حوادث منظوم شاهنامه را می شنوند و البته می بینند.

بازخوانی کتاب که جزئی از فرهنگ مطالعه در ایران به شمار می رود تنها ریشه در کتاب های شعر ندارد و گشتی در تاریخ نشان می دهد بسیاری از انواع کتاب های دیگر نیز به همت بازخوانان به عرصه اجتماعی معرفی می شدند اما تغییر جهت بازخوانی کتاب از انواع متنوع کتاب ها تنها به کتاب های شعر باعث شده تا بخشی از ظرفیت های کتابخوانی در ایران نادیده گرفته شود. در واقع تقاضای کتاب که خود از دو مؤلفه فهم و خرید تشکیل شده با حذف بازخوانی که مقدمه فهم کتاب است فقط بر مؤلفه خرید و بالطبع عدم تبلیغ عام توسط خریدار پایدار مانده است.

به عبارت دیگر کتاب های منتشر شده را فقط آن دسته مخاطبانی می خردند که قبلاً از موضوع آن با اطلاع شده اند و این آشنایی و معرفی کتاب فقط در حیطه اطلاع رسانی خانوادگی یا دوستانه و نه فراگیر انجام می شود. حال آنکه به عنوان مثال خرید شاهنامه نه فقط بر اساس معرفی های محدود و دوستانه بلکه به سبب فهم فراگیری است که بر اثر نقل نقالان شاهنامه در اذهان مخاطبان بوجود آمده است. همین الگو در مورد اشعار حافظ و سعدی نیز صادق است و از همین روست که کتاب های شاعرانی چون حافظ و سعدی و فردوسی بی آنکه همه خریداران، اشعارشان را هر روز از کتاب بخوانند تنها به واسطه فهم فراگیر عمومی اشعار (که به دلیل استفاده از صنایع ادبی پیچیده درک معنی دقیق آنها برای عموم آسان نیست) همواره چاپ و منتشر می شوند و طبیعتاً فرهنگ خرید اینگونه کتاب ها به تنوع چاپ آنها نیز منجر شده است. اما این همه برای آن نوشته شد که به سیاستگذاران عرصه کتاب های علمی بگویم اگر زمینه فهم عام از کتاب های به ظاهر پیچیده علمی نیز فراهم شود باز هم می توان انتظار داشت تقاضا برای خرید آنها افزایش یابد.

به طور طبیعی نیز برای فهم کتاب های علمی می بایست زمینه های گفت و گو درباره اینگونه کتاب ها به صورت کارگاه های عمومی بازخوانی کتاب فراهم شود. موضوع بازخوانی کتاب های علمی، اکنون نیز انجام می شود اما فقط در کلاس های محدود درسی و در مراکز رسمی آموزشی، اما وزارت ارشاد می تواند بازخوانی کتاب های علمی را از محدوده مراکز آموزشی به عرصه های عمومی تر تسوق دهد و این سنت فراموش شده را برای احیای فرهنگ مطالعه به کار گیرد.

امداد معلولین

امداد معلولین، دیوید ورتز، ترجمه دکتر ایرج دیهیمی، ۵۵۰۰ تومان.



در مقدمه کتاب از دلایل ترجمه آن، شیوه برخورد محتوایی فوق العاده انسانی، توجه کتاب به ساختار اجتماعی به دور از رفاه آنچنانی، تجملات، گران گرینی ها و درست مانند کشورمان یا حتی فقیرتر از آن، تمرکز شکل گیری کتاب بر روشی مردم سالارانه و از پایین به بالا و کوشش آن برای کمک رسانی به کودکان معلول است. این کتاب به همه کودکان معلول جهان هدیه شده به امید آنکه آنها و خانواده هایشان دنیا را در مسیری دوست داشتنی تر و قابل درک تر، برای همه جهانیان به پیش برند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی شریف



کتابخانه های دانشگاه صنعتی شریف تشکیل شده اند از: کتابخانه مرکزی که وظیفه تهیه و آماده سازی کتاب ها، مجلات، پایان نامه ها، گزارش ها و سایر منابع علمی و ارائه خدمات در این زمینه را به عهده داشته و دوازده کتابخانه تخصصی که در دانشکده ها مستقر هستند.

کتابخانه های دانشگاه صنعتی شریف دارای منابع اطلاعاتی در زمینه علوم و مهندسی بوده و با بیش از ۶۰ هزار عنوان کتاب انگلیسی و ۱۵ هزار عنوان فارسی، ۳۷۰۰ پایان نامه و ۲۲۰۰ عنوان مجلات علمی است.

نشریات کتابخانه مرکزی شامل کلیه نشریات فارسی و لاتین است که شماره های جدید آنها در کتابخانه های دانشکده ها قرار دارند. همچنین منابع موجود در بخش مرجع کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی شریف شامل کتاب های مرجع عمومی، کلیات، واژه نامه ها (Dictionary) و... بوده که برخی از آنها عبارتند از: لغتنامه دهخدا، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، دائرة المعارف مصاحب، فرهنگ ملی مشاغل، زندگینامه علمی دانشوران...

در بخش دیداری و شنیداری و بانک های اطلاعاتی کتابخانه مرکزی کار جمع آوری منابع اطلاعاتی، آماده سازی، نگهداری و ارائه خدمات مواد غیر چاپی مانند فیلم های ویدیویی، نوارهای صوتی، اسلایدها، میکروفرم ها (میکروفیلم و میکروفیش)، نرم افزارهای کامپیوتری همراه کتاب ها و مجلات، لوح های فشرده مجموعه مقالات کنفرانس های بین المللی و پایگاه های اطلاعاتی چند رسانه ای انجام می شود.

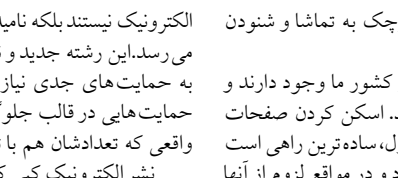
نیازسنجی پایگاه های اطلاعاتی مورد نیاز کاربران، برقراری ارتباط مستقیم با پایگاه های

اطلاعاتی الکترونیکی و ارائه تازه ترین اطلاعات الکترونیکی به کاربران و تأمین نیازهای اطلاعاتی استادان، دانشجویان دانشگاه و تأمین مدرک و درخواست های سایر کتابخانه های دانشگاهی و مراکز اطلاع رسانی از منابع اطلاعاتی موجود در کتابخانه از وظایف مرکز اطلاع رسانی کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی شریف است.

این بخش شامل ۳ واحد: پایگاه های اطلاعاتی، مبادلات بین کتابخانه ای و اطلاعات بوده که با بیش از ۱۰ مرکز اطلاع رسانی و کتابخانه دانشگاهی در تهران و شهرستان ها موافقتنامه همکاری امضا کرده و نیز تازه ترین اخبار کتابخانه و اطلاعات پایگاه های الکترونیکی را از طریق انتشار خبرنامه به اطلاع کاربران می رساند.

کلیه بانک های اطلاعاتی مثل INSPEC, ICONDA, ISMEC, ... مجلات الکترونیکی خریداری شده مثل AIP, IEEE, ACM و... سایر اطلاعات مورد نیاز، از طریق شبکه وب کتابخانه در دسترس اعضای هیأت علمی، دانشجویان و پژوهشگران دانشگاه قرار دارد و نیز اطلاعات منابع کتابخانه، از طریق صفحه وب و برنامه سیمرگ کتابخانه برای سایر دانشگاهها قابل جست و جو و دسترسی است.

برای سفارش کتاب ها و سایر منابع اطلاعاتی که



دهید تا نتیجه اش را که همان کتاب های چند صدتایی بر روی یک سی دی است در طرفه العینی شاهد باشید. همان اسکرین به همراه یک دستگاه ضبط صوت و نرم افزاری مخصوص و چند قلم سخت افزار ارزان قیمت در کنار هم قادرند تا کتاب East west را به همراه نوارهایش تبدیل کنند به نرم افزار چند رسانه ای آموزش زبان!

همان تمهیداتی را که برای تهیه نرم افزار چند رسانه ای آموزش زبان به کار آمد، می توان برای تهیه نرم افزارهای ایران گردی و ایران شناسی و شعرخوانی نیز به کار برد. فقط فرایندش کمی پر دردسر است و چند ساعتی بیشتر وقت می گیرد.

نشر الکترونیک همانند نشر سنتی عواملی را می طلبد که نبودن هر کدام از آنها باعث مختل شدن فرایند نشر خواهد شد و ضعف هر کدام نیز باعث کاهش کیفیت کل اثر می شود. نشر الکترونیک چیزی نیست که به یکباره از آسمان فرو آمده باشد و جامعه ما با آن نا آشنا باشد. ممکن است ظاهر آن کمی متفاوت باشد ولی اصول آن با چیزی که می شناسیم و با آن بزرگ شده ایم تفاوتی ندارد. در این روش نشر هم باید حق مؤلف را در نظر گرفت، با دقت و وسواس طراحی و برنامه ریزی کرد و با دقت منتشر کرد. کارهایی از قبیل سه پرده ای که در اول این نوشته به آن اشاره شد، نه تنها نشر الکترونیک نیستند بلکه نامیدن تولیدکنندگان به ناشر الکترونیک نیز کار خطایی به نظر می رسد. این رشته جدید و نوپا در کشور و کسانی که در آن به فعالیت واقعی مشغولند، به حمایت های جدی نیاز دارند. نه حمایت هایی از جنس کاغذ و پول و وام، بلکه حمایت هایی در قالب جلوگیری از فعالیت قلب زنان و تشویق و میدان دادن به ناشران واقعی که تعدادشان هم با توجه به کوتاه بودن عمر این فناوری کم نیست.

نشر الکترونیک یکی از چند کتاب کاغذی بر روی سی دی نیست. نشر الکترونیک چیدن چند عکس و هماهنگ کردن یک قطعه موسیقی با آنها هم نیست. نشر الکترونیک با ظاهر جوان خود، همان نیازهای نشر سنتی را دارد، فقط فناوری دست ناشر را برای میدان دادن به تخیلات، ابتکارها و هنرنمایی ها باز کرده است. نگذاریم هنرمندان و ناشران واقعی قبل از اینکه با بگیرند، به دست حریفان بازاری از میدان رقابت خارج شوند.

یادداشت

مجید آل ابراهیم

نشر الکترونیک

۱- رایانه را روشن می کنی، یک لوح فشرده (CD) را در دیسک گردان می گذاری و در چشم به هم زدن یکصد و یک عنوان کتاب مشهور و پر فروش در زمینه رایانه و علوم سخت افزاری و نرم افزاری را پیش روی خود می بینی. به این می گویند معجزه عصر نوین!

۲- یک دستگاه ضبط و پخش صوت با ده- دوازده عدد نوار صوتی به علاوه هشت جلد کتاب که همگی با بهترین کیفیت (!) کپی شده اند را یکجا خریداری می کنی و با کمک استادی شروع به فراگیری زبانی خارجی می کنی و یک روز می بینی که ای دل غافل، با هزینه ای بسیار کمتر می توانستی همان نوارها و کتاب ها را یکجا بر روی یک یا چند لوح فشرده تهیه کنی و با کمک یک رایانه یک شبه ره صد ساله را طی کنی. آئی تی آئی که می گویند همین است.

۳- یا به تاریخ و جغرافیا و محیط زیست کشورت علاقمندی یا به شعر و ادب فارسی. به هر کدام از اینها که دل بسته باشی کافی است که یک لوح فشرده را که حاوی هزاران عکس از عکاسان معروف کشور و خارج از کشور است و چندین ساعت موزیک و آواز اساتید کشور را چاشنی خود دارند، خریداری کرده و با کمک رایانه ای کوچک به تماشا و شنودن آنها بپرداز. این یعنی انقلاب فناوری.

هر سه اپیزود بالا متأسفانه واقعیتی تلخ هستند که در کشور ما وجود دارند و صنعت نشر الکترونیک ما را پیش از پا گرفتن تهدید می کنند. اسکن کردن صفحات کتاب ها و عرضه آنها در قالب های گرافیکی با کیفیت بسیار نازل، ساده ترین راهی است که می توان مجموعه چند کتاب را در حجمی کم ذخیره کرد و در مواقع لزوم از آنها استفاده کرد. این روش که برای مکانیزه کردن پایگانی های ادارات استفاده می شود، حجم دفاتر پایگانی ادارات را کم و مدیریت اسناد را بسیار کارآمد می کند و در هزینه و زمان صرفه جویی قابل ملاحظه ای به وجود می آورد. اسباب این کار نیز یک دستگاه اسکنر حرفه ای مخصوص و یک نرم افزار و صد البته یک رایانه است. حال این مجموعه را که می تواند انقلابی در ادارات ما به وجود بیاورد، در اختیار عده ای سودجو قرار

کارنامه قلمی استاد مصطفی رحیمی

بهاءالدین خرماهی

خبر رسید که آن یار بس صمیمی رفت و داغ تازه شد آن همدم قدیمی رفت و کارنامه او در سنامه ما بود به کام خسته من تلخی یتیمی رفت اگر چه ثبت به فهرست جاودانان شد زدست کشور ما مصطفی رحیمی رفت



ب تألیفات

(۱) آناهیتا (نمایشنامه)، (۲) دست بالای دست (نمایشنامه)، (۳) بتاله (نمایشنامه)، (۴) اتهام (داستان)، (۵) باید زندگی کرد (داستان)، (۶) قصه آن دنیا، (۷) تراژدی قدرت در شاهنامه (شاهنامه پژوهی)، (۸) سیاوش به آتش (شاهنامه پژوهی) و (۹) حافظ اندیشه (حافظ پژوهی). نگارنده این سطور که اندیشه های روشن و روشنگر این کتاب، منتشر شده در یک دهه پیش (۱۳۷۱) را بر نازک اندیشه های فلسفی گونه و «اورا بنفش» بعضی از معاصران ترجیح می داد، یک سال پس از انتشار آن، نقد و نظری مثبت درباره آن نوشت: «حافظ اندیشه کتابی است تقریباً کم حجم (۳۱۷ صفحه در قطع رقیعی) و نغز و پرمغز و بیانگر اندیشه های کلیدی و به دست دهنده کلید اندیشه های حافظ و از معدود کتاب هایی است که درباره حافظ است و باید و ذهن ادبی نیست، بلکه بینش اعتدالی اجتماعی بر آن حاکم است؛ و حافظ را نه شاعری در میان شاعران بلکه اندیشه وری فراتر از قول و غزلسرایی قدما می داند...» «حافظ اندیشه» [نقد کتاب]، نوشته بهاءالدین خرماهی در نگاه نو، شماره ۱۵ (مرداد و شهریور ۱۳۷۲).

ب ترجمه ها

(۱) آنکه گفت نه و آنکه گفت آری، اثر برتولد برشت (۲) اگزیتانسیالیسم و اصالت بشر، اثر ژان پل سارتر (۳) ننه دلاور و فرزندان، از برشت (۴) ادبیات چیست؟، اثر سارتر با همکاری استاد ابوالحسن نجفی (۵) آرفه سیاه، از سارتر

نام بلند و کارنامه ارجمند شادروان استاد مصطفی رحیمی، ادیب و ادب پژوه، حقوقدان و سیاست پژوه و تحلیلگر اجتماعی معاصر (متولد نابین ۱۳۰۴ - در گذشته تهران در دهم مرداد ماه ۱۳۸۱ ش)، را کمتر کسی از اهل کتاب و فرهنگ - جز شاید کمتر از بیست سالگان - ممکن است نشناسد و اغلب یاد دست کم بعضی از آثار قلمی او را که در حدود نیم قرن می نوشت و ترجمه می کرد، نخوانده باشد.

او احتمالاً از دوپست عنوان بر می گذرد و در پیچ بر ما که جشن نامه ای سزاوار ارج و اجر خدمات فرهنگی پنجاه ساله او تدوین نکردیم. مگر با تدوین یادنامه ای سنجیده و سزاوار قصور و غفلت خود را جبران کنیم.

فهرست تقریباً کامل آثار کتابی او (که برای رعایت اختصار مشخصات طبع و نشر کامل آنها را نمی آوریم) از این قرار است:

الف) مجموعه مقاله ها

(۱) نگاه، (۲) نیم نگاه، (۳) دیدگاهها، (۴) هنرمند و زمان او (مجموعه مقاله از کامو و دیگران)، (۵) رسالت هنر (گزیده مقالات از کامو و دیگران)، (۶) ادبیات و اندیشه (گزیده مقالات از سارتر و دیگران)، (۷) پروستریکا و نتایج آن، (۸) سخن پاک و (۹) چرا شوروی متلاشی شد.

چه کتابی خوانده اید

پوران فرخزاد

نقد آثار زنان در یک ماهه اخیر



از عید تا چندی پیش مشغول نوشتن رمانی بودم که وقتی تمام شد به خودم یک رنگ تفریح دادم و آن این بود که انبوه کتاب هایی را بخوانم که نویسنده آن زنان بودند. این کتاب ها در گروه شعر، داستان و پژوهش بودند و آنچه را که می خواهم معرفی کنم نمونه هایی از این سه گروه هستند که اخیراً خوانده ام. من روی این کتاب هایی که خوانده ام نقد می نویسم چرا که می بینم بسیاری از صاحب نظران امروزه در برابر آثار جدید - مخصوصاً آثار زنان - توطئه سکوت در پی گرفته اند. پس حین مطالعه آثار نویسندگان زن به این کتاب ها برخوردیم که نظرم را جلب کرد: «رؤیای شیرین» اثر ناهید کبیری است که از طالع یک استعداد خبر می دهد. او بسیار پرشوق است و کتابش را حسی نوشته است اما ساختار آن قوی نیست.

«خاور» اثر ناهید باقری است که در آلمان چاپ شده است. این کتاب فرم قدیمی دارد. کتاب، داستان است اما جوری نیست که خواننده را مهیوت کند. «اتاق صورتی» اثر مهکامه رحیم زاده بیشتر در حال و هوای خانواده است که متأسفانه در جهان محدوده مانده است. اگر از این چارچوب بیرون بیاید می توان به او امید داشت. «عطر نسکافه» اثر منصوره شریف زاده ساختار قوی دارد اما از شور و حال خالی است. این کتاب بسیار رئال و واقع گرایانه نوشته شده است اما آن حس قوی را نداشته است.

در حوزه پژوهش دو اثر از بنفشه حجازی خواندم به نام های «دایره حیرت» (زندگینامه حکیم عمر خیام) و جلد سوم حال و هوای وضع اجتماعی زنان ایرانی در درازای تاریخ به نام «ضعیفه». او در پژوهش بسیار موفق است. در حوزه شعر «تقویم» سهیلا صارمی را خوانده ام که دریافتم شاعر دیدی

محمد قاضی



محمد قاضی به تاریخ دوازدهم مرداد سال ۱۲۹۲ در مهاباد متولد شد. پدرش امام جمعه این شهر بود. قاضی در سال ۱۳۰۸ برای ادامه تحصیل نزد عمویش آمد و در دبیرستان دارالفنون

در رشته ادبی دیپلم گرفت و در سال ۱۳۱۵ وارد دانشگاه تهران شد و در دانشکده حقوق، رشته قضایی خواند. پس از اتمام تحصیلات به عنوان کارمند وارد وزارت دارایی شد که شرح این دوران را در کتاب خاطرات خود آورده است.

قاضی پس از بازنشسته شدن وارد «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» شد و حاصل این مقطع از زندگی اش ترجمه آثاری چون «باخانمان» اثر هکتور مالو، «ماجرای جوان» اثر ژاک سرون، «پولینا، چشم و چراغ کوهپایه» اثر آنا ماریا ماتوته، «داستان کودکی من» اثر چارلی چاپلین و «پنج قصه از آندرسن» است که هر کدام به چاپ های متعدد رسیده و هنوز هم خواننده دارد.

نخستین اثری که قاضی ترجمه و منتشر کرد کتاب «کلود و لگر» اثر ویکتور هوگو بود که در سال ۱۳۱۷ از فرانسه به فارسی برگرداند. مجموعه ترجمه ها و تألیفات او هم اکنون به بیش از ۷۰ اثر می رسد که داستان این ترجمه ها را در کتاب «سرگذشت ترجمه های من» آورده است.

قاضی از پرکارترین و تأثیرگذارترین مترجمان کشور بود که قریب به اتفاق آثارش به ده چاپ و بیشتر رسیده است. کمتر اثری از او هست که چاپ دوم و سوم نداشته باشد. مگر اینکه میزبانی از تجدید چاپ آن جلوگیری کرده باشد.

مهمترین آثاری که از وی خواننده ایم «دون کیشوت» اثر شاخص میگل دو سروانتس، «امام بواری» اثر گوستاو فلوبر، «درباره مفهوم انجیل ها» اثر کری ولف و «آزادی یا مرگ» و «مسیح باز مصلوب» از نیکوس کازانتزاکیس است که در زمان اخیر از سال ۶۳ به این سو اجازه تجدید چاپ پیدا نکرده اند، اما تا سال ۶۲ هر کدام توسط انتشارات خوارزمی شش بار تجدید چاپ شده اند.

«ماجرای یک پیشوای شهید» اثر ایگناتسو سیلونه که تا سال ۶۰ سه بار منتشر شده بود، هم اکنون جزء آثار نایاب محسوب می شود. «دکامرون» اثر شاخص ادبیات کلاسیک ایتالیا اثر بوکاچیو با ترجمه قاضی سال ها مجوز انتشار نداشت. این مجموعه داستان یکی از بهترین ترجمه های اوست که سرانجام با حذف چند روایت در اواخر دهه هفتاد توسط نشر مازیار چاپ و منتشر شد.

رمان «سمرقند» اثر امین معلوف با ترجمه او هنوز چاپ نشده و کتاب «خاطرات یک مترجم» از او که در سال ۷۱ توسط نشر زنده رود به بازار آمد، دیگر تجدید چاپ نشد و در زمره آثار نایاب هم اکنون در بازار سیاه به قیمت گزافی خرید و فروش می شود. قاضی نوشتن این کتاب را از سال ۱۳۴۰ آغاز کرده بود که تا اواخر دهه شصت را در بر می گرفت. قاضی در سال ۷۶ در تهران درگذشت.

(۶) نقد حکمت عامیانه، اثر سیمون دوبووار (۷) مجازات اعدام، اثر مارک آنسل (۸) آنچه من هستم، اثر سارتر (۹) کشتار عام از سارتر (۱۰) حقوق و جامعه شناسی، اثر گورویچ و دیگران. (۱۱) تعهد، از کامو (۱۲) دیالکتیک، از فولکیه (۱۳) پرولتاریا، تکنولوژی و آزادی، اثر آندره گرز (۱۴) بحران مارکسیسم (ترجمه با همکاری دیگران کارنامه آن بزرگمرد که سال ها در کسوت قضا و کالت عدلیه و نیز دو سالی در زمان مدیریت گروه شادروان استاد زرین کوب به تدریس ادب اروپایی هم پرداخته بود، علاوه بر این خدمات، ۹ مجموعه مقاله + ۹ کتاب تألیفی و ۷ ترجمه، مجموعاً ۲۵ کتاب است. بر اینها باید بسیاری سخنرانی های باز نوشته شده، نشده و مقالات مدون نشده دیگر، از جمله مجموعه ای از مقالات نوشته اخیر که بر مؤسسه نشر و پژوهش فرزانه منت نهاده و چند ماه پیش به ما برای چاپ عرضه داشته اند و چون چند عنوان نام برای آن پیشنهاد کرده اند در حال حاضر نمی توانم نام نهایی آن را، بگویم افزوده شود. این نوشته کوتاه را که سزاوار مقام شامخ و بلند فرهنگی زنده یاد استاد مصطفی رحیمی نیست، به نمایندگی از همین نشر فرزانه و هیأت مدیره و همکاران آن که همه دوستان و دوستان اران او بوده و هستند، با درد و دریغ بسیار نوشتم. آثار خوشنوشته و خوشخوان او، از آبخورهای زلال و روشنی بخش و پرورش دهنده ذهن و زبان نسل میانسالگان امروز ادبی - فرهنگی ایران بود. و همچنان ارزش ماندگار دارد. روانش خوش باد. با تسلیت به همسر فرزانه و فرزندان فرهیخته اش سهراب و بابک عزیز و جامعه علم و ادب ایران.

اجتماعی دارد. کوتاه سخن می گوید و سخنش بر دل می نشیند و زیباست. «خدا خواب تازه تری برایم دیده است» اثر بهاره رضایی تلاشی بسیار لطیف و ساده است و من برای او آینده خوبی می بینم. «بامدادهای نیامده» کتاب شعر دیگری است از ماریا نقیب زاده. اشعار او با تشبیهات زیبا همراه است. «خانه خورشید کجاست» اثر مهناز آذرنیا است. او یک شاعر اجتماعی است که تلخی های قرن بیستم را بخوبی می بیند و تصویرگر انسان پریشان این قرن است. «آفتاب به سینه ات سنجاق می شود» کتاب شعر عفت کیمیایی است او در این کتاب نسبت به آثار قبلی اش پیشرفت قابل ملاحظه ای دارد. «قناری های لال» کتاب فریده برازجانی است، او هم در کارش پیشرفت کرده است و شعرهای زنانه ای گفته است که از زیبایی خاصی برخوردار است. «از من به روایت رؤیا» کتاب شمس پورمحمدی است. او از شاعران زنی است که به آینده اش امیدوارم. اگر چه در این کتاب بیشتر از قهرمانان تورات استفاده شده است اما تلاشی زیباست و اندیشه های خوبی دارد. او اگر بتواند خودش را از بازی با زبان نجات دهد - چرا که بازی با زبان کار هر کسی نیست و تنها باید زبان دانست - اشعار خوبی در آینده خواهد گفت. مهری رحمانی کتابی دارد با نام «دارم شبیه خودم می شوم». این کتاب را هم اخیراً خوانده ام و اشعار خواندنی فراوان دارد. در آخر می توان گفت از مجموع مطالعاتم در این چند وقت اخیر به این نتیجه رسیدم که متأسفانه آثار زنان - مخصوصاً شاعران - یک شکل است. مثل اینکه از یک الگو استفاده کرده اند؛ استعداد و نوآوری دارند اما ساختار آثارشان همانند است و چقدر خوب است شاعران زن ما سبک و زبان خود را داشته باشند.

سر دبیر: علی اصغر رمضانپور

مدیر مسؤول: احمد مسجد جامعی

صاحب امتیاز: خانه کتاب ایران

کتابنت

شورای سردبیری:

دکتر یونس شکرخواه
سید فرید قاسمی
حمیدرضا اسلامی
محمد هاشم اکبریانی
سید ابوالحسن مختاباد
مسئول دفتر تحریریه:
آمنه عبرگری
تلفن تحریریه: ۸۸۴۰۱۹۹

هیات تحریریه:

رسول آبدیان، فرانک آرتا
حمید باباوند، نرگس بازخانه ای
نگار پدram، لیلی پوراسکندر
مریم جباری، زهرحاج محمدی
همایون خیری، ابراهیم رزم آرا
مهیاریشیدیان، سیدعلیمحمدرفیعی
محمد رضارئسی، فرزین شیرزادی
مریم طاهری مجد، سایر محمدی

عکس:

سیاوش حبیب اللهی
محمد رضا دشتی، رضا خنکدار
مدیر هنری: بهروز متین صفت
مدیر فنی و صفحه آرا: ناظم رام
حروفچین: منیر سرگلی، غزاله نوروزی
تصحیح: منیرالسادات حسینی
بنفشه محمودی، محمد ملاحسینی
هماهنگی: آرش آذرنگ

توزیع: عزیزالله امرایی، علیرضا امرایی

طراح صفحات الکترونیکی:
علی رضا کریمی
نظارت چاپ:
محمود رضا طلوعی
لیتوگرافی، چاپ و توزیع:
ایرانچاپ
تدارکات: قادر میرزایی
خدمات: علی محمدی، علی رحیمی

مدیر امور اجرایی:

محمد رضا قدیمی
امور اداری: حجت الله زیادلو
امور مالی: محمد اسکندری قادی، امیر شمس
امور آگهی ها: رضا گنجی
تلفن آگهی ها: ۲۰۴۸۵۹۷
مسئول دفتر امور اجرایی:
عادل صادق
تلفن امور اجرایی: ۸۳۱۸۶۵۹

قوانین و مقررات جزایی کاربردی



قوانین و مقررات جزایی کاربردی همراه با وحدت رویه، نظریات مشورتی اداره حقوقی دادگستری، نظریات شورای نگهبان و... تدوین جهانگیر منصور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱، ۹۸۱ صفحه، ۵۳۰۰ تومان.

این مجموعه که در نوزده کتاب فراهم آمده است، همه قوانین و آیین نامه هایی را که در یک پرونده کاربرد دارد، در بر می گیرد.

رد پای زلزل

رد پای زلزل (رمان تاریخی ایران ۱۳۲۰-۱۳۰۰)، کامران سپهر، نشر شیرازه، چاپ اول، ۱۳۰۰ تومان. پژوهش کتاب فوق با مطالعه رمان های تاریخی این دوره و همزمان نگاه به صحنه ادبیات جهانی، پرتویی تازه بر این حوزه مطالعاتی می افکند. مسائلی چون رمان و اخلاقیات و جایگاه ادبیات عامه پسند در سال های آغازین رمان فارسی مدنظر قرار گرفته است.

موسیقی اندیشه

بیان اندیشه در موسیقی، سیدنی فینکلشتاین، محمدتقی فرامرزی، انتشارات نگاه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۱۲۰۰ تومان.

این کتاب در ده فصل پیرامون موسیقی و تصویرهای انسانی، سرچشمه های موسیقی، موسیقی ناب و ستیز اجتماعی، موسیقی و آزادی ملی و... به بررسی می پردازد. نخستین فصل کتاب مقاله ای است سراپا تازه درباره نوع اندیشه هایی که در موسیقی بازتاب می یابند و یا موسیقی می تواند آنها را بیان کند و فصل آخر رویدادهای دو دهه موسیقی مدرن در آمریکا را بیان می کند.



جنون وایماری

جنون وایماری، اوتو آ. بومر، مهشید میرمعزی، انتشارات علم، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۲۲۵۰ تومان. آناتول لگات نویسنده ای که در دوران حکومت کمونیستی آلمان شرقی یک مجموعه شعر سیاسی در مخالفت با دولت انتشار داده، خود را دگر اندیش و مترقی می داند. او برای مؤسسه ادبیات کلاسیک وایمار، در نقش ویراستار کار می کند و روی کتابی خارق العاده با عنوان «جنون وایماری» کار می کند که در آن «اسطوره وایمار» را در هم می شکند و مشهورترین شاعر آلمان زیر سؤال می رود و... این رمان در دو بخش «همه چیز زائیده عدالت اوست» و «جست وجوی فوق العاده و دلپذیر» تدوین شده است.



مسؤولیت روشنفکران

آزادی و مسؤولیت روشنفکران، کارل پوپر، کورش زعیم، انتشارات ایران مهر، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۶۰۰ تومان.

کارل پوپر که یکی از پرنفوذترین نظریه پردازان و فیلسوفان سده کنونی بود، در دانشگاه سنت



کال کانادا در سال ۱۹۸۹ یک سخنرانی با عنوان آزادی و مسؤولیت روشنفکران ایراد کرد که بازتاب وسیعی در میان مخاطبان جهانی ایجاد کرد. زعیم این سخنرانی را به همراه سخنرانی دیگر او با عنوان «اندیشه ای درباره تئوری و کارکرد حکومت مردم سالار» که در سال ۱۹۸۸ در دانشگاه مونیخ ایراد شده بود، به همراه یک مصاحبه با کارل پوپر که در سال ۹۴ در روزنامه لونیاتالی چاپ شده بود، گردآوری، ترجمه و منتشر کرده است.

نام خلیج فارس

نام خلیج فارس؛ بر پایه اسناد تاریخی و نقشه های جغرافیایی، ایرج افشار سیستانی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۸۰۰ تومان.

مؤلف به شیوه علمی درباره ریشه های نامگذاری خلیج فارس، از سوی آسوری ها، رومی ها و یونانی ها و سپس به کارگیری آن توسط تاریخ و جغرافیا نگاران عرب، اسلام و جهان از آغاز سخن به میان آورده است



بانک استقراضی روس در ایران

تاریخ بانک استقراضی روس در ایران، مظفر شاهدی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۴۰۰۰ تومان.

کتاب، در ۱۳ فصل مجزا، اما با ارتباط منطقی میان فصول و پس از پنج سال پژوهش و گردآوری منابع و اسناد نوشته شده است و می توان آن را از منابع مهم در تجزیه و تحلیل روابط میان بانک استقراضی روس در ایران و تأثیرش بر تحولات دوران مشروطه به شمار آورد.



فرهنگ تئاتر

فرهنگ اصطلاحات تئاتر، همایون نور احمر، نشر نقطه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۱۷۰۰ تومان.

کتاب حاضر گامی است در جهت تهیه و تدوین یک فرهنگ جامع در زمینه هنر تئاتر. نوراحمر در مقدمه کتاب می گوید: هر چند این کتاب با تعدادی واژه های محدود عرضه می شود ولی در تلاشیم که با افزودن واژه های دیگر در چاپ های بعدی به غنای فرهنگ اصطلاحات تئاتر بیفزاییم. در بخش پایانی کتاب عکس هایی از پیشگامان هنر تئاتر آمده است.



بابک در تاریخ

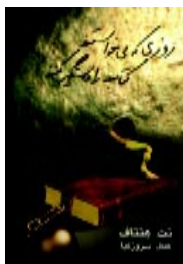
بابک و نقد تاریخ نگاری، رسول رضوی، مؤلف، چاپ اول: ۱۳۸۰، ۱۵۰۰ تومان.

کتاب حاضر نگاه نویی به ریشه های فکری و بستر حرکت یکی از رخدادها بسیار مهم- قیام بابک خرم دین- در گذشته ایران است که در ملتقای سده های دوم و سوم هجری به وقوع پیوسته و از جریان اعتقادات دین ناب منبعث شده و بر رویدادهای پس از خود تاکنون تأثیر گذاشته است. کتاب با تحلیلی در قیام های فلات ایران آغاز و در ادامه به سرخ جامگان در خراسان می پردازد و در نهایت افسانه اتحاد افشین و مازیار و بابک را مورد بررسی قرار می دهد.



دستگیری کتاب

روزی که می خواستند کتاب را دستگیر کنند، نت هنتاف، کمال بهروز کیا، انتشارات درسا، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۱۲۵۰ تومان. هنتاف نویسنده آمریکایی در این رمان، داستان دو دانش آموز -لوک و بارنی- را پس از ایام تعطیلات تابستانی روایت می کند که به مدرسه بازگشته اند و... در پشت جلد کتاب آمده: جدال مهیجی درباره معنی و مفهوم ادبیات از دیدگاه دموکراسی و مهممل بودن سخن کسانی که می خواهند از حضور آن جلوگیری کنند.



افسانه های ژاپنی

قصه ها و افسانه های ژاپنی، فیلسین شاله، قاسم صنوی، انتشارات جاودان خرد، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۱۲۵۰ تومان. در این کتاب پس از مقدمه، افسانه های شینتو، افسانه کنفوسیوسی، افسانه های بودایی، قصه ها و افسانه های قرون وسطا، قصه ها و افسانه های قرون جدید را به شکل فصل بندی شده می خوانیم. سرگذشت هایی ملهم از مذاهب بزرگ ژاپن و افسانه هایی که برخی از آنها یادگار قرون وسطا هستند و برخی به دوران جدید مربوط می شوند.

گذار از مدرنیته

گذار از مدرنیته، نیچه؛ فوکو؛ لیوتار؛ دریدا، شاهرخ حقیقی، انتشارات آگاه، چاپ دوم: ۱۳۸۱، ۲۵۰۰ تومان.

این کتاب مجموعه ای از سه مقاله و یک پیوست پیرامون چالش پست- مدرن نگاشته شده است. فصل اول «خرد ستیزی در اندیشه پست مدرن» ارائه تصویری از وضعیت کلی پست- مدرن است که طی یک سخنرانی در دانشگاه بر کلی ایراد شده بود. فصل دوم «نقد نیچه از اخلاق» را مورد بحث قرار می دهد. آخرین بخش کتاب «ملاحظات درباره کتاب تردید» از بابک احمدی را به نقد و بررسی می شنیدند.



عزت الله فولادوند و «منطق تاریخ»

دکتر عزت الله فولادوند، در حال ترجمه و تألیف مجموعه ای از مقالات است که قرار است با عنوان «منطق تاریخ» طی دو ماه آینده به بازار عرضه شود. پیش از این نیز از دکتر فولادوند، مجموعه ای از مقالات ترجمه ای و تألیفی با عنوان «خرد در سیاست» از سوی انتشارات طرح نوبه بازار عرضه شده بود.

«شب نامه» در ۵ جلد

مجموعه ۵ جلدی «شب نامه» اثر علی مؤذنی در ۳۳۰۰ صفحه از سوی انتشارات قدیانی منتشر می شود. این کتاب که شیوه روایتی آن بین فیلمنامه و رمان است، داستان انقلاب را روایت می کند.

زلف عالم سوز

تحلیل اشعار و اندیشه سنایی غزنوی با تکیه بر حدیقه الحقیقه توسط سیدمحمدی ضرغانی از سوی نشر روزگار در دست انتشار است.

متن کامل میشل استروگف

متن کامل میشل استروگف اثر ژول ورن با ترجمه محمدرضا پارسایار از سوی نشر هرمس منتشر خواهد شد. پارسایار اخیراً «گل های رنج» گزیده اشعار شارل بودلر شاعر فرانسوی را منتشر کرده است.

هفت نگار

«هفت نگار در هفت تالار» گزارشی از هفت پیکر نظامی گنجوی به قلم علیقلی محمودی بختیاری را نشر آشیانه کتاب منتشر خواهد کرد.

نقد استاد ایرانی

«نقد و استقلال ادبی در ایران» نام کتابی از محمدمهدی خرمی استاد ایرانی بخش مطالعات خاورمیانه ای دانشگاه نیویورک است که از سوی نشر ویستار در دست انتشار است.

مهمانی آینه

«مهمانی آینه» داستان هایی از زنان نویسنده معاصر ایران است که با ترجمه و گردآوری محمدمهدی خرمی و شعله وطن آبادی (با متن دو زبانه) توسط نشر ویستار منتشر خواهد شد. این مجموعه به عنوان برنده بهترین گردآوری و ترجمه سال ۲۰۰۰ آمریکا انتخاب شده بود.

واژگان و نظریه

«واژگان ادبیات و نظریه ادبی» عنوان اثری است که به قلم مهران مهاجر و محمد نبوی به رشته تحریر درآمده و توسط نشر آگه منتشر خواهد شد.

تبردار خراسان

محمدحسین سروری که هفته گذشته کتاب «روانشناسی استبداد» اثر لئو اشتراوس را ترجمه و منتشر کرده، کتاب «ابومسلم، تبردار خراسان» اثر ایرن ملیکوف را به زیر چاپ دارد.

اسیر شیطان

اسیر شیطان عنوان اثری از هانری برنارد لوی است که با ترجمه محمدحسین سروری بزودی منتشر خواهد شد. این مترجم کتاب «روانشناسی و دین» اثر کارل گوستاو یونگ را توسط نشر علمی در سال ۷۰ منتشر کرده بود.

زبان نو

«در جست وجوی زبان نو» کتابی تحلیلی از سیر تحول هنر نقاشی در عصر جدید تألیف روبین پاکباز در همین ماه تجدید چاپ خواهد شد. «آسیاب کنار فلوس» اثر جورج الیوت با ترجمه ابراهیم یونسی نیز تجدید چاپ می شود. ناشر این دو کتاب مؤسسه انتشارات نگاه است.

ژالیزیانا

«شعرنامه ژالیزیانا» منظومه ای سروده محمدعلی سپانلو در سه بخش پیشواز، بدرقه و متن توسط مؤسسه انتشارات آگاه در دست انتشار است.

عبادیان و هگل جوان

«هگل جوان» عنوان اثری از میران زنوی را محمود عبادیان به فارسی برگردانده که توسط انتشارات آگاه راهی بازار می شود. همین ناشر کتاب «سلوک و روحی بتهون» اثر سالیوان را با ترجمه کامران فانی و مقدمه تازه ای از او تجدید چاپ می کند.

ایدئولوژی ایگلتون

«تری ایگلتون» که کتاب «پیش درآمدی بر نظریه ادبی معاصر» از او توسط عباس مخبر ترجمه و منتشر شده بود، کتاب دیگری با عنوان «درآمدی به ایدئولوژی» دارد که علی اکبر معصوم بیگی آن را به فارسی برگردانده و انتشارات آگاه ناشر آن خواهد بود.

